



تبليغ امرالله  
مؤسسۀ روحی



دفتر ششم



تبلغ امرالله

مؤسسة روحى

کلیه حقوق برای بنیاد روحی در کلمبیا محفوظ است تاریخ ثبت ۲۰۰۴  
چاپ دوم فارسی ۲۰۰۶  
شابک ۹۷۸-۱-۸۹۰۱۰۱-۵۵-۸ (ایالات متّحده)

نخستین نسخه بزبان اسپانیولی تحت عنوان *Enseñemos la Causa* به چاپ رسید. تاریخ ثبت ۱۹۹۸  
حقوق چاپ برای بنیاد روحی در کلمبیا محفوظ است  
شابک ۹۷۸-۹۵۸-۸۰۵۷-۴۹-۱ (کلمبیا)

انتشارات پالابرا

Palabra Publications  
7369 Westport Place  
West Palm Beach, Florida 33413  
U.S.A.  
1-561-697-9823  
1-561-697-9815 (fax)  
books@palabrapublications.info  
www.palabrapublications.info

## فهرست مواضیع

۱	..... همکاران گرامی
۵	..... ماهیت روحانی تبلیغ
۴۱	..... صفات و رفتار مبلغ
۸۷	..... عمل تبلیغ



## همکاران گرامی:

دفتر دَوم مؤسسه روحی شرکت کنندگان را با مقدمات امر تبلیغ آشنا نمود. نقطه عطف دو موضوع بود: فراگیری ملاقات تازه تصدیقها و مباحثه درباره مطالبی که به ازدیاد معلومات امری آنها کمک کند و حصول توانایی در گنجاندن عقائد بهائی در مکالمات و تفهیم زبانی که حضرت عبدالهء در خطابات و الواح خود بکار برده اند. با بدست آوردن تجربه های عملی، بدون تردید شرکت کنندگان مشتاقند عمیق تر در مورد موضوع تبلیغ مطالعه نمایند.

این کتاب دارای سه بخش است. اول، "کیفیت روحانی تبلیغ"، که به درک شرکت کنندگان در اهمیت روحانی امر تبلیغ کمک می نماید. دوم "صفات و طرز رفتار مبلغ" فرصتی را فراهم می آورد که در صفات یک مبلغ امر الهی که می باید به آن آراسته باشد تفکر نمود. در بخش سوم، "عمل امر تبلیغ"، اشاره به تلاش های فردی و گروهی فعالیت های تبلیغی کرده و آنها را مورد بررسی قرار می دهد.

در میان موضوع هایی که در همه بخش ها مورد مطالعه قرار می گیرد دو مطلب در تمام کتاب مورد دقت و توجه خاص قرار دارد که در زمینه های گوناگون بررسی شده است. افرادی که به عنوان مربی در این دوره ها عمل می کنند باید اطمینان حاصل نمایند که شرکت کنندگان بطور کامل این مطالب را درک کرده اند.

یکی از این مطالب "بودن" و "عمل کردن" است که دو بُعد جدا نشدنی در حیات بهائی می باشد. تأکید می شود برای اینکه مبلغ موفق باشی باید هر روز در حالی که مستمر مشغول کار تبلیغ و بدست آوردن تجربه هایی در این زمینه هستیم در تزکیه حیات درونی خود کوشا باشیم. متأسفانه در زندگی امروزه تفکر دوگانه عادت ذهنی مردم شده است که به آسانی می تواند به جامعه بهائی هم سرایت کند. آیا باید به تحصیل خود ادامه دهیم یا به مهاجرت بروم؟ آیا باید در خدمت خانواده ام باشم و احتیاجاتشان را برطرف نمایم یا به خدمت امرالله پردازم؟ آیا باید توجه و همت خود را در اكمال نفس خود بکار بندم یا دیگران را تبلیغ کنم؟ پذیرفتن فکر دوم که در تجزیه و تحلیل نهائی، تخیلی بنظر می رسد، فکر افراد احباء راست می کند، امید چنان که این دوره به دانش آموزان کمک نماید تا از چنین تفکرات سست کننده ای رهایی یابند.

موضوع دوم که درست به اهمیت موضوع اول می باشد، یادگیری است. ثابت شده است که مؤثر بودن در امر تبلیغ بطور فردی و گروهی، در طول زمان حاصل می گردد، بشرط آنکه تمایل به فراگیری داشته باشیم. تجربه نشان می دهد که درک این حقیقت ساده و خواست ما در پذیرفتن این خصوصیات می تواند درهای موفقیت را بگشاید.

این کتاب بعد از بررسی نظریات، به نکات عملی توجه می نماید، و بر مفاهیم، کیفیت ها، طرز تفکرها و مهارتها که استعداد و لیاقت فردی را بالا می برد تمرکز می کند. بخش اول بیشتر با مفاهیم سروکار دارد: کیفیت وظیفه ای که مظهر امر الهی بر ما فرض فرموده؛ حکم تبلیغ که نشانه رحمت الهی است؛ اشتعال روحانی؛ رابطه تبلیغ کردن و داشتن معلومات امری؛ تقدس؛ تبلیغ بعنوان یک وظیفه مقدس هر فرد بهائی؛ تبلیغ بعنوان کلیدی برای گشودن

درهای مدینه قلب انسانی؛ تبلیغ بعنوان عملی که به مراحل تقلیب روحانی جنبش و حرکت می‌بخشد؛ کلمه الله بعنوان قدرتی که این تقلیب را ممکن می‌سازد و نقش عشق و محبت در امر تبلیغ.

بیان اینکه اولین بخش با مفاهیم سر و کار دارد، بدین معنی نیست که بحث‌ها باید در سطح نظریات باقی بماند. مربی گروه می‌باید توجه داشته باشد که تمرین‌های گوناگون به خوبی انجام بگیرد، یعنی درک موضوع عمیقاً حاصل شده باشد که به نحوه تفکر تأثیر گذارد و باعث ایجاد توانایی‌ها و مهارت‌های لازم در شرکت کنندگان گردد. بویژه، در دنیایی که مفهوم تقدس ناپدید شده است، در جهانی که مقام همه چیز به حد خرید و فروش کاهش یافته است، دانش آموزان پس از گذراندن این دوره باید آگاهی کامل از "تقدس" بیابند و هشیار باشند که بهنگام تبلیغ، با قلوب انسانی و قوای بیشمار روحانی روبرو هستند که فرد را به شناسایی و ایقان رهنمون می‌گردد.

بخش دوم صفات روحانی و طرز رفتار مبلغ را بررسی میکند. قسمتهای نخستین به صفاتی مانند پاکی قلب، محویت، ایمان، شهامت، حکمت، انقطاع، فروتنی و اشتیاق مبلغ اختصاص دارد. توسعه و پیشرفت صفات روحانی موضوعی است که در تمام کتابهای مؤسسه روحی مرتباً مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد ولی به صورت‌های گوناگون. در اینجا هدف شناسایی پیامدهای این صفات در امر تبلیغ میباشد؛ بنابراین، بحث گروهی باید ماورای کلیات باشد و به این واقعیت متوجه باشید که چگونه هر یک از این صفات تأثیر کار مبلغ را افزایش می‌دهد.

طرز تفکرها مربوط به پاسخ‌های ما به موقعیت‌هاست و ریشه در فرهنگ ما، نوع تربیت ما، خاطرات ما، تجربه‌های گذشته ما و البته در صفات روحانی ما دارد. آزاد فکری ما نسبت به مردم و همدردی با آنها در تلاش‌هایی که به جهت شناخت حقیقت بکار می‌برند نمونه‌هایی از طرز تفکری است که در امر تبلیغ اثر می‌گذارد. در این بخش بحث طرز تفکر در قسمتهای بعدی بر اساس بینشی است که از طریق کیفیت روحانی بر اثر مطالعه بخش اول ایجاد گردیده است. جریان ابراز عقاید طبعاً با رعایت فروتنی بعنوان شرط لازم یادگیری مد نظر قرار می‌گیرد. تمایل به فراگیری در امر تبلیغ، که از فروتنی سرچشمه گرفته باشد، در محور همه صفات پسندیده‌ای که برای یک مبلغ لازم است، قرار می‌گیرد.

امید چنان است نظریاتی که در این قسمت‌ها آمده، دانش آموزان را متقاعد نماید که در کوشش‌های خود در امر تبلیغ باید همواره مشورت، عمل و تأمل را مرتباً بکار بندند. دائماً به تبلیغ مشغول بودن، در نتایج تلاشها، تفکر و تأمل نمودن، مشورت با سایر احباء در مورد راه‌های مؤثری که در پیش گرفته‌اند، مراجعه به آثار مبارکه برای یافتن پاسخ‌هایی جهت سؤالات مطرح شده، و اصلاح کردن روش‌های تبلیغی در اثر تجربه و بینشی که از مطالعه آثار امری حاصل شده است نهایت ضرورت را دارد. اولین میوه این عمل و تأمل باید تفاهم رعایت اصل اعتدال در کار تبلیغ باشد: میزان دریافت و اشتیاق هر فردی مشخص کننده نحوه صحبت تبلیغی با اوست. آیا این نحوه باید محتاطانه صورت گیرد یا با صراحت، آیا مستقیم باشد یا غیرمستقیم؟ آیا با لحن مبارزه‌ای باشد یا مسالمت آمیز؟

مربی در ضمن مطالعه این بخش با گروه، باید بداند که کمال صفات روحانی و تغییر هشیارانه رفتار بدون کوشش و تلاش به وجود نمی‌آید. قدم بسیار مهم نخستین، البته درک مفاهیم مربوطه است. مثلاً، درک مفهوم



کرامت و سخاوتمندی و نتایج آن در رفتار، کمک به پیشرفت و توسعه این خصلت دارد. اما، ماورای درک آن، فرد باید خواست و تمناهای صمیمانه برای پیشرفت روحانی داشته باشد. اراده و تمنا تنها و صرفاً از طریق بحث های عقلانی میسر نمی گردد؛ هر شخصی باید تفکر عمیق و اساسی بر ضمیر و باطن خود داشته باشد. این وظیفه مربی است، که محیطی بیافریند که منجر به چنین تفکری بشود محیطی که در آن کسی احساس گناه نکند و اعتراف به گناه ننماید، زمینه اتهام زدن بوجود نیاورد، تا فرد بتواند بیطرفانه در گروه دوستان در باره مفاهیم نظری و عملی بحث کند و هر نفسی بخودش واگذار شود که در خلوت خود با خود بیندیشد که از او چه انتظاری می رود.

بخش سوم صرفاً متمرکز در عمل تبلیغ است. مهارتها و شایستگی های یک مبلغ امر که باید با کوشش زیاد بدست آورده شود، در زمینه نقشه های فردی و گروهی مورد توجه قرار می گیرد. در اینجا بار دیگر یک دوگانه اندیشی کاذب، این دو جنبه امر تبلیغ را در موقعیت متقابل و رو در روی یکدیگر قرار می دهد و گاه ممکن است جامعه بهائی را فلج نماید. هدف از قسمت های موجود در این بخش و تمرین های مربوطه، آنست که به دانش آموز یاری نماید تا راه حلی یافته و در هر دو نوع تبلیغ، در تمام طول حیات بهائی خود مشغول باشد.

مفاهیم حیاتی که گروه با یاری مربی مطالعه خواهد نمود عبارت است از اینکه: ابلاغ کلمه یک جزء امر تبلیغ است، اما به تنهایی کار تبلیغ را به انتها نمی رساند، بلکه مستلزم صحبت و بحث بین افراد احباً و سالکان راه حقیقت امر حضرت بهاء الله می باشد؛ در حالی که هیچ فرصتی را برای ابلاغ امر الله و تبلیغ غیر مستقیم نباید از دست بدهیم، در این برهه از تاریخ بشریت که میزان پذیرش زیاد است، باید با شایستگی و بالا بردن مهارت خود در امر تبلیغ مستقیم آمادگی بیشتری در این راه کسب کنیم؛ در حالی که تلاش ما جهت افزایش مصدقین است، ولی تسجیل نباید تنها پی آمد کوشش های تبلیغی ما باشد؛ و اینکه وقتی فردی تسجیل شد و به جامعه بهائی وارد گردید کار تبلیغ پایان نگرفته است؛ بلکه باید تلاش همچنان ادامه یابد تا فرد تازه تسجیل، تبدیل به یک بهائی مشتاق و پابرجا گردد؛ برای مراحل مداوم توسعه و تحکیم به مقیاس بزرگ، برنامه های مؤسسه برای گسترش منابع انسانی که بطور دائمی جمعیت در حال افزایش احبّاء را تغذیه نماید، ضروری است.

در زمینه تبلیغ مستقیم، چند قسمت از بخش سوم محتوای پیامی را که باید به سالک منتقل شود تجزیه و تحلیل می کند. این مقصود با کمک یک مثال نشان داده می شود که یک جوان یکی از دوستانش را تبلیغ می نماید. از معرفی امر بصورتی که ارائه می گردد نباید بعنوان فرمول و الگو بهره گیری شود. نکته ای که حائز اهمیت است این است که شرکت کنندگان متوجه باشند که معرفی امر نباید شامل برگزیده اتفافی از عقاید و اصول امر باشد بلکه باید بمقدار زیادی حساب شده و منظم ارائه شود.

سرانجام، از شرکت کنندگان دوره خواسته می شود که یک نقشه تبلیغی شخصی تدبیر نموده و حداقل در یک پروژه در سطح ملی، ناحیه ای و یا محلی شرکت نمایند. این تمرین عملی واقعاً ضروری است اگر بخواهند از مطالعه کتاب بهره کامل ببرند. البته مربی در کوششهای آنان در این جهت، با درخواست مساعدت از تشکیلات مربوطه مثل اعضای هیئت معاونین، محافل و لجنات کمک خواهد کرد.









## ماهیت روحانی تبلیغ

### هدف

فهم این که امر تبلیغ از اهمیت روحانی خاصی برخوردار است. فهم این مطلب که تبلیغ مؤثر شامل "بودن" و "عمل کردن" است یعنی توجه به شرایط معنوی و باطنی شخصی و هم چنین فعالیت مداوم.

## قسمت اول

در این بخش مفهوم تبلیغ امرالله را بعنوان عملی که از اهمیت روحانی خاصی برخوردار است مورد بررسی قرار می‌دهیم. در مطالعه آثار امری فقراتی را در مورد جنبه‌های گوناگون تبلیغ خواننده و بحث کرده‌اید و این امر به انضمام شرکت شما در مشورت‌ها و فعالیت‌های جامعه، بشما یاری نموده که نظریات خود را در موضوعی که توجه فوق العاده بهائیان را در همه جا به خود جلب کرده، مشخص و منظم نمائید. برای شروع، عقیده خود را در مورد تبلیغ با تکمیل کردن جملات زیر بیان کنید:

تبلیغ \_\_\_\_\_ می باشد.

تبلیغ \_\_\_\_\_ می باشد.

تبلیغ \_\_\_\_\_ می باشد.

تبلیغ \_\_\_\_\_ می باشد.

تبلیغ \_\_\_\_\_ می باشد.

## قسمت دوم

ما اغلب می‌شنویم که "تبلیغ وظیفه مقدّس هر فرد بهائی است." معنی این بیان چیست که تبلیغ وظیفه هر فرد بهائی است؟ پاسخ سریع به این پرسش البته اینست که گفته می‌شود این دستور حضرت بهاءالله به هریک از پیروان است:

"قل یا ملاً البهائ بلغوا امرالله لان الله كتب لكل نفس تبلیغ امره و جعله افضل الاعمال." (۱)

کلمه "وظیفه" در گفته‌های بشری به گونه‌های مختلف بکاربرده شده‌است. گاهی اوقات، وظیفه به یک سری مقرراتی اطلاق می‌شود که بدون هیچ دلیل آشکاری بر ماتحمیل شده باشد. ممکن است تحت عنوان وظیفه، تکلیف‌هایی در نظر آوریم که موظف به انجام آنها هستیم که اگر بتوانیم از انجامش سر باز زنیم بسیار دلپذیرتر خواهد بود. وظائف دیگری به بهبود زندگی خود ما و افرادی که دوستشان داریم مرتبط است که با رضایت نسبی انجام می‌دهیم. بعد از مشورت با گروه خود، فهرست چندین وظیفه خوشایند را تهیه کنید:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

بطورکلی، تمایل داریم با سعی و کوشش وظایفی را که به نظرمان مهم می‌رسد انجام دهیم. به عنوان مثال یک کشاورز با دقت به مزرعه‌اش رسیدگی می‌نماید زیرا می‌داند که انجام هر یک از وظایفش برای هدف نهایی که برداشت محصول فراوان است، بسیار ضروری است، و لاجرم معیشت خانواده‌اش به آن بستگی دارد. با در نظر گرفتن آنچه در قسمت پیشین بیان نمودید، به ثمرات بعضی از فعالیت‌های تبلیغی خود اشاره کنید:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

وظائفی که مظهر ظهور الهی بر ما مقرر داشته موجب و منشأ خیر اعظم است. اما ارزشهای آن، تنها در ثمرات نیکویی که به بار می‌آورد نهفته نیست. اوامرو قوانین الهی فقط یک سری مقرراتی نیست که به ما بگوید چه بکنیم و چه نکنیم؛ بلکه در اصل، بیانگر حقیقت وجود انسانی است. یک مثال ساده این نکته را روشن می‌سازد.

بخوبی آگاه هستیم برای داشتن یک زندگی سالم نیاز به خوردن مواد غذایی متعادل بطور مرتب هستیم. تغذیه مرتب، تجویزی حساب و کتابی نیست که شخصی بنا به میل خود بر ما تحمیل کرده باشد؛ بلکه قانونی است متناسب با واقعیت وجود جسمانی ما. بدن ما نوعی ساخته شده که هر چند ساعت یکبار به تغذیه نیاز دارد و باید به این خواسته پاسخ دهیم؛ ندیده گرفتن آن منجر به مرگ می‌شود.

بهمین نحو، هنگامی که مظهر ظهورالهی حکمی برای ما مقرر می‌دارد، مثلاً اینکه ما را ملزم به دعای روزانه می‌فرماید، این نیست که بر حسب تصادف احکام رفتار انسانی را بر ما تحمیل می‌نماید. امر او بیانگر واقعیت وجود ماست. بما می‌آموزد که روح انسانی به گونه‌ای آفریده شده که نیاز داریم قلب و روح خود را مرتباً به او متوجه نموده و با منشأ حیات خود "راز و نیاز" نمائیم. بهمین ترتیب امر تبلیغ امرالله، گذشته از آنکه ثمره‌اش نصیب ما و جامعه بشری می‌گردد، مبین حقایقی درباره ماهیت روح انسانی و نیازمندی‌هایش می‌باشد. در چند بخش آینده بعضی از این حقایق را بررسی خواهیم کرد. پیش از آن، بهتر است که یک جمله درباره ماهیت هر کدام از کلمات زیر بنویسید. برای ساده شدن موضوع یک مثال آورده می‌شود.

۱. شمع : طبیعت شمع نور بخشیدن است.

۲. پروانه: \_\_\_\_\_

۳. شعله: \_\_\_\_\_

۴. چشمه: \_\_\_\_\_

۵. ابر بارانی: \_\_\_\_\_

۶. عطر: \_\_\_\_\_

آیا موافق هستید که طبیعت انسان ایجاب می‌کند که آنچه دارد اعم از دارائی، وقت، نیرو، دانش بدون وقفه ببخشد.

## قسمت سوم

اینک تأمل و تفکر خود را دریامدهای حکم تبلیغ با مطالعه چند نص از حضرت عبدالبهاء آغاز می‌کنیم:

"ای بنده الهی از بشارت الهی مستبشر باش از رانحه رحمانی مسرور گرد و به ملکوت الهی تمسک نما به حدی که تو را از تعلقات دنیوی فارغ نماید و نار محبت الله را در قلبت مشتعل سازد بطوریکه هر نفسی به تو



نزدیک شود حرارتش را ادراک نماید و اگر آرزوی وصول به این مقام را داری باید بکلی به خداوند توجه کنی. شاید نورانیت الهی بر تو غلبه نماید و بدین وسیله نفعات الله در آن اطراف و اکناف منتشر گردد و تو سراج هدایت شوی که انوار معرفت الهی در آن ممالک و جزایر بعیده انتشار یابد." (۲) (ترجمه)

با استناد به این نص، ما باید از بشارات الهی \_\_\_\_\_ . از وزش رائحه رحمانی \_\_\_\_\_ و به ملکوت الهی \_\_\_\_\_ به حدی که از تعلقات دنیوی \_\_\_\_\_ شویم و نار \_\_\_\_\_ در قلبهای ما \_\_\_\_\_ شود. بطوری که هر کسی که به ما نزدیک می شود حرارت آن را \_\_\_\_\_ نماید. اگر آرزوی رسیدن به این مقام را داریم، باید بکلی به سوی خداوند \_\_\_\_\_ نمائیم. به عنایت الهی ممکن است سراج \_\_\_\_\_ گردیم که \_\_\_\_\_ منتشر گردد.

### قسمت چهارم

حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از احبّاء که مدتها در آرزوی تشرّف به محضر مبارک بود و سرانجام موفق به زیارت کوتاهی گردید، چنین فرمودند:

"ولی امیدوارم که این ملاقات مانند فتیله سراج و آتش بود که بمجرد تماس برافروخت. منتظر نتایج این ملاقاتم تا چون شمع ترا افروخته یابم و چون پروانه به نار محبت الله جانسوخته و از شدت حبّ و وله چون ابر بگری و مانند چمن بخندی و بمثابة نهال بیهمال از هبوب نسایم جنت ابهی باهتزاز آیی..." (۳)

طبق بیان بالا حضرت عبدالبهاء آرزو دارند که ما را همچون \_\_\_\_\_ افروخته ببینند. که مانند \_\_\_\_\_ در آتش عشق الهی بسوزیم و مانند \_\_\_\_\_ بگرییم و چون \_\_\_\_\_ خندان باشیم و مانند \_\_\_\_\_ از نسیم جنت ابهی \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ آئیم. ما باید به آتش \_\_\_\_\_ بسوزیم. از شدت \_\_\_\_\_ بگرییم و چون چمنزار خندان گردیم و از نسیم \_\_\_\_\_ .

### قسمت پنجم

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح خود در پاسخ به سؤالات یکی از یاران چنین می فرماید:

"کنیزان الهی باید به مقامی بیایند که خود ادراک حقائق و معانی کنند و بر هر کلمه بیانی مفصل توانند و چشمه حکمت از حقیقت قلبشان مانند عین فواره جوشش و نبعان نماید." (۴)

حضرت عبدالبهاء مشتاق هستند که ما به مقامی ارتقاء یابیم که خود \_\_\_\_\_ حقائق و معانی کنیم و بر \_\_\_\_\_ مفصل \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ از حقیقت قلبمان مانند \_\_\_\_\_ نماید.

## قسمت ششم

با مطالعه سه نصّ از آثار حضرت عبدالبهاء، بخوبی متوجه می‌شویم که امر حضرت بهاء‌الله به تبلیغ امرالله نه تنها شامل فعالیت‌های تبلیغی ما است بلکه گویای حالتی است از کیفیت هستی ما که باید به آن نائل شویم. از استعارات موجود در بیانات مبارک در مورد این کیفیت هستی مطالب بسیاری میتوان یاد گرفت. این استعارات راجع به چیزهایی صحبت می‌کند که لازمه وجودشان فداکاری و از خودگذشتگی است. آیا شعله می‌تواند باختیار خود نور افشانی نکند، ولی هنوز شعله باشد؟ فواره‌ای راکه آب در آن جریان نداشته باشد میتوان فواره نماید؟ ما هم آفریده شده‌ایم که بخشنده و کریم باشیم. بخشیدن و سهم کردن دیگران در آنچه داریم لازمه وجود معنوی ماست. از آنچه داریم از همه والاتر و گرانباتر شناسایی حضرت بهاء‌الله بعنوان مظهر ظهور الهی در این دور مبارک است. بنابراین ابلاغ کلمه‌الله و ارائه آنچه قلوب ما را از شناسائی امر مبارک پر محبت و شغف نموده یک حالت طبیعی است.

البته در مسیر تلاش خود در تبلیغ امرالله با موانع متعددی مواجه خواهیم شد. ممکن است خجالتی باشیم از صحبت کردن و اهمه داشته باشیم و یا ابراز عقیده و نظر برای ما دشوار باشد، اما اگر فکر کنیم با تبلیغ امرالله ما عزیزترین موجودی خود را بدیگران ارائه می‌دهیم تدریجاً بر همه این موانع فائق خواهیم شد. بیان ذیل که از یکی از نامه‌هایی که از طرف حضرت ولی‌امرالله نوشته شده یادآور مکرر ما از وظیفه ابلاغ پیام حضرت بهاء‌الله به دیگران است:

"دنيا در تلاطم شديد است و مشاكل آن روز بروز زيادتر و شديدتر مي‌شود. بنابرین ما نبايد بيكار بنشينيم، اگر چنين كنيم در اجراء وظيفه مقدّس خود قصور کرده ایم. حضرت بهاء‌الله تعالیم مبارکه را به ما ارائه نداده‌اند که آن را ذخیره نمائیم و برای سرور و شادمانی خود آن را پنهان بداریم. آن را به ما اعطاء کرده‌اند که دهان به دهان آن را بیان کنیم تا همه جهانیان به تعالیم الهی آشنا شوند و از برکات و تأثیرات تعالی بخش آنها بهره مند گردند." (۵) (ترجمه)

## قسمت هفتم

کیفیت هستی که ما در مسیر وصول بآن سعی می‌کنیم را فقط به یک طریق میشود توصیف کرد و آن حالت شور و شوق است. در حالی که افکار و نیروی خود را متمرکز در امر تبلیغ می‌نمائیم باید بیاد داشته باشیم که شعله عشق حضرت بهاء‌الله در قلب‌های ما باید روز به روز بیشتر زبانه زند.

سعی کنید این بیان مبارک حضرت عبداله‌اء را حفظ نمائید و به خاطر داشته باشید که شعله عشق الهی در قلب شما نیازمند تقویت است تا گرما و حرارت آن را کسانی که با شما در تماسند احساس کرده و نور آن صدورشان را روشنی بخشد.

"أيها السراج المشتعل بنار محبة الله اني قرأت تحريك الجديد الدال على حبك الشديد و تلهبك بنار محبة ربك العزيز الحميد و نفوذ روح الحق في اركانك و اعصابك و عروقك و شريانك و عظمك و دمك و لحمك حتى اخذ زمام القدرة من يدك يحركك كيف يشاء و ينطقك كيف يشاء و يجذبك كيف يشاء هذا شأن كل قلب امتلا بروح محبة الله و سوف نظرين آثاراً عجيبة و تكتشفين على آيات ربك الكبرى... (٦)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای برافروخته به نار محبت‌الله نامه‌ای که حاکی از عشق الهی بود قرائت شد حقیقتی که جمیع اعضاء تو را فرا گرفته عنان اختیار را از تو ربوده است و تو را به هر جهتی که اراده کند می‌کشاند و باعث می‌گردد که آنچه او می‌خواهد بر زبان رانی بدین جهت روح محبت‌الله در قلبت جایگزین می‌گردد و آثار آن ظاهر و علامات قادر متعال برای تو مکشوف می‌شود.)

## قسمت هشتم

بیانی که مطالعه کردید حالتی را توصیف میکند که مؤمن طبیعتاً هدفی جز خدمت و تبلیغ امرالله ندارد. روح حقیقت آنچنان وجودش را در بر می‌گیرد که تمام قوای او را سلب می‌کند و او را بهر طرف که اراده اوست می‌کشاند. فکر کنید نتایج مقاومت در برابر چنین انگیزه طبیعی برای تبلیغ چیست؟

۱. فواره‌ای که آب دریافت‌کنندولی از جریان آب خودداری نماید چه حالتی دارد؟

---

---

---

۲. برای فردی که دائماً مشمول فضل الهی است ولی از ارائه آن بدیگران ممانعت می‌ورزد چه پیش می‌آید؟

---

---

---

---

۳. برای فردی که علم و آگاهی کسب می نماید اما از تدریس آن خودداری می کند چه پیش می آید؟

---

---

### قسمت نهم

همان گونه که تفکر می کنید از شعله محبت الله افروخته تر گردید، باید به خاطر داشته باشید که "بودن" و "عمل کردن" دو جنبه جدا نشدنی حیات فرد بهائی است. این دو جنبه آنچنان بهم درآمیخته اند که هرگونه تلاشی برای جدا کردن آنها بیهوده است. نمی توانیم همه عمر را در انتظار حالت اشتعال به نار محبت الله بگذرانیم به امید آنکه بتوانیم تبلیغ کنیم. حتی ضعیف ترین شعله باز نور و گرما می بخشد. بسیارند چیزهایی که باید ما هم زمان انجام دهیم. باید هر روز مناجات و دعا به ساحت پروردگار نمائیم و در معانی آن آیات تفکر کنیم. باید نهایت کوشش خود را بنمائیم تا قلب خود را طاهر کنیم تا تجلی گاه صفات باری تعالی شود. باید دیده بصیرت را بگشاییم تا جمال الهی را مشاهده نموده و شیفته آن گردیم. باید در زمینه خدمت فعال باشیم و تبلیغ امرالله نمائیم. با آگاهی از رابطه بین "بودن" و "عمل کردن" کدامیک از گفته های زیر را می توانید بدون درنگ و تردید اظهار دارید؟ مقابل آنها علامت بگذارید.

\_\_\_\_\_ تنها کاری که باید بکنم این است که قوای خود را به محبت حضرت بهاء الله متمرکز نمایم. دیگر نیازی به صحبت کردن نیست. آنچنان از عشق الهی افروخته خواهم بود که مردم از حالت من متعجب خواهند شد و چون جویا شوند درمی یابند که من بهائی هستم، و آن وقت خودشان درباره امر جستجو کرده و ایمان خواهند آورد.

\_\_\_\_\_ گرچه ناتوانم، ولی وظیفه ام را در تبلیغ امرالله انجام خواهم داد. در میان گذاشتن پیام حضرت بهاء الله با دیگران عشق مرا به حضرتش افزایش می دهد.

\_\_\_\_\_ اگر مطالب صحیح در اختیار یک متحرّی حقیقت بگذارم، اینکه روح من بنار محبت الله مشتعل باشد یا نه هیچ فرقی ندارد.

\_\_\_\_\_ تبلیغ حالت بودن است و بطور طبیعی بوجود می آید. لازم نیست سعی در تبلیغ کردن نمائیم.

\_\_\_\_\_ به این نتیجه رسیده ام که انجام وظیفه تبلیغی مثل هر کار دیگر در زندگی نیازمند نظم و ترتیب است. نه تنها برای ترقی صفات باطنی بلکه برای عمل به امیدها و آرزوهای تبلیغی خود نیز به نظم و ترتیب احتیاج دارم.

\_\_\_\_\_ تبلیغ یک حالت طبیعی بودن است. نیازی بداشتن برنامه های منظم نیست. فقط باید اجازه داد تا خود بخود بمنصه ظهور رسد.

## قسمت دهم

همه ما معتقدیم که همگی توانائی تبلیغ امرالله را داریم و باید از لحظه ای که مقام حضرت بهاءالله را شناختیم به عمل تبلیغ مشغول شویم. مثال محسوسی را که بکار برده ایم شعله است. شعله هر قدر ضعیف باشد باز نورگرمی می دهد. از سوی دیگر می دانیم بدون اینکه فعالیتهای تبلیغی ما کاسته شود، باید مرتباً کوشش کنیم تا کیفیت زندگی روحانی خود را تقویت نمائیم و آتش عشق ایزدی را در قلب خود پرورش داده و فروزانتر نمائیم. بیائید قدری در آنچه که باعث افزایش نارمحبّت الله می شود تأمل و تفکر کنیم.

در زیر دو نوع طرز تفکر آمده است. نوع اول گرچه حاوی حقیقت است ولی باعث ایجاد اغتشاش می شود. هر یک از آنها را با گروه دوم که به نظر شما مناسبتر می آید، تطبیق نمائید.

\_\_\_\_\_ علم حجاب است. علم زیاد به غرور می انجامد. نباید تأکید در مطالعه آثار امری نمود. عشق به پروردگار و بشریت کافی است.

(الف) عمل تبلیغ، بخودی خود در فرد ایجاد شورو هیجان می نماید.

\_\_\_\_\_ اینجاد نارمحبّت الله چنان ضروری است که باید فرد همه فعالیتها را کنار گذارده و فقط به تقویت قوای باطنی خود پردازد.

(ب) نهایتاً نارمحبّت الله در فرد از طریق فضل الهی افزایش می یابد. گرچه این امر دلیل بر این نیست که کوشش لازم نمی باشد.

\_\_\_\_\_ هنگامی که فردی قلبش به عشق الهی افروخته شد، در حالت سرور روحانی زندگی میکند و دیگر احساس درد و غم نخواهد کرد.

(ج) علم شعله عشق حضرت بهاءالله را در قلب شخص تقویت می کند. هر چه بیشتر با مطالعه آثار امری به شناسائی حق نائل شود عشق و محبت عمیق تری نسبت به مظهر امر الهی در خود احساس می نماید.

\_\_\_\_\_ علت اینکه در اجرای اوامر الهی قصور می کنیم این است که حضرت بهاءالله را به حد کافی دوست نداریم.

(ج) علم شعله عشق حضرت بهاءالله را در قلب شخص تقویت می کند. هر چه بیشتر با مطالعه آثار امری به شناسائی حق نائل شود عشق و محبت عمیق تری نسبت به مظهر امر الهی در خود احساس می نماید.

\_\_\_\_\_ نارمحبّت الله تنها از راه فیض الهی به ما می رسد بنابراین، نیازی به کوشش برای

(ج) علم شعله عشق حضرت بهاءالله را در قلب شخص تقویت می کند. هر چه بیشتر با مطالعه آثار امری به شناسائی حق نائل شود عشق و محبت عمیق تری نسبت به مظهر امر الهی در خود احساس می نماید. اگر فرد از خود پرستی که به غرور منجر می شود در نتیجه علم را به حجاب تبدیل می کند بر حذر باشد تحصیل علم می

افزایش آن نداریم.

تواند عامل مهمی در ازدیاد عشق و حرارت روحانی او گردد.

\_\_\_\_\_ هنگامی که شعله عشق الهی در قلبی برافروخته گردید، هرگز خاموش نخواهد شد و بخودی خود در انسان پرورش یافته و قلب را پاک می‌نماید.

(د) همانگونه که دعا و خدمت به امر شعله عشق الهی را در قلب فرد مشتعل تر مینماید بادهای خودپرستی و هواهای نفسانی آنرا خاموش می‌سازد. بنابراین فرد باید هوشیار باشد و از شعله عشق الهی در قلبش محافظت کند.

(ه) فداکاری لازمه رشد روحانی است ولی مستلزم درد است. اما دردی که در سبیل خداوند پذیرفته شود، ایجاد فرح و سرور می‌کند. فرد باید مسرورانه دردی را که جهت سوختن حجاب نفس به وسیله عشق الهی احساس می‌کند با جان و دل قبول نماید.

(و) حتی زمانی که حضرت بهاء الله را دوست داریم باز هم ممکن است مرتکب اشتباهاتی قلب شویم. زیرا ما ضعیفیم و محتاج فیض و بخشش مداوم او هستیم. کوشش برای اطاعت از احکامش آتش عشق ما را افزایش می‌دهد.

حال یک پاراگراف کوتاه بنویسید و به زبان خود توضیح دهید چگونه عشق الهی در قلب انسان زیاده می‌شود.

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت یازدهم

با مطالعه مفهوم وظیفه، اکنون به مطالعه چند نصّ از حضرت بهاءالله می‌پردازیم که در آن به وضوح وظیفه تبلیغ را به ما امر می‌فرماید. سعی کنید تا ممکن است تعدادی از این نصوص را حفظ نمایید.

"قل انّ نصری هو تبلیغ امری هذا ما ملئت به الالواح هذا حکم الله من قبل و من بعد." (۷)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: نصرت من تبلیغ امر من است. این حقیقتی است که الواح از آن مشحون است. این حکم خداست که از قبل بوده و خواهد بود.)

"یا اهل الأرض اذا غربت شمس جمالی و سترت سماء هیکلی لا تضطربوا قوموا علی نصره امری و ارتفاع کلمتی بین العالمین. انا معکم فی کلّ الاحوال و نصرکم بالحق" (۸)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای اهل ارض وقتی خورشید جمال غروب کرد و آسمان هیکلم پوشیده گشت، مضطرب نشوید. به یاری امر من و ارتفاع کلمه ام قیام کنید. ما در همه احوال با شما هستیم و یاری می‌نمائیم.)

"قد قدر لکلّ نفس تبلیغ هذا الامر من القلم الأعلى... انه یلهم الذین انقطعوا عما سواه و یجری من قلوبهم سلسبیل الحکمة و البیان." (۹)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: قلم اعلی تبلیغ امر را بر هر نفسی مقدر کرده... منقطعین را الهام می‌بخشد و از قلوب آنان چشمه‌های حکمت و بیان جاری می‌سازد.)

"قد كتب الله لکلّ نفس تبلیغ امره و الذی اراد ما امر به ینبغی له ان یتّصف بالصّفات الحسنه اولاً ثمّ ینبغی للناس لتنجذب بقوله قلوب المقبلین...." (۱۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: خداوند بر هر شخصی تبلیغ امر را فرض کرده و کسی که اراده اجرای این امر نماید باید اول خود را به صفات حسنه متّصف نماید و بعد تبلیغ کند تا قلوب مقبلین منجذب شود...)

"ان يا احبباء الله لا تستقروا على فراش الراحة و اذا عرفتم براءكم و سمعتم ما ورد عليه قوموا على النصر ثم انطقوا ولا تصمتوا اقل من آن و ان هذا خير لكم من كنوز ما كان و ما يكون لو انتم من العارفين." (۱۱)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای احبای الهی بر بستر راحت قرار مگیرید از لحظه شناخت آفریدگار و آگاهی از آنچه بر او وارد شد بر نصرت امرش قیام نمائید. زبان بگشائید و ساکت نباشید این از تمام گنجینه‌ها با ارزشتر است، اگر آگاه باشید...)

## قسمت دوازدهم

هنگامی که به جنبه های گوناگون وظیفه تبلیغ می‌اندیشیم، نباید فراموش کنیم که اوامر الهی نشانه فضل پروردگار است. حتی برای یک لحظه هم نباید فکر کنیم که با انجام این اوامر، لطفی به حضرت باری تعالی کرده‌ایم. آفریدگار، قادر است با یک کلمه پیروزی کامل امرش را فراهم کند. اینکه او فرصت ابلاغ کلمه را بما ارزانی داشته خود نعمت بیکرانی است که شامل هریک از ما شده است. حضرت بهاء الله می‌فرماید:

"قل انا لو نريد لنصر الامر بكلمة من عندنا انه لهو المقتدر القهار لو اراد الله ليخرج من عرين القوة غضنفر القدرة و يزار زائراً يحكي هزيم الرعود القاصفة في الجبال انه لما سبقت رحمتنا قدرنا تمام النصر في الذكر و البيان ليفوز بذلك عبادنا في الأرض هذا من فضل الله عليهم." (۱۲)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: اگر می‌خواستیم این امر را با یک کلمه از سوی خود نصرت می‌نمودیم خداوند توانا و بخشنده است. اگر اراده فرماید، از بیشه قدرت شیرهای پرقت را نعره زنان بیرون می‌آورد، شیرهای تنومندی که نعره آنها یادآور غرش رعدهای پر صدا در کوهها است. از آنجائی که رحمت پروردگارش بر همه اشیا سبقت گرفته مقدر فرمودیم که پیروزی این امر تماماً از طریق ذکر و بیان حاصل شود، تا بندگان ساکن ارض به این فضل و رحمت فائز شوند و این موهبتی از جانب خداوند است بر آنان.)

در گفتن و نوشتن، همواره از استعاره استفاده شده و می‌شود تا عقیده‌ای، کلمه‌ای و عبارتی را بطور محسوس نقل نماید. در این نصی که مطالعه گردید حضرت بهاء الله استعاره، شیر، را بکار می‌برند. شیر که از جنگل عظمت ملکوتی سر بیرون می‌آورد غرش آن مانند رعد و برق در کوهستان طنین می‌اندازد. این تصور یک نظر اجمالی از قدرت الهی را در ذهن تداعی می‌نماید. خداوند مهیمن تنها از طریق یک عمل ساده، می‌تواند قدرتش را بر همگان آشکار سازد و اهل عالم در برابر عظمت او سر تسلیم فرود خواهند آورد. فقط به صرف عنایت پروردگارش است که به ما، بندگان اجازه داده که وسیله انتشار امرش باشیم. جمله های زیر را با استفاده از واژه‌ها و عبارت ها که در نص مبارک بکار رفته تکمیل نمائید:



۱. اگر اراده الهی باشد، او قادر است \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۲. اگر اراده فرماید \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۳. شیر تنومندی که نعره آن \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۴. از آنجائی که رحمت پروردگارش بر همه چیز سبقت گرفته، خداوند مقرر نموده که \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۵. خداوند این چنین مقدر فرموده که \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۶. این چیزی نیست مگر \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

### قسمت سیزدهم

اکنون که در مورد اهمیت امر تبلیغ بعنوان یک وظیفه الهی که بر ما امر شده تفکر نمودید، پیشنهاد می شود که تمرین زیر را انجام دهید.

دیده می شود که اغلب مردم در ضمن داشتن بعضی اعتقادات، صحبت هایی می کنند که اساساً با آن عقاید متضاد است. بطور کلی منطقی بودن و هماهنگی داشتن در نظریات آسان نیست. عاداتها و عقاید ذهنی که در طول حیات شکل گرفته در همه ما وجود دارد این باعث می شود مطالبی را ذکر کنیم، بدون اینکه در باره آنها فکر کرده باشیم. اگر فکر می کردیم متوجه می شدیم که بعضی از گفته های ما، اعتقاد واقعی ما نیست. هم چنان که کسب علم و دانش می کنیم، نیکوست که گاه گاه اعتبار برخی از گفته های خود را با در نظر گرفتن درک جدید خود، مورد بررسی قرار دهیم. در جمله های زیر مشخص کنید کدام یک از آنها با درک و اندیشه شما در مورد مفهوم تبلیغ بعنوان یک وظیفه هم آهنگی دارد. آنها را علامت بگذارید.

\_\_\_\_\_ البتّه تبلیغ وظیفه من است، اما تا زمانی که معلومات خود را درباره امر کاملتر نکرده ام آنرا به تعویق می اندازم.

- \_\_\_ می‌دانم که ابداً کامل نیستم و راه درازی را در پیش دارم تا نمایانگر صفات یک بهائی حقیقی باشم. با وجود این حضرت بهاء‌الله وعده می‌فرماید تمام نفوسی را که به خدمت او قیام نمایند مساعدت خواهند فرمود، بنابراین من نهایت کوشش خود را خواهم کرد تا وظیفه خود را در امر تبلیغ انجام دهم.
- \_\_\_ من واقعاً تبلیغ کردن را دوست ندارم، اما این وظیفه من است. بنابراین تبلیغ می‌کنم.
- \_\_\_ ترجیح می‌دهم کار دیگری انجام دهم، ولی بهر حال کسی باید تبلیغ کند. اگر من تبلیغ نکنم چه کسی خواهد کرد؟
- \_\_\_ هر وقت که کنفرانس تبلیغی ناحیه‌ای یا ملی برگزار می‌شود، در آن حضور می‌یابم و در شور و مشورت درباره تبلیغ فعالانه شرکت می‌کنم و نظرات خود را ابراز می‌دارم. من باین طریق به وظیفه تبلیغی خودم جامعه عمل می‌پوشانم.
- \_\_\_ هر وقت که در جامعه ما، پروژه تبلیغی وجود دارد، برای موفقیت آن دعای مخصوص می‌خوانم. من به این ترتیب وظیفه خود را در امر تبلیغ به انجام می‌رسانم.
- \_\_\_ ما باید نهایت تلاش و کوشش خود را در اجرای وظیفه تبلیغ امرالله بکار بندیم. اگر ما بهائیان تبلیغ نکنیم دنیا از هم گسسته خواهد شد.
- \_\_\_ بعضی اوقات که به زیبایی تعالیم حضرت بهاء‌الله می‌اندیشم، آنچنان سرشار از سرور می‌گردم که نمی‌توانم پیام جانبخش او را با دیگران در میان نگذارم.
- \_\_\_ من امسال یک نفر را تبلیغ کرده‌ام. وظیفه خود را برای امسال به انجام رسانده‌ام.
- \_\_\_ من با هر کس که ملاقات می‌کنم وظیفه تبلیغی خود را با گفتن اینکه بهائی هستم انجام می‌دهم.
- \_\_\_ بهترین روشی که من می‌توانم وظیفه تبلیغی خود را انجام دهم داشتن حیات بهائی است. دیگر نیازی به گفتار نیست.
- \_\_\_ من سعی می‌کنم تمام احکام حضرت بهاء‌الله را اطاعت کنم، و یکی از این تعالیم تبلیغ امرالله است، چون تنها به این طریق میتوان حیات واقعی بهائی را دارا شد.
- \_\_\_ می‌دانم که حضرت بهاء‌الله وظیفه تبلیغ را بر عهده هر یک از پیروانش نهاده است. اما منظور ایشان "همه" نبوده است. مهاجرین، مبلغین سیار، اعضای تشکیلات، مبلغین واقعی امرالله هستند.
- \_\_\_ من بوظیفه تبلیغی خود در تبلیغ امر عامل هستم زیرا از این طریق، مشمول فضل و عنایت لانهایه خداوند خواهم بود.

\_\_\_\_\_ من به جهت عشق به عالم انسانی به وظیفه تبلیغی خود عمل می‌نمایم.

\_\_\_\_\_ من به جهت عشق به حضرت بهاء‌الله به وظیفه تبلیغی خود عمل می‌کنم.

بیان زیر را از یکی از خطابات مبارک حضرت عبدالبهاء، حفظ کنید.

"اگر کسی فردی را که دوست دارد تبلیغ کند، پس کسی را که دوست ندارد تبلیغ نخواهد کرد و این رضای حق نیست. اگر کسی را بخاطر مواهب وعده داده شده باو تبلیغ کند، این هم موجب رضای خداوند نیست. اگر او را بخاطر اراده خداوند تبلیغ کند تا حق شناخته شود و فقط به این دلیل، او به دانش و خرد دست می‌یابد و کلمات او اثر خواهد داشت، مؤید به تأییدات روح القدس می‌گردد و در ارواح کسانی که در شرایط درست برای دریافت آن هستند ریشه می‌یابد. در چنین مواردی، سهم مبلغ نود درصد و سهم مبتدی ده درصد است. زیرا او مثل درختی است که بقوه الهی حامل ثمر است." (۱۳) (ترجمه)

## قسمت چهاردهم

در نصی که در قسمت ششم مطالعه نمودیم، حضرت ولی‌ام‌الله به ما می‌فرمایند که تبلیغ یک وظیفه "مقدس" است. از چه نظر مقدس است؟ البته، همین نکته که امر تبلیغ یک حکم الهی است این وظیفه را مقدس می‌کند. اما آیا جنبه‌های دیگری هم از تقدس در امر تبلیغ وجود دارد که باید به آن توجه کنیم؟ در یکی از الواح حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

"... آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده احبای حق الیوم بمنزله مفاتیحند انشاءالله باید کلّ بقوت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند..." (۱۴)

در جای دیگر می‌فرمایند:

"بل اراد لنفسه مدائن القلوب لیطهرهم عن دنس الأرض و یقرّبهم الی مقرّ الّدی کان عن مسّ المشرکین محفوظاً ان افتحوا یا قوم مدائن القلوب بمفاتیح البیان و کذلک نزلنا الأمر علی قدر مقدور..."

(۱۵)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: مدائن قلوب را برای خود اختصاص داده، تا آنها را از آلودگی و ناپاکی زمین پاکیزه گرداند و به جایگاهی که مشرکان را بدان راهی نیست نزدیک نماید. ای مردم با کلیدهای بیان به فتح مدائن قلوب پردازید. اینگونه وظائف شما را باندازه‌های مقدر نازل فرمودیم.)

پاسخ به این پرسشها، به شما یاری خواهد کرد که ملاحظه کنید این بیانات چگونه به تقدّس و نفس عمل تبلیغ مربوط می شود:

۱. خداوند چه چیزی را برای خودش اختصاص داده است؟  
\_\_\_\_\_
۲. چه کلمه‌ای استفاده می‌کنیم تا "آنچه به خداوند تعلق دارد" را توصیف نمائیم؟  
\_\_\_\_\_
۳. کلیدهای مدائن قلوب انسان‌ها کیست؟  
\_\_\_\_\_
۴. خداوند با این مدینه‌ها چه خواهد کرد؟  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۵. چه جایگاهی خداوند برای این قلوب مقرر فرموده است؟  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۶. با چه کلیدی میتوان مدینه قلب انسانی را گشود؟  
\_\_\_\_\_
۷. در این بیانات چه وظیفه‌ای بر ما مقرر شده؟  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۸. حال جمله زیر را تکمیل کنید:  
تبلیغ عبارت است از \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

### قسمت پانزدهم

نکته مهم دیگری در باره تقدّس و رابطه آن با تبلیغ را باید بررسی نمود. حضرت بهاءالله در یکی از الواح در باره ظهور خود چنین اشاره می فرمایند:

"قل يا قوم هذه لصحيفة المختومة المختومة التي كانت مرقومة من اصبع القدس و مستورة خلف حجب الغيب و قد نزلت بالفضل من لدن مقتدر قديم و فيها قدرنا مقادير اهل السموات و الارض و علم الاولين و الآخرين". (۱۶)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بگو ای قوم این صحیفه مهر شده محتومه ای است که به سر انگشت قدس نوشته شده و در پس پرده های غیب پنهان بوده و اکنون به فضل، از جانب مقتدر قدیم نازل شده و در آن حدود و جایگاه اهل آسمانها و زمین و علم اولین و آخرین را مقدر نمودیم.)

در این بیان حضرت بهاء الله ظهور خویش را صحیفه مختومه محتومه توصیف می فرمایند. طومار ورقه کاغذ مطولی است که پیام مهمی بر آن نوشته شده باشد. این طومار مختوم و محتوم مخزن حکم الهی است، یعنی که حاوی حکم محکم لایتغیر سبحانی است. تمرین ذیل به شما یاری می کند که به معانی بیان مبارک پی برده بصیرت و آگاهی کسب کنید جاهای خالی را با استفاده از متن بالا پر کنید و بعد جمله ها را با هم بخوانید.

۱. ظهور حضرت بهاء الله بعنوان نشانه \_\_\_\_\_ بر ما نازل گشته است.
۲. آنچه بر ما نازل گشته صحیفه \_\_\_\_\_ بود که در پس \_\_\_\_\_ پنهان بود.
۳. این گنجینه \_\_\_\_\_ الهی بود که بر بندگان نازل گردید.
۴. در آن خداوند سرنوشت تمام \_\_\_\_\_ سموات و ارض را مقرر فرمود.
۵. ظهور حضرت بهاء الله علوم \_\_\_\_\_ از \_\_\_\_\_ تا \_\_\_\_\_ می باشد.

## قسمت شانزدهم

حال آنچه را در دو قسمت قبل مطالعه کرده ایم، بررسی نمائید. تبلیغ وظیفه مقدس هر فرد بهائی است زیرا که خداوند بر ما مقرر کرده است. به علاوه، وقتی که تبلیغ می کنیم با دو عامل مقدس سروکار داریم. یکی قلبهای مردم است که نهایتاً به خداوند تعلق دارد. در حقیقت میتوان گفت که تبلیغ یک عمل روحانی است زیرا قلوب را برای دخول حق باز می کند. عامل مقدس دیگری که در امر تبلیغ باید در نظر داشت ظهور حضرت بهاء الله است. هدف از تبلیغ پیوستن قلبها به منبع روحانی ظهور مظهر امر است، عظیم ترین رحمتی که به بشریت عرضه شده است.

سعی کنید اوقاتی را که در زندگی خود حالت روحانیت و تقدس را احساس کرده اید بیاد آورید. اگر به زیارت مقامات مقدسه حضرت بهاء الله و حضرت باب نائل شده باشید بخاطر می آورید آن لحظاتی را که چگونه سر بر آستان مقدسشان نهادید و احساس نزدیکی نمودید. اما اگر حتی این فیض شامل حالتان نشده باشد، باید اوقات متعدد دیگری در زندگی شما وجود داشته باشد که مسحور و مجذوب دعا و مناجات شده و با تمام قلب و جان به سوی حق توجه نموده و به طور صریح و روشن احساس کرده اید که در حضور حق ایستاده اید در چنین لحظاتی چه احساساتی قلب شما را سرشار کرده است؟ آنها را در لیست ذیل علامت بگذارید:

_____ عشق شدید	_____ غرور
_____ سرور	_____ هیبت
_____ اضطراب	_____ عدم شایستگی
_____ بی تفاوتی	_____ آزادی
_____ احترام	_____ تسلیم و رضا
_____ قدر شناسی	_____ آرامش

## قسمت هفدهم

تمرین آخر ما را به یاد رفتار محترمانه و احساسات قلبی که در مواقع حضور در محضر مقام مقدّسی در ما ایجاد می شود، انداخت. در این زمینه، سؤال مهمّ اینست: چگونه آگاهی شما از تقدّس امر تبلیغ بر موفقیت شما در عمل تبلیغ می افزاید؟ برای کمک به پاسخ دادن به این پرسش، پیشنهاد می شود تمرین زیر را انجام دهید. در این تمرین به سه طریق مختلف امر تبلیغ توصیف شده است و از شما خواسته می شود به نتایج هر کدام بیندیشید. از اینکه وضعیت ارائه شده قدری مصنوعی بنظر می رسد نگران نباشید. این تمرین بینش های لازم را در شما فراهم خواهد آورد.

فرض کنید در مدّت زمان نسبتاً کوتاهی با کمک شما سی نفر به امر حضرت بهاءالله ایمان آورده و تصدیق نموده اند. این سی نفر همگی دارای سوابق مشابه و از امر الهی بخوبی استقبال کرده اند. معرفی پیام الهی به ایشان اساساً مشابه بوده است. معرفی امر بانان شامل بیان اصول و عقائد امر حضرت بهاءالله و کمک به ایشان در شناختن آن حضرت بعنوان مظهر ظهور الهی در این زمان می باشد. همچنین مطمئن شدید که نتایج دخول در ظلّ عهد و میثاق الهی را درک کرده اند. علاوه بر این از هر لحظه استفاده کرده و وظیفه مهمّ تبلیغی خود را در نهایت صمیمیت و فقط به خاطر عشق به حضرت بهاءالله انجام داده اید.

با این وجود درک و استنباط خود شما در باره فعالیت های آنان در همه موارد یکسان نبوده است. اوائل کم و بیش شما بعنوان یک فروشنده رفتار می کردید. "تبلیغ کردن مانند فروختن است" به خودتان می گوئید: "امر الهی بهترین عقاید را دارد. اگر بتوانم بطور شایسته ای امرالله و اصولش را به مردم عرضه نمایم، مبلغ خوبی هستم."

بعد از آنکه ده نفر تصدیق امر مبارک را کردند و تسجیل شدند، نظر شما هم نسبت به تبلیغ عوض شد. شما در جلسه سخنرانی در باره وضعیت موحدان جهان شرکت کردید و آگاه شدید که دیانت بهائی جوابگوی دردهای بشریت می باشد و احساس کردید که تنها راه نجات تبلیغ و افزودن سریع تعداد پیروانی است که برای تأسیس وحدت، از بین بردن تعصبات و برای ایجاد عدالت کار و فعالیت نمایند. بنابراین با این دیدگاه

جدیدکوشش‌های تبلیغی خود را با اشتیاق آغاز کردید و دیگران را دعوت به نهضتی نمودید که نظریه‌ها و ایده‌های عظیم و مهم مانند صلح، اتحاد، تساوی حقوق زن و مرد، برچیدن تعصبات و از بین بردن فقر و رنج عالم انسانی نمودید.

بعد از تبلیغ ده نفر دیگر به امر الهی با این روش، با تعدادی از نصوصی که در این بخش مطالعه کرده‌ایم آشنا شدید. در حالی که نگران وضعیّت دنیا بودید و احساس می‌کردید که افزایش مؤمنین که با عمل به تعالیم حضرت بهاءالله سبب تقلیب وضع عالم می‌گردند مهمّ است، متوجّه شدید مهمّترین فکر در ذهن شما در مقابله با مردم و ضمن شرح امر مبارک این بوده که مخاطب شما قلوب نفوس است که به حقّ تعلق دارد و لذا مقدّس است. شما در واقع با استفاده از کلید بیان، ابواب مدائن قلوب را باز می‌کردید. تحت این شرایط بود که ده نفر آخر دیانت حضرت بهاءالله را پذیرفتند.

با مساعدت این عده سی نفری در تسجیل امر مبارک، حال به تنظیم برنامه منظم برای تزئید معلومات ایشان اقدام می‌کنید هدف شما این است که به آنان کمک کنید تا به خدمت امر قیام نمایند. آیا فکرمی‌کنید تفاوتی در میزان شرکت این سه گروه در برنامه تزئید معلومات خواهد بود؟ آیا تلاش‌های شما بمنظور تزئید معلومات آنان فقط برای یک گروه مؤثرتر خواهد بود؟ البته، در بین افراد هر یک از سه گروه تفاوتی وجود دارد ممکن است از بین این سه گروه فردی پیدا شود که به فضل حضرت بهاءالله چنان آمادگی داشته باشد که در بحر علم الهی غوطه ور شده بسرعت بر معلوماتش بیافزاید و در فعالیتها و خدمات امری مشغول گردد.

حال از شما خواسته می‌شود که در باره هر گروه اندیشه نمایند. رویهم رفته آیا فکرمی‌کنید تفاوت عمده‌ای بین این سه گروه وجود دارد؟ با گروه خود مشورت نمائید و نتیجه را در زیر یادداشت کنید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت هیجدهم

وقتی ابواب مدائن قلوب انسانی گشوده شود و قلوب با ظهور حضرت بهاءالله مرتبط گردد، مراحل عمیق دگرگونی و تحوّل آغاز می‌شود. این دگرگونی آنّا حاصل نمی‌شود، در طول مدّت عمر تدریجاً صورت می‌گیرد. هرگز نباید اهمیّت قبول حضرت بهاءالله را برای این تغییر و تحوّل دست کم گرفت. شناسایی شمس حقیقت و پذیرفتن پرتو و شعله‌های آن در قلب، مهم‌ترین گامی است که شخص می‌تواند در زندگی خود بردارد. با تأمل و تفکر در تغییر و تحوّل که بعد از عرفان و ایمان به حضرت بهاءالله می‌باشد ما بهتر قادریم درک کنیم که چگونه می‌توانیم به دیگران کمک کنیم تا این قدم اوّل را بردارند. آیا می‌توانید یک یا دو جمله در مورد تغییراتی که در هر یک از موارد ذیل بعد از پذیرفتن امر حضرت بهاءالله و اجرای تعالیم ایشان در ما ایجاد می‌گردد بنویسید؟

۱. قلوب ما

۲. عقول ما

۳. افکار ما

۴. سیرت و شخصیت ما



۵. روابط ما با سایر افراد انسانی.

---

---

---

۶. اهداف ما در زندگی.

---

---

---

۷. دیدگاه ما نسبت به جهان.

---

---

---

---

بعنوان یک مبلغ امرالله، نقش بسیار حیاتی در کمک به یک فرد در برداشتن گام اول در شناسایی حضرت بهاءالله دارید. همچنین او را در مراحل اولیة تقلیب حمایت خواهید نمود. اما چگونه می‌توانید از عهده انجام چنین وظیفه فوق العاده مهمی برآئید؟

### قسمت نوزدهم

در دنیای مادی، تغییر با استفاده از قوای مادی صورت می‌گیرد. برای حرکت ما از یک نقطه به نقطه دیگر، برای رشد و نمو یک گیاه، برای اینکه چراغ تاریکی را به روشنایی تبدیل کند برای جریان آب در یک رودخانه، برای جزر و مد، وجود نیرو ضروری است، این قوه از عضلات انسان، از خورشید، از برق و از قوه جاذبه ایجاد می‌شود. مهم است بپرسیم قوایی که باعث دگرگونی و تغییراتی که در قسمت قبل شرح داده شد چیست؟ طرح این سؤال آن چنان در درک ما از کیفیت روحانی تبلیغ حائز اهمیت است که بقیه این بخش را به یافتن پاسخ آن می‌پردازیم. برای شروع بنظر شما کدام یک از قوای زیر در تقلیب روحانی فرد مؤثر است:

\_\_\_\_\_ قوه دعا

\_\_\_\_\_ قوه کردار نیک و پاک

\_\_\_\_\_ قوه کلمه الله

\_\_\_\_\_ قوه عدالت

\_\_\_\_\_ قوه شمشیر

\_\_\_\_\_ قوه اتحاد

_____ قوّه حقیقت	_____ قوّه حیات بهائی
_____ قوّه گفتار نیک	_____ قوّه گفتگوی قانع کننده
_____ قوّه پول	_____ قوّه صفات روحانی
_____ قوّه عهد و میثاق	_____ قوّه تسلط سیاسی
_____ قوّه اعتراض	_____ قوّه عشق
_____ قوّه تشویق	_____ قوّه ایمان
_____ قوّه افکار مثبت	_____ قوّه اسلحه
_____ قوّه دانش حقیقی	_____ قوّه برهان
_____ قوّه علم	_____ قوّه ارباب (تهدید)

### قسمت بیستم

از میان همه قوای که به دگرگونی روحانی کمک می‌کند، یک قوّه را می‌توان قوّه برجسته و بی‌همتا، اساسی و ماورای قوای دیگر دانست آن کدام قوّه است؟

در قرون متمادی، انسان‌ها به وجود ماده یا عنصری معتقد بوده‌اند که مس را به طلا مبدل می‌نماید و آنرا "اکسیر" می‌نامیدند. از این عنصر که بسیاری در جستجوی آن بودند ولی آنرا نیافتند، بعنوان عامل تغییر و تبدیل عناصر یاد می‌شود. حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود از این استعاره جهت بیان یک حقیقت بسیار عمیق روحانی استفاده می‌فرمایند:

" قوّه و بنیة ایمان در اقطار عالم ضعیف شده در باریق اعظم لازم سواد نحاس امم را اخذ نموده اکسیر اعظم باید یا حکیم آیا اکلیل غلبه دارای آن قدرت بوده که اجزای مختلفه در شیئی واحد را تبدیل نماید و بمقام ذهب ابریز رساند اگر چه تبدیل آن صعب و مشکل بنظر میآید ولیکن تبدیل قوّه ناسوتی بقوّه ملکوتی ممکن نزد این مظلوم آنچه این قوّه را تبدیل نماید اعظم از اکسیر است این مقام و این قدرت مخصوص است به کلمة الله...." (۱۷)

اکنون که این بیان را مطالعه کردید، بنظر شما کدام قوّه بعنوان قوّه برجسته و بی‌همتا، اساسی و ماورای قوای دیگر قرار دارد؟

## قسمت بیست و یکم

در بیان فوق، متذکر شدیم همانگونه که ممکن است تبدیل یک عنصر به طلا دشوار باشد، تغییر قوه شیطانی به قوه رحمانی مطمئناً مشکل تر است. ولكن كلمة الله، و فقط کلام الهی به تنهایی، می تواند چنین تغییرات اساسی را ایجاد نماید. اما کلمه الله که قادر است چنین موفقیت حیرت انگیزی کسب نماید، چیست؟ حضرت بهاء الله می فرماید:

"ثم اعلم ان كلام الله عزوجل اعلى و اجل من ان يكون ممّا تدركه الحواس لانه ليس بطبيعة و لا بجوهر قد كان مقدساً عن العناصر المعروفة و الاسطقسات العوالى المذكورة و انه ظهر من غير لفظ و صوت و هو امر الله المهيمن على العالمين انه ما انقطع عن العالم و هو الفيض الاعظم الذى كان علة الفيوضات و هو الكون المقدس عما كان و ما يكون." (۱۸)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بدان که کلام خداوند عزوجل بلند مرتبه تر و والاتر از آن است که حواس آنرا درک کند. زیرا کلام نه طبیعت است و نه جوهر و از تمام مواد شناخته شده و عناصر عالی که در کتب ذکر شده به دور است. آن کلام بدون هیچ لفظ و صوتی ظاهر گشته، امر خداوند است، امری که مهیمن بر همه عالمیان است. هرگز از عالم منقطع نشده، زیرا آن فیض اعظم خدا است که سبب و علت ظهور همه فیوضات عالم است و همان هستی است که از تمام هستیهای عالم، یعنی از آنچه بوده و هست مقدس و میراست.)

۱. کلمه الله \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ از آنست که حواس آنرا درک کند.
۲. کلمه الله نه \_\_\_\_\_ است و نه \_\_\_\_\_.
۳. کلمه الله \_\_\_\_\_ است از \_\_\_\_\_.
۴. کلمه الله مقدس است از تمام \_\_\_\_\_ که \_\_\_\_\_ ظاهر شد.
۵. کلمه الله بدون \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ ظاهر می شود.
۶. کلمه الله \_\_\_\_\_ خداوند است.
۷. کلمه الله، امری است که \_\_\_\_\_ است.
۸. کلمه الله امر خداوند هرگز \_\_\_\_\_.
۹. کلمه الله \_\_\_\_\_ خداست که سبب و علت \_\_\_\_\_ عالم است.

۱۰. کلمة الله هستی مقدّسی است که از تمام \_\_\_\_\_ یعنی \_\_\_\_\_ مقدّس و مبرّاست.

## قسمت بیست و دوم

مثال محسوس دیگر که تا حدی قدرت کلمة الله را برایمان مجسم می کند پیوستن حرف کاف و نون است. در آثار مقدّسه خوانده ایم که خداوند توانا با اتصال دو حرف ک و ن "کن" عالم هستی را آفرید. بدین ترتیب تمام مخلوقات بوجود آمدند. در مناجاتی حضرت بهاء الله چنین می فرمایند:

"انّ الذی کان شأنه ذلک کیف یقدر أن یذکر الذی باشارة من اصبعه خلقت الاسماء و ملکوتها و الصّفات و جبروتها و باشارة أخرى رکبت الکاف بالتون و ظهر منها ما عجز عن عرفانه اعلى افنده المقرّبين من اصفیائک و اُبهی مشاعر المخلصین من اودائك." (۱۹)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: کسی که قدر و مقامش چنین است، چگونه از پروردگاری سخن گوید که با اشاره ای از انگشتش اسماء و ملکوت آنها و صفات و جبروت آنها آفریده گشت و با اشاره ای دیگر حرف کاف به حرف نون مقرون گردید (حکم ایجاد صادر شد) و آنچه را که قلوب مقرّبین اصفیاء در اعلى مقام خود و عقول مخلصین اولیاء در اعظم جلوه خود از فهم آن عاجز بودند، ظاهر گرداند.)

شاید میل داشته باشید این آیه مبارکه را حفظ نمائید.

## قسمت بیست و سوم

اکنون یاد گرفته ایم که کلام الهی حکم نافذ و فیض الهیست و فقط از حروف و صداها ساخته نشده. با وجود این کلماتی وجود دارد که می توانیم بخوانیم و بشنویم که قدرت کلام الهی را به همراه دارد اینها کلماتی است که بوسیله مظهر ظهور بیان گردیده. این کلمات دارای قدرت خلق کردن، احیاء کردن و تقلیب است و به همین علت " کلمات خلاقه " نامیده می شود. حضرت بهاء الله می فرمایند:

"کلّما یخرج من فمه أنّه لمحیی الأبدان لو انتم من العارفين..."(۲۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: هر آنچه از دهان او خارج می شود همان حیات بخش ابدان خواهد بود، اگر از عارفین باشید.)

"ای حیب من کلمه الهی سلطان کلمات است و نفوذ آن لاتحصی. حضرت موجود میفرماید: عالم را کلمه مسخر نموده و می نماید اوست مفتاح اعظم در عالم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از او مفتوح." (۲۱)

در ذیل چند سؤال ذکر شده که اشاره به نصوص این قسمت و قسمت قبل می باشد. گرچه برخی از سؤالات را میتوان با بله یا خیر جواب داد ولی تکمیل این تمرین کمک خواهد کرد تا درک شما از مفهوم قدرت کلمه الله روشن شود.

۱. آیا کلام الهی از حروف و صداها تشکیل شده است؟

۲. آیا کلام الهی از جوهر معلومی ساخته شده است؟

۳. آیا می توانیم کلام الهی را با حواس خود درک کنیم؟

۴. کلام الهی چیست؟

۵. معنی اینکه اوامر الهی به کلّ اشیاء نفوذ می کند چیست؟

۶. اگر به فرمان خلقت خداوند نبود آیا چیزی در عالم هستی، امکان وجود می یافت؟

۷. معنی اینکه فیض الهی، در همه اشیاء نافذ است، چیست؟

۸. اگر فیض الهی از جهان هستی منقطع شود، چه خواهد شد؟

۹. از آنجا که کلام الهی را نمیتوان با حواس و قوای ذهنی درک نمود، چطور میتوان به وجودش آگاهی یافت؟

۱۰. چه کسی "فم خداوند" است و خدا از طریق او سخن می گوید؟

۱۱. به هر کلمه ای که توسط مظهر ظهور الهی بیان می گردد چه ودیعه ای اعطا شده است؟

۱۲. انسان با القاء کلام الهی "خلق جدید" می شود. بعضی از خصائص این "خلق جدید" چیست؟

---

---

---

---

---

---

۱۳. عظمت نفوذ کلام الهی تا چه اندازه است؟

۱۴. کلید اصلی برای هرکاری در دنیا چیست؟

۱۵. کلمه الله با قلوب انسانها چه می کند؟

حال نصّ زیر را از حفظ نمائید:

"امروز روز بیان است باید اهل بهاء بکمال وفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلی هدایت نمایند اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیه به نفحات کلمه الهیه اجساد را به ارواح تازه زنده نمایند." (۲۲)

### قسمت بیست و چهارم

اجازه دهید رابطه بین بعضی از افکار و نظریاتی را که در قسمت های گذشته بحث کردیم، مورد بررسی قرار دهیم. حضرت بهاء الله بما امر می فرمایند که درهای مدینه قلوب را با کلید بیان بگشائیم. هنگامیکه درهای این شهر باز شد، دگرگونی شگفت انگیزی ایجاد میشود. در میان قوایی که این تغییر و تبدیل را بوجود می آورد، قوه کلمه الهی که از طریق کلمات مظهر ظهور بیان می گردد، حیاتی ترین قواست. پس آیا این بدان معناست که برای تبلیغ نباید از کلام خودمان استفاده کنیم و فقط الواح و آیات حضرت بهاء الله را حفظ کرده برای آنها بخوانیم؟

بهنگام پاسخ به این پرسش، بنظر آورید رفتار بعضی از پیروان متعصب ادیان قبل را که همیشه کتاب مقدس را با خود حمل نموده و مرتب با آن مردم را موعظه می کنند. مطمئناً ما انتظار چنین رفتاری را از یک مبلغ بهائی نداریم. در عین حال باید بیاموزیم که از قدرت کلمه الهی در امر تبلیغ استفاده کنیم. حضرت بهاء الله چنین اندرز می دهند:

"باید نفوس مقدسه تفکر و تدبّر نمایند در کیفیت تبلیغ و از کتب بدیعه الهیه در هر مقام آیاتی و کلماتی حفظ نمایند تا در حین بیان در هر مقام که اقتضا نماید به آیات الهی ناطق شوند چه که اوست اکسیر اعظم و طلسم اکبر افخم بشأنیکه سامع را مجال توقف نماند." (۲۳)

۱. حضرت بهاء الله به ما می فرمایند که باید نفوس مقدسه \_\_\_\_\_ نمایند.
۲. می باید از کتب بدیعه در هر مقام \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ نمایم.
۳. باید قسمتهایی از کتب الهی را حفظ کنیم تا در \_\_\_\_\_ و در هر \_\_\_\_\_ که \_\_\_\_\_ نماید به آیات الهی \_\_\_\_\_.
۴. باید در هر مقام که اقتضا نماید به آیات الهی ناطق شویم چه که اوست \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_.
۵. به شأنی که \_\_\_\_\_ را مجال \_\_\_\_\_ نماید.

### قسمت بیست و پنجم

حضرت بهاء الله می فرمایند که باید جملات و قسمتهایی از آثار مقدسه را حفظ کنیم و در فرصت مناسب در صحبت خود از آنها استفاده نمایم. واضح است که این فرمایش در وهله اول شامل آثار خود آن حضرت می باشد، چه که مظهر ظهور الهی در این دور می باشند و لذا بیانات آن حضرت مانند مظاهر ظهور گذشته، مثل حضرت ربّ اعلی، قوه خلاقه دارد.

اما در مورد کلمات حضرت عبدالبهاء چطور؟ در گروه خود در مورد تأثیر و قدرت کلام ایشان در شنونده بحث کنید. گرچه ممکن است آثار آن حضرت بعنوان آیات نازله الهی محسوب نشود، ولی آیا نوشته های حضرتشان مانند افراد عادیست؟ یا اینکه مقام خاص خود را دارد؟ کلام حضرت عبدالبهاء قدرت خود را از کجا کسب می نماید؟ آیا استفاده از بیانات آن حضرت در مکالمات خود همانطور که نصوصی از حضرت بهاء الله نقل می کنیم مطلوب و پسندیده نمی باشد؟

اکنون همین پرسش ها را در رابطه با آثار حضرت ولی امرالله بررسی کنید. پس از آن همین بحث ها را درباره پیامها و مرقومه های بیت العدل اعظم انجام دهید.

### قسمت بیست و هشتم

اهمیت حفظ کردن بیانات مبارک و استفاده از آنها را در گفتگوهای تبلیغی ملاحظه کردیم. هم چنین باید یاد داشته باشیم که در هنگام تشریح تعالیم حضرت بهاء الله، باید از کلام خودمان هم استفاده کنیم و نمیتوان مرتباً

نصوص مختلفه از آثار مقدّسه را تحویل مردم داد. نصوص باید در صحبت و سخنان ما بطور طبیعی آمیخته شود. مسئله اینجاست که: چطور میتوان قلوب شنوندگان را به حرکت آورد و آنان کمک نمود تا پیام آسمانی حضرت بهاءالله را درک کنند و به شاطی بحر ظهور واصل گردند؟

مطمئنأً جواب این است که گرچه ما میتوانیم از کلمات خود استفاده کنیم ولی باید هرچه می‌گوئیم کاملاً مطابق با تعالیم بهائی باشد. نظریه‌های شخصی ما نیست که ارائه کنیم بلکه پیام مقدّس حضرت بهاءالله است که به خالصترین وجه ممکن باید بیان نمائیم. لازمه رسیدن به این هدف، البتّه غوطه ور شدن در دریای آثار مبارکه و تزئید معلومات امری به طور دائم و مکرر و عرفان امر الهی است. در مورد اهمیّت افزایش معلومات امری حضرت ولی‌امرالله فرموده‌اند:

"مطمئنأً بهترین طریقه تبلیغ اینست که افکار خود را با استناد مستمرّ به بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهیه مبرهن نمائید. این باعث خواهد شدکه امرالله از تفسیر اشتباه افراد، محفوظ ماند. چون هر چه در این آیات الهی است حقیقت است و لهذا باید مرجع مستند مطالب ما باشد.

"ولکن منظور این نیست که آزادی ما در بیان محدود است. ما همیشه میتوانیم راههای جدیدی برای رسیدن به حقیقت پیدا کنیم و یا توضیح دهیم که چطور آن حقیقت در حیات و زندگی ما تأثیر می‌گذارد. هر چه مطالعه ما عمیقتر باشد، درک ما از اهمیّت و تأثیر تعالیم بیشتر خواهد بود." (۲۴) (ترجمه)

"تعمّق در امرالله یعنی خواندن آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهیه به نحوی که بتوانیم به دیگران بصورت صحیح و خالص آن را ارائه دهیم. افراد زیادی هستند که عقاید سطحی از امرالله دارند و لذا با افکار شخصی خود آن را معرفی میکنند. از آنجا که امرالله در بدایت ایّامش است باید خیلی مواظب بود که مرتکب خطائی نشویم و آسیبی بر حرکت و جنبشی که آنقدر دوستش داریم نرسانیم.

"مطالعه امر مبارک حدّی ندارد. هرچه آیات الهیه را بیشتر بخوانیم حقایق بیشتری در آن کشف خواهیم کرد و بیشتر متوجّه می‌شویم که تصوّرات قبلی ما اشتباه بوده است." (۲۵) (ترجمه)

حال عبارات زیر را بخوانید و مشخص کنید کدام صحیح و کدام اشتباه است. در پاسخ دادن دقت نمائید، و فقط به جواب صحیح و غلط دادن قانع نشوید. پیوستگی نظریه‌ها به شما یاری می‌کند که به اهمیّت مطالعه منظم آثار، تفکر کنید.

۱. مطالعه آثار فقط خاصّ افراد تحصیلم کرده است. برای دیگران تنها بیان خلاصه و چکیده مطلب به زبان ساده کفایت می‌کند صحیح اشتباه
۲. هر فرد بهائی باید آثار امری را مطالعه کند. حتّی افرادی که به خواندن عادت ندارند، می‌توانند با یاری دیگران هر بار یک قسمت را مطالعه کنند صحیح اشتباه



۳. همانگونه که آثار امری را مطالعه می‌کنیم و درک عمیق‌تری از امر کسب می‌کنیم، می‌توانیم صادقانه و به طور صحیح حقایق موجود در آثار را بیان نمائیم  
اشتباه صحیح
۴. حتی هنگامی که آثار را به نحوی مطالعه کرده‌ایم که بتوانیم حقیقت امر را بطور خالص و صحیح ارائه دهیم کلام ما هرگز نمیتواند جایگزین کلام خلاق الهی گردد که با نیروی شگرف آمیز خود در قلوب نفوذ می‌کند.  
اشتباه صحیح
۵. هنگام تبلیغ اگر کوشش نمائیم به آثار مبارکه وفادار باشیم آزادی فکر و بیان خود را محدود کرده‌ایم.  
اشتباه صحیح
۶. هنگام تبلیغ اگر به آثار مبارکه وفادار باشیم، افکار ما به سطح بالاتری ارتقاء پیدا می‌کند؛ دیگر بنده عقاید بشری و تنگ نظری او نخواهیم بود.  
اشتباه صحیح
۷. هنگام تبلیغ اگر به آثار مبارکه وفادار باشیم، مؤید به تأیید الهی می‌شویم و پاسخ‌هایی به ذهن ما می‌رسد که تا آن زمان به فکرمان نرسیده بود.  
اشتباه صحیح
۸. وقتی که یک کتاب یا لوحی که بوسیله طلعات مقدسه نازل گردیده خواننده باشید، دوباره خواندن آن لزومی ندارد.  
اشتباه صحیح
۹. مهم نیست چند مرتبه متنی از آثار مبارکه را خوانده باشیم با خواندن مجدد معنا و بصیرت جدیدی از آن درک می‌کنیم.  
اشتباه صحیح
۱۰. هدف از خواندن آثار امری تنها بمنظور کسب اطلاعات فراوان در باره امر نیست. بلکه موضوع شایان توجه تأمل و تعمق در آثار و تلاش در درک و فهم معانی نهفته در آنها است.  
اشتباه صحیح
۱۱. تزئید معلومات یک امر شخصی است و کاری است که شخص به تنهایی انجام می‌دهد.  
اشتباه صحیح
۱۲. تزئید معلومات یک امر شخصی است و کاری است که فقط شخص به تنهایی انجام می‌دهد.  
اشتباه صحیح
۱۳. مطالعه آثار نباید فقط بعنوان یک عادت فردی صورت بگیرد؛ بلکه باید جزء فعالیت منظم گروه و جامعه نیز باشد.  
اشتباه صحیح
۱۴. وقتی که تبلیغ می‌کنیم، مهم است که از آمیختن نظریه‌های فردی در ارائه امر الهی  
اشتباه صحیح

احتراز نمائیم. بنابراین تا همه آثار را مطالعه نکرده‌ایم نباید تبلیغ کنیم.

۱۵. نمیتوانیم برای تبلیغ منتظر تکمیل معلوماتمان شویم. ازدیاد معلومات ما باید همزمان و موازی با فعالیت‌های تبلیغی ما صورت بگیرد. و الا هرگز تبلیغ نخواهیم کرد زیرا معلومات ما هیچوقت کامل نخواهد شد.

اصح اشتباه

## قسمت بیست و هفتم

در شروع گفتگو تطبیق سخنان ما با تعالیم حضرت بهاء‌الله، طبق تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله و دلالات بیت العدل اعظم الهی، قدرت عظیمه به آن اعطاء می‌کند. اگر قطعاتی از آثار مبارکه را فراگرفته و آنها را با کلام خود در آمیزیم و در موقع مناسب در صحبت‌های تبلیغی خود حکیمانه از آنها استفاده نمائیم این قوه افزایش خواهد یافت. باید در نظر داشت اگر قرار است گفتار ما در قلوب شنوندگان مؤثر افتد باید شرایط دیگری را نیز حائز باشد. کلام ما باید دارای نیروی عشق باشد. عشقی که حقیقتاً احساس شود نه اینکه صرفاً ظاهری باشد. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود می‌فرماید:

"اگر من شما را دوست داشته باشم لازم نیست راجع به محبتم صحبت کنم، بدون کلام خواهید فهمید. و از طرفی دیگر اگر دوست نداشته باشم، آن را هم خواهید فهمید و حتی اگر با هزاران کلمات بگویم، دوستان دارم. باور نخواهید کرد" (۲۶) (ترجمه)

عشق یک اصل عاری از کیفیت واقعی نیست که فقط در باره‌اش صحبت کرد. یک واقعیتی است که بسوی شخصی و یا چیزی هدایت می‌شود. عشق وقتی واقعی است که فرد حقیقتاً دیگری را دوست دارد. پیوندی بین قلوبشان ایجاد می‌شود و از این طریق احساسات خوب و افکار عالیه جریان می‌یابد. روح یک فرد، سبب تعالی و ترقی، روح دیگری شود و قلوب هر دوسرشار از فرح و سرور می‌گردد.

میرزا ابوالفضائل یک مبلغ امر که بسیار مورد اطمینان حضرت عبدالبهاء بود، یکبار مفهوم عشق به عالم انسانی را در اجتماعی از احباء تجزیه و تحلیل نمود. میرزا ابوالفضائل فرمود: بسیار ساده و آسان است که هر یک از ما در خانه راحت با باغچه‌ای زیبا نشسته و ادعا کنیم که "من بشریت را دوست دارم." اما طبق بیان میرزا ابوالفضائل عشق وقتی حقیقی است که مورد امتحان واقع شود. زمانی که بارها در نبردگاه عشق زورآزمایی کرده و در راه عشق زخمی شده باشیم، میتوانیم جمله "من عاشق هستم" را با قدرت و اطمینان بر زبان آوریم. او گفت، کسی که می‌خواهد در نفس خود عشق ایجاد کند باید خودش را امتحان کند و ببیند آیا دارای تمام شرایط عشق حقیقی می‌باشد؟

بعضی از این شرایط چیست؟ روشن است که شامل صمیمیت، صداقت، گذشت، آزاد اندیشی، و امانت می‌باشد. حقیقتاً می‌توانید ملاحظه کنید که همه اینها لازمه وجود عشق است. عشقی که با صمیمیت همراه نباشد آیا چیزی جز ریا خواهد بود؟ نتیجه عشقی که با حسادت و کنترل کردن همراه باشد و نه با سخاوت دل و گذشت چه

می‌تواند باشد؟ چه نوع عشقی است که بجای گذشت، با انتقام سر یاری داشته باشد؟ اگر صادق نباشیم چطور دیگران می‌توانند به عشق ما اعتماد کنند؟

حال با این درک و فهم از عشق، بی‌ایید توجه خود را به امر تبلیغ معطوف کنیم. هنگامی که تبلیغ امر می‌کنید با "یک انسان" ارتباط برقرار می‌سازید و فقط به تبلیغ اصول عاری از کیفیت واقعی نمی‌پردازید. به احساسات خود نسبت به کسانی که دوستشان دارید فکر کنید، یک دوست عزیز، مادرتان، پدرتان، خواهرها و برادرهایتان، همسران و فرزندان. این احساسات واقعاً حقیقی هستند. البته غیر منطقی است اگر باور داشته باشیم که می‌توانیم یک بیگانه را به همان شدتی که نزدیکانمان را دوست داریم، دوست داشته باشیم. چیزی که درکش بسیار ضروری است اینست که با ابلاغ کلمه‌الله، ما عشق خود را به جامعه بشری عرضه می‌داریم و این عشق باید شامل عشق شدید ما به یکایک نوع بشر باشد. کافی نیست که فقط عشق نامحسوس برای یک کمال مطلوب خیالی جهت بشریت داشته باشیم.

سؤال مهمی که باید در این مورد پرسید اینست: به چه علت نباید یک مبلغ امرالله، فردی را حتی یک بیگانه را، مخصوصاً زمانی که این شخص به بیان او در شرح پیام حضرت بهاءالله گوش می‌دهد، دوست بدارد؟ در اندیشه یافتن پاسخ برای این پرسش، به حضرت عبداله‌بهاء بیندیشید. ایشان بشریت را چطور دوست داشتند؟ آیا باران عشق و محبت حضرت عبداله‌بهاء بر هر فرد انسانی که با ایشان در تماس بودند، نمی‌بارید؟

برای افزایش درک خود از نیروی عشق در تبلیغ امراللهی، مشخص کنید که آیا عبارات ذیل صحیح است یا اشتباه:

۱. کلام یکی است. چه آنها را با عشق واقعی بر زبان آورید چه بدون آن، اثرش یکی است. اشتباه صحیح
۲. زمانی که کلمات با عشق بیان شود اثر عمیقتری در شنونده ایجاد می‌کند. اشتباه صحیح
۳. ما فقط می‌توانیم کسی را که می‌شناسیم مانند پدر یا مادر و یا یک دوست صمیمی، را دوست بداریم. اشتباه صحیح
۴. ممکن است فردی را هم که بخوبی نمی‌شناسیم دوست بداریم. اشتباه صحیح
۵. نشان دادن عشق و محبت به هر فرد بشر غیرممکن است مگر اینکه شخص مقدسی باشید. اشتباه صحیح
۶. عشق به بشریت، یعنی دوست داشتن همه افراد بشر به یک اندازه. اشتباه صحیح
۷. فردی را که نمی‌شناسید، وقت صرف می‌نمایید و به صحبت شما گوش می‌کند، همین رفتار باعث ایجاد عشق و علاقه در قلب شما نسبت به او می‌شود. اشتباه صحیح

۸. این ضدّ و نقیض است اگر بگوئیم "عاشق بشریت هستیم" ولی اهمیت به تبلیغ دیگران ندهیم و فیض عظیمی را که در اثر شناسائی حضرت بهاءالله، مظهر ظهور الهی در این زمان شامل حالشان می شود از ایشان دریغ کنیم. صحیح اشتباه
۹. اگر به تبلیغ امرالله نمی پردازیم، بجهت آنست که حقیقتاً بشریت را دوست نداریم. صحیح اشتباه
۱۰. صحیح نیست که گفته شود، آنان که تبلیغ امر الهی را نمی کنند، بشریت را دوست ندارند. ممکن است موانع دیگری هم مانند ترس، عدم اعتماد به نفس و یا خجالت، فردی را که عاشق بشریت است از تبلیغ بازدارد. صحیح اشتباه
۱۱. فقط باید عزیزان خود را تبلیغ نمائیم و نه کسانی را که نمی شناسیم. صحیح اشتباه
۱۲. باید همه افرادی را که تبلیغ می کنیم، دوست داشته باشیم. صحیح اشتباه
۱۳. عشق به نوع بشر تنها دلیل اصلی تبلیغ امرالله نیست. در واقع عشق ما به خداوند است که ما را به اجرای این وظیفه مقدّس وا می دارد. صحیح اشتباه
۱۴. اگر احساس کنیم که عالم انسانی را به حدّ کافی دوست نداریم، نباید تبلیغ کنیم. صحیح اشتباه
۱۵. عمل تبلیغ عشق ما را بهم نوعان افزایش می دهد. بنابراین نباید عدم عشق کافی به عالم انسانی را بهانه ای برای تبلیغ نکردن قرار داد. صحیح اشتباه

### قسمت بیست و هشتم

برای ابراز عشق و محبت طرق گوناگون وجود دارد و گفتیم که وقتی ما تبلیغ می کنیم، عشق خود را به عالم بشری به صورت عشق به فرد یا افراد جامعه بیان می کنیم. نیروی عشق، بفرموده حضرت عبدالههء، باید بطریقی بیان گردد و در جهت هدف و یا شیء باشد، مانند نیروی برق که در چراغ به شکل نور تجلی می کند. بدون چنین وسیله ای، عشق دیده نمی شود، احساس نمی گردد، و در مجموع ابراز نشده و تجلی نمی کند.

گرچه نیروی عشق وقتی ظاهر می شود که بسوی هدف و شیء مشخصی رهبری شود، ولی باید به خاطر داشته باشیم که عشق محدود نیست. عشق، نامحدود، بی حدّ و بی منتهی است. حضرت عبدالههء می فرمایند: "وقتی عضو خانواده و یا هموطن خود را دوست داری، بگذار محبت تو خالص و بی منتهی باشد، بگذار الله باشد. هر موقع صفات الهی را در نفسی مشاهده میکنی آن شخص را دوست داشته باش، چه از خانواده تو باشد چه نباشد. به هر نفسی که

ملاقات میکنی محبت بی حد و حصر داشته باش..."(۲۷) (ترجمه) عبارت ذیل از آثار حضرت عبدالبهاء را حفظ کنید:

"ای ابن ملکوت جمیع اشیاء با محبت الله نافع است و بدون محبت الله مضر و سبب احتجاب از رب الملکوت، ولی با محبت الهیه هر تلخی شیرین شود و هر نعمتی گوارا گردد مثلاً نغمات موسیقی نفوس منجذبه را روح حیات بخشد ولی نفوس مُنهمک در نفس و هوی را آلوده بشهوات کند و جمیع علوم با محبت الهیه مقبول و محبوب و بدون آن بی ثمر بلکه مورت جنون، هر علمی مانند شجر است و چون ثمر محبت الله باشد آن شجره مبارکه است و الا حطب است و عاقبت طعمه آتش گردد."(۲۸)

### قسمت بیست و نهم

در پایان این بخش، باید یک حقیقت مهم را که در زندگی فراگرفته ایم بخاطر داشته باشیم: هیچ موفقیتی بدون تأیید الهی، حاصل نمی‌گردد. هنگامی که تبلیغ امر الهی می‌کنیم باید به تأیید الهی آگاه باشیم و از جنود ملاً اعلی قدرت بطلبیم. ذیلاً فقط به چند قطعه از بیانات متعدد در این مورد اشاره می‌کنیم. فرصت خوبی است که اگر تا حال این نصوص را حفظ نکرده‌اید، آنها را حفظ نمائید.

"تالله الحق من یفتح الیوم شفتاه فی ذکر اسم ربّه لینزل علیه جنود الوحی عن مشرق اسمی الحکیم العلیم و یزلنّ علیه اهل ملاً اعلی بصحاف من النور و کذلک قدر فی جبروت الأمر من لدن عزیز قدیر."(۲۹)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: قسم به خدا، کسی که امروز به ذکر نام پروردگار خویش لب بگشاید، لشکریان وحی بر او نازل خواهد شد و اهل ملاً اعلی با صحیفه‌هایی از نور بر او نازل میشوند. اینچنین است تقدیرات الهی در عالم جبروت.)

"انّ الذین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الأمر یؤیدهم الروح الامین و یخرج معهم قبیل من الملائکة من لدن عزیز علیم طوبی لمن فاز بخدمة الله لعمری لا یقابله عمل من الاعمال الا ما شاء ربک المقتدر القدیر."(۳۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: آنهایی که برای تبلیغ از وطنشان هجرت مینمایند، در ظلّ تأییدات روح الامین‌اندو از جانب پروردگار گروهی از ملائک سماء آنها را همراهی خواهند نمود. خوشا بحال کسانی که به خدمت پروردگار موفق شوند. قسم به جانم هیچ عملی از اعمال نیک، بجز آنچه خدا اراده فرماید، با این عمل مقابله نخواهد نمود.)

"انه ینصر من نصره و یدکر من ذکره یشهد بذلك هذا اللوح الذی لاح من أفق عنایة ربکم عزیز الجبار."(۳۱)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: او یاری می‌نماید هر که او را یاری نماید و یاد می‌کند از هر کس که او را یاد کند. گواه این امر لوح مبارکی است که از افق عنایت پروردگار عزیز ظاهر گشته است.)

"بگو ای اهل بهاء مبادا سطوت اقویا قوت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد بحق توکل کنید و امور را بحفظ او سپارید. خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد ساخت آنه هوالمقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام القدرة و الاقتدار." (۳۲)

"فوالله الّذی لا اله الاّ هو لو یقوم احد منکم علی نصره امرنا لیغلبه الله علی مائة الف و لو ازداد فی حبه لیغلبه الله علی من فی السّموات و الأرض کذلک نفخنا روح القدرة فی کلّ الاشطار." (۳۳)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: قسم به خدا اگر یکی از شما به یاری امر ما بیاخیزد، خداوند او را بر صد هزار نفر غلبه خواهد داد و اگر بر محبت خود بیفزاید، خداوند او را بر کلّ اهل آسمانها و زمین غالب خواهد نمود.)

"سیؤیدکم بجنود لم تروها و ینجدکم بجیوش الالهام من الملاء الاعلی و یرسل الیکم نفحات جنّته العلیا و یعطرمشامکم بانفاس طیب تعبق من ریاض الملاء الاعلی و ینفخ فی قلبکم روح الحیات و یدخلکم سفینه النّجات و یریکم آیاته البیّنات انّ هذا لهوالفضل العظیم انّ هذا لهوالفوز المبین." (۳۴)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بزودی خداوند با لشگریانی که دیده نمی‌شوند، شما را کمک می‌نماید و با سپاه ملاءاعلی شما را پیروز می‌کند. بوی خوش بهشت را بر شما می‌فرستد و مشامتان را با نسیمهای خوشبوئی که از گلستان ملاءاعلی می‌وزد، معطر می‌کند در دلهایتان روح حیات می‌دمد و شما را در کشتی نجات داخل می‌کند و آیات بیناتش را به شما نشان می‌دهد. براستی که این همان سعادت آشکار است.)

"ای بندگان آستان مقدّس، جنود ملاءاعلی در اوج علا صف بسته و مهیا و منتظر و مترصد مرد میدان و فارس عرفان که بمحض جولان نصرت نمایند و تأیید کنند و قوت الظّهر گردند. پس خوشا بحال فارسی که اسب جولان دهد و طوبی از برای دلبری که بقوت عرفان در میدان برهان بتازد و صف جهل بدرد و سپاه ضلالت شکست دهد و علم هدی بلند کند و کوس غلبه بنوازد تالله الحقّ انّ لفی فوز عظیم و ظفر مبین." (۳۵)

## منابع

۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله شماره ۱۲۸ ص ۱۷۸ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۲. الواح حضرت عبدالبهاء انگلیسی، (چاپ شیکاگو، جلد ۱ ص ۱۱۴)
۳. الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی)
۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۱۴۲ ص ۱۶۴ (مؤسسه مطبوعات امری، امریکا)
۵. ازرقیمه مورخه ۲۷ مارچ ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی محلی (انگلیسی)
۶. الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی)
۷. لوح سیدمهدی دهجی، مجموعه الواح بعد از کتاب مستطاب اقدس ص ۱۲۱ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۸. کتاب مستطاب اقدس آیه ۳۸ ص ۳۵ (مرکز جهانی بهائی)
۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله شماره ۱۴۴ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۰. مرجع سابق شماره ۱۵۸ ص ۲۱۵ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۱. مرجع سابق شماره ۱۵۴ ص ۲۱۲ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۲. لوح سید مهدی دهجی، مجموعه الواح بعد از کتاب مستطاب اقدس ص ۱۲۲ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۳. بیان حضرت عبدالبهاء مذکور در نجم باختر جلد ۳ شماره ۱۹، ۲ مارچ ۱۹۱۳
۱۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله شماره ۱۱۵ ص ۱۵۵ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۵. مرجع سابق شماره ۱۳۹ ص ۱۹۵ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۶. مرجع سابق شماره ۱۲۹ ص ۱۸۰ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۷. مرجع سابق شماره ۹۹ ص ۱۳۱ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۸. لوح حکمت، مجموعه الواح بعد از کتاب مستطاب اقدس ص ۸۳ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)

۱۹. کتاب مناجاة حضرت بهاءالله (عربی) ص ۲۰۲ (چاپ برزیل)
۲۰. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۷۴ ص ۹۶ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۲۱. لوح مقصود، مجموعه الواح بعد از کتاب مستطاب اقدس ص ۱۰۷ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۲۲. نص حضرت بهاءالله مذکور در ظهور عدل الهی ص ۱۶۹ (چاپ امریکا)
۲۳. لوح سیدمهدی دهجی، مجموعه الواح بعد از کتاب مستطاب اقدس ص ۱۲۳ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۲۴. ازرقیمه مورخه ۱۶ فوریه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از یاران (انگلیسی)
۲۵. ازرقیمه مورخه ۲۵ اپریل ۱۹۲۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از یاران (انگلیسی)
۲۶. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۱-۱۹۱۲ (انگلیسی)
۲۷. مرجع سابق
۲۸. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۱۵۴ صص ۱۷۷-۱۷۶ (مؤسسه مطبوعات امری، امریکا)
۲۹. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۲۹ ص ۱۷۹ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۳۰. مرجع سابق شماره ۱۵۷ ص ۲۱۵ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۳۱. نص حضرت بهاءالله مذکور در کتاب ظهور عدل الهی ص ۱۵۹ (چاپ امریکا)
۳۲. مرجع سابق ص ۱۶۸ (چاپ امریکا)
۳۳. نص حضرت بهاءالله مذکور در کتاب دور بهائی ص ۱۷ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۳۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۱۵۷ ص ۱۸۲ (مؤسسه مطبوعات امری امریکا)
۳۵. مرجع سابق شماره ۲۰۸ صص ۲۵۴-۲۵۵ (مؤسسه مطبوعات امری امریکا)





## صفات و رفتار مبلغ

### هدف

تأمل در صفات و رفتاریک مبلغ امرالله. درک اینکه مؤثر بودن در تبلیغ اگر با تمایل به یادگیری دائمی، فعالیت، تأمل در اعمال و گفتار و با مراجعه منظم به آثار مبارکه برای کسب بینش و طلب هدایت همراه باشد افزایش خواهد یافت.

## قسمت اول

وظیفه مقدس تبلیغ امرالهی را که حضرت بهاءالله به ما امر فرموده‌اند حدّاقلّ به دو طریق می‌توانیم انجام دهیم: با تبلیغ افرادی که جستجو می‌کنیم یا کسانی که در زندگی روزمره برخورد می‌کنیم، و با شرکت در فعالیتهای تبلیغی جامعه بهائی. در هر دو حالت باید هشیارانه حقیقتی را که در بخش اول کتاب به آن تأکید شد، یعنی "بودن" و "عمل کردن" بعنوان دو واقعیت جدانشدنی در زندگی روحانی خود در نظر داشته باشیم. فقط وقتی تلاش‌های ما برای تبلیغ خود و دیگران هم زمان صورت بگیرد، میتوانیم چه خرمن بزرگی جمع آوری کنیم. بنابراین در یک کلاس مربوط به تبلیغ لازم است اوقاتی را صرف بررسی صفات و رفتار یک مبلغ نماییم.

بعضی از صفات روحانی که شما باید ضمن تبلیغ منظم بطور دائم در پرورش آنها کوشش کنید، کدامند؟ در قسمتهای بعدی نصوص کوتاهی در مورد صفات روحانی به شما ارائه خواهد شد. پرسش‌ها و تمرین‌هایی که در هر قسمت آورده می‌شود به شما کمک می‌کند که پیشرفت و ترقی خود را در اکتساب فضائل روحانی ارزیابی نموده و ملاحظه کنید که اکتساب هر یک از این صفات تا چه اندازه تأثیر کلام شما را در امر تبلیغ افزایش می‌دهد. مقصود از این قسمت‌ها، مطالعه کلی درباره فضائل اخلاقی نیست، بلکه بررسی آنها در زمینه خاص امر تبلیغ است. بعنوان اولین قدم، فهرستی از صفاتی را که فکر می‌کنید برای موفقیت در امر تبلیغ ضروری است، تهیه کنید:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

مهم است در نظر داشته باشیم نکته اصلی این بحث‌ها در قسمت‌های آینده، در مورد کسب کمال مطلوب نیست، بلکه در باره تلاش برای رسیدن به کمال است. بدون درک این موضوع تحت فشار قرار گرفته و دلسرد خواهید شد و از هر کوششی جهت تبلیغ صرف نظر خواهید نمود. مثلاً در قسمت بعدی مشاهده خواهیم کرد که چگونه افزایش پاک‌ی قلب، در عمل تبلیغ اثر می‌گذارد. البته این به آن معنا نیست که فردی تا جوهر پاک‌ی نباشد نمی‌تواند تبلیغ کند. طبعاً آثار مقدسه ما را به جهت کمال سوق می‌دهد، زیرا اگر از هدف اصلی آگاه نباشیم چگونه می‌توانیم آنرا کسب کنیم.

## قسمت دوم

در فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء چنین می فرمایند:

"مقصود این است که باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همت بلند و در محبت الله شعله افروخته باشد." (۱)

در همین لوح می فرمایند:

"... از این جهان و جهانیان منزّه و مقدّس شوید. نیت را خیر نمائید و تعلق به این عالم را قطع کنید و چون جوهر روح لطیف و خفیف گردید و با عزمی ثابت و قلبی طاهر و روحی مستبشر و لسانی ناطق به ترویج تعالیم الهی پردازید..." (۲)

چرا فکر می کنید که قلب پاک و نیت خالص در موفقیت در امر تبلیغ مؤثر است؟ چه می شود اگر نیت ما پاک نباشد ولی ما بخوبی بتوانیم تظاهر کرده و دیگران را متقاعد کنیم که نیت ما خالص و قلبمان پاک است؟ بعضی از افکار ناخالص که در رابطه با تبلیغ به آسانی به ذهن می رسد میل به شناخته شدن، جاه طلبی و احساس برتری نسبت به کسانی که تبلیغشان می کنیم، است. می توانید توضیح دهید چگونه هریک از اینها در تبلیغ تأثیر می گذارد؟

۱. احساس برتری:

---

---

---

---

۲. میل به شناخته شدن:

---

---

---

---

۳. جاه طلبی:

---

---

---

---

## قسمت سوم

در تویعی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده میفرمایند:

"حضرت عبدالبهاء بما اطمینان داده‌اند وقتیکه خود را فراموش میکنیم و با تمام قوای خود سعی میکنیم به خدمت و تبلیغ امرالله قیام کنیم، تأییدات الهی شامل حالمان میشود. این ما نیستیم که آن خدمت را انجام می‌دهیم بلکه ما وسیله‌ای هستیم که خداوند در آن زمان برای انجام اهداف تبلیغی خود استفاده نموده است." (۳) (ترجمه)

در تویعی دیگر چنین توضیح می‌فرمایند:

"فقط یک نفس بالغ با درک روحانی و آگاهی عمیق از امر میتواند یک کشور را مشتعل سازد. چه قدر عظیم است قوت امرالله که میتواند از طریق نفوس خالص و منقطع عمل کند." (۴) (ترجمه)

بعنوان یک بهائی همه ما نهایت کوشش خود را بکار می‌بریم که از شر خود پرستی رهایی یافته و از خود فارغ گردیم. در این طریق بسوی فراغت از خود باید هشیار باشیم که گرفتار خودخواهی یا خود محوری نشویم. حتی اگر انگیزه ما پاک و طاهر باشد. ممکن است یک نفر علاقه به ترقی و رفاه دیگران داشته باشد ولی در عین حال به ورطه‌ای کشیده شود که آرزو کند خودش محور همه چیز قرار گیرد. در طرز تفکر "من به دیگران کمک می‌کنم" فرد به دام افتاده، تأکیدش بجای "دیگران" و یا به عمل "کمک کردن"، به "من" متمرکز می‌گردد. تصور کنید دوستی را تبلیغ می‌کنید. اگر هشیارانه در احتراز از خودخواهی کوشش کنید. کدام یک از گفته‌های زیر بیانگر احساسات و افکار شماست؟ بیاد داشته باشید که عدم خودخواهی ابداً بمعنای عدم "خود" نیست، بلکه "خود" در محور همه چیز قرار ندارد.

\_\_\_ انشاءالله خداوند قلبش را باز نموده و آن را به نور ایمان روشن نماید.

\_\_\_ امیدوارم که نقائص من او را از عرفان امر محروم ننماید.

\_\_\_ تبلیغ کردن احساس خوبی به انسان می‌دهد. وقتیکه حقیقت را برای شخصی اثبات می‌کنم، احساس خوبی به من دست می‌دهد.

\_\_\_ بعد از آنچه برای او انجام دادم و همه چیز را به خوبی برای او تشریح کردم، حقیقت بود که بهائی شود.

\_\_\_ امید دارم که دوستم حضرت بهاءالله را بشناسد و همین سروری را که من در خدمت به امرالهی احساس کرده‌ام، احساس نماید.

\_\_\_ خدایا، افکار صحیح، الفاظ و کلمات درست به من عطا کن تا بتوانم او را به درستی تبلیغ کنم.

## قسمت چهارم

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"قلوب خود را از تعلق به شؤون حالیه فارغ نمائید و به آینده به چشم ایمان بنگرید. امروز بذر کاشته شد، دانه بر زمین افتاد به روزی ناظر باشید که تبدیل به درختی شود و شاخه‌هایش پر ثمر گردد. مسرور و خوشحال باشید که چنین صبحی دمیده، قدرت آنرا ادراک نمائید البته که بی نظیر است! خداوند تاج افتخار بر شما ارزانی داشته و در قلب‌های شما ستاره درخشنده نهاده براستی نوربست که عالم را تابناک خواهد کرد!" (۵) (ترجمه)

حضرت ولی امرالله چنین توصیه می فرمایند:

"بنابراین باید سعی نمائید که شعله ایمان و ایقان در وجود شما همیشه مشتعل باشد، زیرا یقیناً فقط از این طریق است که هدایت شده، قدرت و موفقیت نهائی را حاصل خواهید نمود." (۶) (ترجمه)

حتماً موافقید دلیل فردی که نام خود را در جامعه بهائی ثبت می نماید این است که جرقه ایمان در قلبش روشن شده است. همچنین موافقید که مبلغ امرالله، وسیله‌ای است برای روشن شدن این شعله. اما اگر شعله امرالهی در قلب مبلغ فروزان نباشد چه میشود؟ چگونه میتواند شمع قلب شنونده را روشن نماید؟ ما میتوانیم قاطع ترین دلایل را مطرح و قانع کننده ترین کلام را بیان نمائیم اما بدون ایمان، اثرات ناچیزی بر مستمع دارد. چه که شنونده می تواند احساس کند آیا ما به آنچه میگوئیم حقیقتاً معتقدیم یا نه؟ هر قدر شعله عشق الهی در قلب ما بیشتر بیفزود امکان هدایت نفوس به عرفان حضرت بهاءالله زیادتر می شود. اما مبلغ امرالله باید به چه چیزی ایمان داشته باشد؟ می توانید به چند موضوع اشاره کنید؟ چند مثال برای کمک به شما در زیر آورده شده است.

۱. ایمان به قوه تأییدات الهیه.

۲. ایمان به اینکه تعالیم الهی داروی شفابخش بشر امروز است.

۳. ایمان به استعداد هر فرد در معرفت حضرت بهاءالله.

۴.

۵.

۶.

۷.

۸.

## قسمت پنجم

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"پس زبان بگشائید و بکمال شجاعت در هر محفلی صحبت بدارید در وقت خطاب اول توجه به بهاء الله نمائید و تأییدات روح القدس بخواهید و زبان بگشائید و آنچه بر قلب شما القاء می شود بیان نمائید ولی در نهایت شجاعت و متانت و وقار." (۷)

در تویعی که از جانب حضرت ولی امرالله مرقوم گردیده چنین می خوانیم:

"مبلغ بهائی باید اطمینان کامل داشته باشد. سر موفقیت و قدرت او در این است. در این صورت حتی اگر وحده قیام نمائی و در میان مردم بی علاقه قرار گیری باید ایمان داشته باشی که جنود ملا اعلی با شما هستند. و با کمک آنها مطمئناً بر لشگر ظلمت که با امرالله مقاومت می کند، غلبه خواهی کرد. بنابراین جهد کن، خوشحال باش و با اطمینان... (۸) (ترجمه)

روبرو شدن با موقعیت های تازه، سفر به نقاط ناآشنا، صحبت کردن با افرادی که آشنایی با ایشان نداریم، در میان گذاشتن آنچه که نفیس ترین دارائی ماست با دیگران و درک این مسئله که ممکن است با عدم قبول ایشان روبرو گردد، احتیاج به جرأت و شهامت دارد. البته سرچشمه همه شهامت ها اعتماد به خداوند و توکل به اوست. دانستن این که خدای مهربان همواره ما را مساعدت و راهنمایی می کند به ما نیرو می دهد کارهایی را انجام دهیم که بدون تأیید او هرگز از عهده انجامش بر نمی آئیم. اگر بهنگام تبلیغ امر جرأت و شجاعت نداشته باشیم چه خواهد شد؟ آیا فرصت های خوب را از دست می دهیم؟ چند مثال بزنید که چگونه برای تبلیغ امرالله به شهامت نیاز داریم.

---



---



---



---



---



---



---



---



---



---

## قسمت ششم

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

"بساط تبلیغ باید در جمیع احوال ممدود گردد زیرا تأیید الهی موقوف بر آن اگر نفسی به جان و دل در نهایت همت کمر بر تبلیغ امرالله نبندد البتّه از تأیید ملکوت ابهی محروم ماند ولی باید که به حکمت باشد و حکمت اینست که به مدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبلیغ نماید نه اینکه به صمت و سکوت پردازد و بکلی فراموش نماید." (۹)

در جای دیگر می فرمایند:

"لا کلّ ما يعلم یقال و لا کلّ ما یقال حان وقته و لا کلّ ما حان وقته حضر اهله، انّ ذلك من الحكمة البالغه فی الامور فلا تغفل عنها ان كنت من اهل العزم فی جمیع الشؤون بل شخص العلل و الأمراض و العیاء و الأعراض ثمّ العلاج و هذا منهاج المهرة من حذاق الأطباء." (۱۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: نه هر چه دانستی است قابل گفتن است و نه هر چه گفتنی است، زمانش فرا رسیده و هر چه زمان گفتنش رسیده، اهلش حاضر نه، این از حکمتهای بالغه الهی در امور است. اگر بخواهی در همه شؤون زندگی از اهل عزم و اراده باشی، این حقیقت را بیاد داشته باش و از آن غافل مباش. ابتدا باید امراض را تشخیص دهی بعد به معالجه پردازی. این است راه و روش طبیبان حاذق.)

شهامت و شجاعت باید با حکمت تعدیل شود. این بیان به این معنا نیست که حکمت مانع بروز شجاعت گردد. هردو باید با هم باشد. هنگامی که یک مبلغ امرالله دارای شهامت و حکمت باشد شجاعانه به عرصه عمل وارد می شود و با اراده صحیح و اندیشه روشن، پیشرفت می نماید. اینکه چه بگوید و چه نگوید، چگونه با افراد در هر موقعیت خاص برخورد کند و چگونه پاسخ پرسش هایشان را بدهد، تمام این تصمیمات باید با حکمت گرفته شود. لیکن حکمت، نباید عذری برای عمل نکردن باشد. باید از عادت باین که مرتب بگوئیم "انجام این کار غیر عاقلانه است" بر حذر باشیم. در زیر موقعیت هایی ذکر شده که یک مبلغ بهائی ممکنست با آن روبرو شود. فکر می کنید راه حل عاقلانه در برخورد با هر یک از این موقعیت ها چیست؟

۱. با شخصی در یک جلسه آشنا می شوید و شروع به صحبت درباره امر می کنید. آن شخص به امر حمله کرده

سخنان نامربوط درباره جامعه بهائی می گوید. شما چه می کنید؟

---

---

---

---

۲. یک نفر که بنظر می‌رسد نسبت به امر بسیار علاقمند شده شما را به منزلش دعوت می‌کند تا بیشتر درمورد امر اطلاعات کسب کند. شما جنبه های گوناگون امر و تعالیم را برایش توضیح می‌دهید و ملاقات بخوبی پیش می‌رود. او می‌گوید از آنچه شنیده بسیار خشنود است و فکر می‌کند امر الهی پاسخ مشکلات دنیای امروز است. او از شما می‌خواهد که یک دسته جزوه‌های امری به او بدهید تا بتواند در یک راه‌پیمایی سیاسی که روز بعد قرار است در آن حاضر شود توزیع نماید. شما چه می‌کنید؟

---

---

---

---

---

۳. شما درباره امر با دو نفر صحبت می‌کنید. در ضمن صحبت متوجه می‌شوید که یکی از آنها نسبت به امر شایق شده ولی دیگری تمایلی ندارد. شما چه می‌کنید؟

---

---

---

---

---

۴. یک هفته در دهکده‌ای که فعالیت‌های تبلیغی مشترکاً توسط لجنة تبلیغ منطقه و محفل روحانی محل صورت گرفته، اقامت کرده و در برنامه آنها شرکت می‌کنید. هدف این پروژه گسترش تعداد احباء از طریق تبلیغ همه اعضای خانواده‌ها و تحکیم جامعه بهائی است. در مدت روز، مبلغین برای دیدن افراد بمنازل ایشان می‌روند و شب‌ها جلساتی برای همه ترتیب داده می‌شود و در آنجا در مورد جنبه‌های مختلف زندگی جامعه بحث می‌شود. برای بالا بردن درک و معلومات احباء گروه شما هر شب یک نمایشی در مورد موضوع‌هایی مانند ضیافت نوزده روزه، کلاس درس اخلاق کودکان، ازدواج بهائی و مراسم تدفین بهائی ارائه می‌نماید.

یکشب در حین مشورت درباره ازدواج بهائی، یکی از شرکت کنندگان، از شما سؤالی می‌پرسد و شما جوابش را می‌دهید. ولی او جواب شما را نمی‌پذیرد و همچنان به اظهار نظر خودش ادامه می‌دهد. چند نفر از احباء به سؤال او جواب می‌دهند ولی بعد از مدتی واضح می‌شود که قصد او بی اعتبار نشان دادن قوانین ازدواج بهائی در نظر جمع حاضر است. شما چه می‌کنید؟

---

---

---

---

---



۵. با گروهی از یاران، به شهر کوچکی برای شرکت در یک پروژه تبلیغی سفر می‌کنید. بعد از چند روز، بیشتر سکنه شهر متوجه می‌شوند که گروه شما در آنجاست و بسیاری از ایشان مشتاق استماع ندای الهی می‌شوند. یک روز که شما همراه چند تن از دوستان در خیابان اصلی شهر قدم می‌زنید، گروهی از افراد مست که در جلوی میخانه شهر ایستاده‌اند از شما دعوت می‌کنند که داخل رفته و درباره امرالله برای ایشان صحبت کنید. شما چه می‌کنید؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت هفتم

حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

"... و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد باید بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند." (۱۱)

در مقام دیگر چنین نصیحت می‌فرمایند:

"ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم بروح و ریحان معاشرت نمائید اگر نزد شما کلمه و یا جوهریست که دون شما از آن محروم، بلسان محبت و شفقت القاء نمائید و بنمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الا او را باو گذارید و در باره او دعا نمائید نه جفا لسان شفقت جذاب قلوب است و مائده روح و بمثابه معانیست از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی..." (۱۲)

به عنوان بهائی نهایت کوشش خود را بکار می‌بریم که در روابط خود با دیگران محبت و صبر نشان دهیم. اما نباید محبت را با نکات دیگر اشتباه نمود. مثلاً بعضی اوقات، مهربانی ممکن است در حقیقت رفتار پدران باشد. فردی که در شناخت ظرفیت و استعداد دیگران مشکل دارد و اغلب با محبت با آنان رفتار می‌کند، مانند این که آنها اطفال هستند و او پدرشان می‌باشد. ریا گاهی در جامه مهربانی خودنمایی می‌کند؛ شخص می‌تواند حداکثر محبت را نشان بدهد، اما در واقع در اندیشه منافع شخصی باشد. صبر هم مثل محبت گاهی نابجا استفاده می‌شود. مثلاً می‌تواند بهانه‌ای برای غفلت باشد. برای تفکر بیشتر درباره آنچه گفته شد، تمرین زیر را انجام دهید.

۱. با نهایت مهربانی امر الهی را به فردی معرفی می‌کنید. اما وقتی که در پایان، وی با ابراز عقیده هایش با حرف‌های شما مخالفت می‌کند، شما عصبانی می‌شوید. آیا محبت شما صادقانه است؟

---

۲. هنگامی که امر را برای کسانی که تحصیلات کم‌تر از شما دارند، معرفی می‌کنید. هرازگاهی می‌پرسید: "عزیزم متوجه می‌شوید؟" این محبت است یا محبت توأم با ترحم؟

---

۳. امر الهی را به فرد بیسوادی ابلاغ می‌کنید. فکر می‌کنید که چون درک مفاهیم بهائی برای او بسیار مشکل است، از اینرو پیام الهی را به چند تعلیم ساده تبدیل می‌کنید. این عمل محبت است یا محبت توأم با ترحم؟

---

۴. امر را به شخص بیسوادی معرفی می‌کنید. گرچه این کار وقت لازم دارد، ولی شما بطور کامل امر را به او معرفی می‌کنید و قسمتهائی از آثار مبارکه را با او می‌خوانید و معانی آنها را توضیح می‌دهید. این عمل ناشی از صبر است یا محبت توأم با ترحم؟

---

۵. یکی از همسایگان شما بنظر می‌رسد که نسبت به امر حُسن نظر داشته و مستعد است. تصمیم می‌گیرید که به او ابلاغ کلمه نمائید. بعد از چند جلسه بحث و صحبت و با محبت زیاد، او را یاری می‌کنید تا تعالیم مبارک را درک کند و او را پرورش دهید تا آنکه حضرت بهاء الله را بشناسد. بعد از تسجیل شدن باز هم به تزئید معلومات او کمک می‌کنید تا وقتی که مستقلاً به ترویج امر قیام کند. آیا اینکار محبت توأم با ترحم است؟

---

۶. در دهکده‌ای نزدیک تبلیغ می‌کنید. پس از دو ساعت صحبت و بحث درباره امر با یک نفر، او به شما می‌گوید که از تعالیم بهائی خوشش آمده و میل دارد کتاب‌هایی در این مورد بخواند. به او یک جزوه کوچک معرفی امر را می‌دهید. با تصور اینکه این شخص سواد چندانی ندارد، فکر می‌کنید بهتر است چند ماه به او وقت بدهید تا کتاب را بخواند. این عمل، علامت صبر است یا غفلت؟

## قسمت هشتم

حضرت بهاء الله می‌فرمایند:

"اگر تبلیغ مشغول شوند باید بتوجه خالص و کمال انقطاع و استغناء و علو همّت و تقدیس فطرت توجه باشطار بنفحات مختار نمایند ینبغی لهؤلاء ان یکون زادهم التوکل علی الله و لباسهم حب ربهم العلی الابهی تا کلمات آن نفوس مؤثر شود." (۱۳)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"... این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آرام نبینند و فراغت نجویند در مضجع راحت نیارند آسوده نشینند  
آلوده نگردند اوقات را صرف نشر نفحات الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمة الله..." (۱۴)

می دانیم که انقطاع، لازمه تبلیغ است. اما اینکه ما باید در حین تبلیغ "منقطع" باشیم، یعنی چه؟ تکمیل  
جملات ذیل به شما کمک می کند تا درباره این سؤال فکر کنید.

۱. وقتی که به تبلیغ امرالله قیام می نمائیم، باید توجهمان \_\_\_\_\_ باشد.
۲. وقتی که به تبلیغ امرالله قیام می نمائیم، باید کاملاً \_\_\_\_\_ باشیم.
۳. وقتی که به تبلیغ امرالله قیام می نمائیم، قلب های ما باید \_\_\_\_\_ باشد.
۴. وقتی که به تبلیغ امرالله قیام می نمائیم، باید \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ داشته باشیم.
۵. شایسته است که توشه سفرمان را \_\_\_\_\_ انتخاب کنیم.
۶. باید لباسمان \_\_\_\_\_ باشد.
۷. با وارد شدن به میدان خدمت، باید شب و روز \_\_\_\_\_.
۸. ما باید \_\_\_\_\_ نبینیم و \_\_\_\_\_ نجوئیم در \_\_\_\_\_ راحت نیاریم و \_\_\_\_\_ نشینیم.
۹. ما باید منقطع و آلوده نشده \_\_\_\_\_ صرف \_\_\_\_\_ کنیم و \_\_\_\_\_.

## قسمت نهم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"بخوان ناس را بشطر پروردگار عالمیان بحرارت و جذبی که جمیع را مشتعل نماید." (۱۵)

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"بیائید قیام کنیم و با تخلق به اخلاق حسنه و ایقان و درک و شور بتبلیغ امرش پردازیم. بگذارید این  
مهمترین و ضروری ترین وظیفه هر شخص بهائی باشد و شور و شوق تبلیغ سایر امور زندگی ما را تحت الشعاع  
قرار دهد." (۱۶) (ترجمه)

ما اگر بخواهیم که در کوششهای خود جهت افزایش تعداد احبّاء موفق گردیم باید انگیزه‌ای که ما را بحرکت در می‌آورد شوق و شور تبلیغ امر باشد. قلوب ما باید از شدت شوق مشتعل باشد، چگونه میتوان لذت و سرور بهائی بودن را به دیگران ارائه داد اگر خودمان پراشتیاق و مسرور نباشیم؟ البته وقتی که با اشتیاق پیام حضرت بهاءالله را به دیگران ارائه می‌دهیم، باید مراقب باشیم که از حدّ و مرز مناسب پا فراتر نگذاریم. و کسانی را که می‌خواهیم تبلیغ کنیم از خود نرانیم. کلمه‌ای که اغلب بکار می‌رود "زور و اجبار" است که معنی آن اینست که فشار زیاد سبب تغییر دین افراد گردد. بهائیان بشدّت از این کار منع شده‌اند، ولی در عین حال که از زور و اجبار منع شده‌ایم نباید آنقدر بی تفاوت و غیرمقتاعد کننده باشیم که کوشش های تبلیغی ما بی نتیجه بماند.

برای کمک جهت تفکر در باره تفاوت بین شور و اشتیاق در تبلیغ و اصرار در تغییر دین دیگران عبارات ذیل را بخوانید و مشخص کنید که در کدامیک از حدّ مناسب خارج خواهید شد، آنرا با علامت + مشخص کنید. در کدامیک به علت بی تفاوتی و عدم شور و اشتیاق مؤثر نخواهید بود؟ آنرا با علامت x مشخص نمایید و در کدام یک اقدام شما توأم با شور و اشتیاق و در حدّ مناسب و درست خواهد بود؟ آنرا با علامت \* (ستاره) مشخص کنید.

\_\_\_ آنقدر شیفته امر الهی هستید که در هر فرصت مناسبی در مکالمات خود بطور طبیعی اصول دیانت بهائی را ذکر می‌کنید و در موقعیت مناسب، یادآور می‌شوید که این عقاید از تعلیمات حضرت بهاءالله سرچشمه گرفته است.

\_\_\_ آنقدر به کار تبلیغ اشتیاق دارید که اگر مردم هم نخواهند اظهارات شما را در مورد امر بشنوند شما عملاً مجبورشان می‌کنید.

\_\_\_ آنقدر شیفته امر الهی هستید که هر وقت با مردم صحبت می‌کنید، همیشه جهت صحبت را بنحوی عوض کرده و آنرا به حضرت بهاءالله و تعالیشان مربوط می‌کنید.

\_\_\_ میل ندارید دیگران شما را یک بهائی متعصب بدانند، از اینرو اگر درباره امر سؤالی هم از شما پرسند به پاسخ کوتاهی اکتفاء می‌کنید. اگر خیلی اصرار کنند و دوباره سؤال نمایند کتابی به ایشان داده پیشنهاد می‌کنید که خودشان آنرا مطالعه کنند.

\_\_\_ میل دارید دیانت بهائی را در شهر مجاور به ساکنین آن محلّ معرفی نمایید. می‌دانید که با سابقه فرهنگی مردم آن محلّ به در خانه‌های مردم رفتن و خانه به خانه درباره مذهب صحبت کردن، عمل پسندیده‌ای نیست. اما شما فکر می‌کنید باید توکل داشت، دعایی خواند و تبلیغ را خانه به خانه انجام داد.

\_\_\_ میل دارید که دیانت بهائی را در شهر مجاور به ساکنین آن محلّ معرفی نمایید. یک بعد از ظهر به آن شهر می‌روید. می‌دانید که با سابقه فرهنگی مردم آن محلّ به در خانه‌های مردم رفتن و خانه به خانه درباره مذهب صحبت کردن، عمل پسندیده‌ای نیست. بنابراین تصمیم می‌گیرید که تنها کاری که می‌توانید در آنجا انجام دهید این است که چند مناجات بخوانید و سپس به خانه برگردید.

\_\_\_\_\_ به دهکده‌ای می‌روید که مردم به آموزش رسمی و خدمات بهداشتی دسترسی ندارند، شما فکر می‌کنید بهترین راه تبلیغ، تأکید در تمام کارهای خوبی است که امر می‌تواند برای آنها انجام دهد. به آنان قول می‌دهید که اگر بهائی شوند برای اطفال کلاس‌های درس اخلاق تأسیس می‌کنید و یک پروژه کوچک بهداشتی برایشان فراهم می‌نمائید.

\_\_\_\_\_ در جلساتی که افراد علاقه‌مند حضور دارند جلسه خود را با دادن کارت تسجیلی شروع و آنها را دعوت می‌کنید که هرگاه تحت تأثیر تعالیم قرار گیرند می‌توانند عضو جامعه بهائی گردند.

\_\_\_\_\_ در جلساتی که افراد علاقه‌مند شرکت دارند اغلب جلسه را با این جمله شروع می‌کنید که بسیار جای خوشوقتی است برای شما که توانسته‌اید پیام حضرت بهاء‌الله را با ایشان در میان بگذارید. به آنها می‌گوئید گرچه بهائی‌ها، چنین جلساتی را ترتیب می‌دهند به امید اینکه عده بیشتری به امرالله مؤمن شوند ولی هدف از این جلسه‌ها این نیست که مردم را تحت فشار قرار دهند تا بهائی شوند.

\_\_\_\_\_ در جلساتی که افراد علاقه‌مند شرکت دارند شما با توضیح اینکه هدف از انعقاد این جلسات بهائی کردن آنها نیست جلسه را شروع می‌کنید. قصد شما فقط ارائه چند عقیده است. مهم است که ایشان با فراغت، در مورد حقیقت و صحت این عقاید مطالعه و بررسی نمایند و بطور جدی قبل از اینکه تصمیم بگیرند عضو جامعه بهائی شوند در باره آنها فکر کنند.

\_\_\_\_\_ مدتی است که مشغول تبلیغ دوستی هستید و احساس می‌کنید که شعله امر در قلبش فروزان شده است، بنابراین یک روز او را دعوت می‌کنید که به جامعه بهائی بپیوندد.

\_\_\_\_\_ مدتی است که مشغول تبلیغ دوستی هستید و احساس می‌کنید که شعله امر در قلبش فروزان شده است، بنابراین او را به جلسات متعدد بهائی دعوت می‌کنید با این فکر که یک روز بهائی خواهد شد.

\_\_\_\_\_ شما عضو یک گروه تبلیغی هستید که بوسیله لجنة تبلیغ ناحیه‌ای برای معرفی امر به شهری فرستاده شده‌اید. یک کیف پر از جزوه‌های تبلیغی در دست دارید بهر کسی که می‌بینید یک عدد می‌دهید. زمانی که کیف خالی شد به منزل برمی‌گردید.

\_\_\_\_\_ شما عضو یک گروه تبلیغی هستید که بوسیله لجنة تبلیغ ناحیه‌ای برای معرفی امر به شهری فرستاده شده‌اید. گروه شما به یک محل عمومی می‌رود، شما یک گوشه‌ای ایستاده و از هر کسی که از برابر شما می‌گذرد می‌پرسید آیا در باره حضرت بهاء‌الله شنیده‌اید؟

\_\_\_\_\_ همراه گروهی از یاران در یک فعالیت تبلیغی شرکت می‌کنید که شهر مجاور را با امر آشنا سازید. نقشه این است که به پارک رفته و برای مدت طولانی برای موفقیت نقشه دعا کنید، به این امید که مردم به سوی شما جذب شده و بطرف شما بیایند تا شما بتوانید تبلیغ کنید.

\_\_\_\_\_ همراه گروهی از یاران در یک فعالیت تبلیغی برای آشنائی مردم شهر مجاور با امر شرکت می‌کنید. وقتیکه وارد شهر می‌شوید، بهمراه چند نفر از اعضا گروه یک نمایشگاه کوچک از تعدادی کتاب و عکس نزدیک بازار با اجازه مقامات محلی ترتیب می‌دهید. هر یک از شما به نوبت نزدیک نمایشگاه می‌نشیند. مردمی که از آنجا می‌گذرند ایستاده و به کتاب‌ها و عکس‌ها نگاه می‌کنند. اگر آنها با طرح سؤال و یا نظریه‌ای ابراز علاقه کردند، با آنها صحبت می‌کنید.

\_\_\_\_\_ در یک فعالیت تبلیغی برای معرفی امر در شهر مجاور که کوشش‌های قبلی تبلیغی بثمر نرسیده بود، شرکت می‌کنید. بعنوان مطالعات اولیه برای فعالیت تبلیغی گروه شما، با سازمان‌های مختلف، با مؤسسات آموزشی و اجتماعی و گسترش برنامه‌های پیشرفت اقتصادی آشنا می‌شوید. همینطور نام چند نفر از اهالی شهر را که نسبتاً به امر توجه نشان داده‌اند، بدست آورده‌اید. بر اساس این اطلاعات، گروه شما نقشه‌ای از کارهای مختلف تبلیغی شامل مصاحبه‌های رادیویی، نمایشگاه در یک محل عمومی، ملاقات مقامات محلی، مدارس و سازمان‌های مختلف تنظیم می‌کنید. مثلاً از طریق یکی از مبتدی‌ها ترتیب معرفی امر در دبیرستان شهر و انجمن زنان داده شده است. همینطور که مردم را ملاقات می‌کنید لیستی از افرادی که می‌خواهید برای صرف قهوه یا نهار یا برای شرکت در جلسه‌هایی که شب‌ها منعقد می‌گردد، در نظر می‌گیرید. همچنین برنامه‌ای برای آخر هفته تحت عنوان "مفهوم روحانیت برای بشر امروز" ترتیب داده و اشخاص علاقه‌مند را دعوت می‌کنید. از آنجا که یکی از اعضای گروه شما به آسانی میتواند با مردم شهر در اماکن عمومی آشنا شده و به نحو طبیعی و دلپذیر آنها را به جلسات دعوت نماید او بیشتر وقت خود را به دعوت مردم برای شرکت در فعالیت‌های مختلف که شما مسئول انجامش هستید صرف می‌کند.

\_\_\_\_\_ لجنه تبلیغ ناحیه‌ای شما، فعالیت‌هایی برای ابلاغ کلمه در چندین دهکده که مردم آن به امر حسن نظر دارند، ترتیب داده‌است. گروه شما تصمیم می‌گیرد که بهترین روش رفتن از منزل به منزلی دیگر و معرفی امر به جمیع افراد است. در حقیقت اگر به ملاقات گروهی رفته و گروهی را فراموش کنید باعث ناراحتی آنها می‌گردد.

## قسمت دهم

همانگونه که قبلاً یادآوری گردید تأکیدی که بر اهمیت کسب صفات روحانی در مباحث مربوط به تبلیغ نمودیم دلیل بر این نیست که انتظار می‌رود مبلغ امرالله از هر جهت کامل باشد. آنچه لازم است این که هدفی معین کرد و وجداناً برای رسیدن به آن کوشش نمود. انسان باید مشتاقانه بسوی کمال حرکت نماید مهم نیست که هدف نهائی چقدر دور به نظر آید. ضروری است که به یاد داشت برای پیشرفت در این مسیر باید تواضع و فروتنی داشت. زیرا بدون فروتنی، کامیابی سبب سقوط می‌گردد و بذری که در قلوب دیگران کاشته می‌شود، آلوده می‌گردد. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

"خودمبلغ باید در وقت تبلیغ بی نهایت متأثر باشد تا بیانش مانند شعله آتش تأثیر کند و پرده حجابات نفس و هوی بسوزاند و باید در نهایت خضوع و خشوع باشد تا دیگران متنبه گردند و باید در نهایت محویت و فنا باشد تا به آهنگ ملاً اعلی تبلیغ کند و الا تأثیر ننماید." (۱۷)

در جای دیگر به ما هشدار می دهند:

"تعالیم الهیه در این دور نورانی چنین است که نباید نفوس را توهین نمود و بجهالت نسبت داد که توندانی و من دانم بلکه باید بجمیع نفوس بنظر احترام نظر کرد و در بیان و دلالت بطرز تحرّی حقیقت مکالمه نمود که بیائید مسائلی چند در میانست تا تحرّی حقیقت نمائیم و ببینیم چگونه و چسانست. مبلغ نباید خویش را دانا و دیگران را نادان شمرد. این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثیر بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران به نهایت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد. این نوع بیان تأثیر کند و سبب تربیت نفوس شود." (۱۸)

۱. چه تفاوتی بین شور و شوق نفسانی که در نصّ اول مطالعه کردیم با شور و شوقی که در قسمت قبل مطالعه کردیم وجود دارد؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۲. می توانید چند مثال بنویسید که چگونه فروتنی نفوذ کلام ما را افزایش می دهد؟

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت یازدهم

نکته دیگری در رابطه با فروتنی وجود دارد که در بررسی ما در موضوع تبلیغ قابل توجه می باشد. کاملاً درست است که باید دائماً در جهت پیشرفت شرائط معنوی و ترقی صفاتی که سبب می شود مبلغ لایق و شایسته امر شویم، قدم برداریم. اما در حالی که هشیارانه در جهت تکمیل فضائل خود کوشش می کنیم، نباید اجازه بدهیم که این اندیشه در ذهن ما رخنه کند که کامیابی ما در زمینه امور تبلیغی پیامد شایستگی خود ما بوده است. فروتنی ما را از اینکه احساس می کنیم مهم هستیم حفظ می کند.

همواره باید موفقیت‌های خود را در امور تبلیغی از نفس خود جدا بدانیم. هر نقشی که ما در یاری افراد در شناسائی حضرت بهاء‌الله داشته‌ایم فضل الهی بوده که شامل حال ما شده. عنایت ملکوتی حقّ است که نفوس را برای این هدف انتخاب می‌کند. ما فقط می‌توانیم امیدوار باشیم تا وسیله‌ای گردیم که از طریق آن خداوند نقشه‌های خود را عملی می‌کند. ما باید سعی کنیم تا صفاتی را که بما این شایستگی را می‌بخشد کسب نمائیم و وسیله‌ی هدایت بشر گردیم. بیان ذیل از یکی از توقیعات حضرت ولی‌ام‌الله که از طرف ایشان نوشته شده، چنین ما را انداز مینماید:

"شاید علت عدم موفقیت شما در میدان تبلیغ اینست که بیشتر بضعف و عدم لیاقت خود برای اعلاء کلمه‌الله ناظر میباشید. حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء مکرراً تأکید فرموده‌اند که نظر به عجز خود ننموده بلکه جمیع توکل و اعتمادمان را بخدا واگذاریم بمحض اینکه قیام نمودیم و واسطه‌ی فعال فیض و نزول رحمت الهی گشتیم، عون و عنایت حقّ شامل حال می‌گردد. آیا تصور می‌کنید که مبلّغین هستند که عقائد را تغییر داده و یا قلوب را تقلیب می‌نمایندحاشا و کلاً آنها فقط نفوس مجردی هستند که خود را تسلیم نموده تا روح حضرت بهاء‌الله بفرمانده ایشان را به حرکت آورده، مورد استفاده قرار دهد. اگر نفسی از آنها ولو برای یک ثانیه فکر و یا تصور کند که خدمات او نتیجه لیاقت شخصی او بوده کارش تمام و سقوطش شروع می‌گردد. این است منتهی علتی که عده‌ای از اشخاص لایقه مقتدره با وجود خدمات جلیله بعتناً خود را بکلی عاجز یافتند و چه بسا که روح دافع امر آنها را چون نفوس عاطله متروک ساخت. میزان موفقیت حدی است که خود را تسلیم نموده تا اراده حقّ بوسیله ما عملی گردد.

"نگذار ضعف خود بر شما غلبه کند، توکل کامل به خدا کن، بگذار قلبت از شعله‌ی عشق به خدمت و تبلیغ امر او مشتعل شود، و خواهی دید که چطور قوتی که بتواند قلوب را تقلیب نماید ظاهر میشود.

"اگر قیام به تبلیغ کنی مطمئناً حضرت شوقی افندی برای موفقیت شما دعا خواهند نمود. در حقیقت نفس قیام به تنهایی مشمول نصرت و تأییدات حقّ است." (۱۹) (ترجمه)

۱. آیا می‌توانید چند مثال بزنید که چطور غرور و تکبر باعث می‌شود تبلیغ یک مبلّغ موفق امرالله بدون اثر باشد؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۲. فروتنی تنها در امر تبلیغ ضروری نیست. زمانی که غرور و تکبر در رفتار ما ظاهر می‌شود، ما را در هر خدمت بی‌اثر می‌نماید. برای تفکر در مورد انواع گوناگون غرور در رابطه با تبلیغ، تمرینهای زیر را انجام دهید:



یک پروژه تبلیغی با روش عالی و امید کامیابی زیاد در یک ناحیه خاصی از کشور در دست انجام است. یکی از احباء فکر می‌کند که این پروژه، آنطور که باید از ممتازترین استعداد او استفاده نمی‌کند. کدامیک از عکس‌العملهای زیر نشان دهنده عدم غرور اوست؟

\_\_\_ عدم شرکت در برنامه به این دلیل که پروژه به او اجازه استفاده از استعدادهایش را نمی‌دهد.

\_\_\_ با خشنودی در برنامه شرکت می‌کند، با دوستان خود در هر زمینه‌ای که لازم باشد کار می‌کند و از توانایی‌های دیگر خود به حد امکان بهره می‌گیرد.

\_\_\_ سعی می‌کند نقصی در پروژه پیدا کند و می‌گوید که نقشه واقعاً خوب نیست برای اینکه از استعدادها و تواناییهای احباء استفاده نمی‌کند.

یک جامعه بهائی راه‌های مختلفی را برای توسعه سریع امر در ناحیه خود امتحان می‌کند. چند نفر از اعضاء جامعه، متوجه می‌شوند که روش دیگر در منطقه دیگر اجرا شده که نتایج عالی داشته است. کدامیک از اظهارات زیر، بیانگر عدم غرور و یا عدم بی‌حکمتی است؟

\_\_\_ بدون بررسی نتیجه‌گیری شود که، این روش احتمالاً در شهر ایشان مؤثر نخواهد بود. زیرا این طرحی است که توسط دیگران در محل دیگری طراحی شده است.

\_\_\_ نتیجه‌گیری اینکه اگر طرح در یک محل موفق بوده، پس باید در جاهای دیگر هم موفقیت‌آمیز باشد لذا بدون تغییر باید مورد استفاده قرار گیرد.

\_\_\_ مطالعه دقیق طرح به منظور یافتن راهی برای آنکه بتوان قسمتی و یا همه آن را در موقعیت جدید اجرا نمود. و بر آن اساس طرح را پذیرفت و بر مبنای تجربه هر نوع تغییری که لازم باشد انجام داد.

یک مبلغ سیار از یک جامعه‌ای که به آن آشنایی ندارد ملاقات می‌نماید. جلسه‌ای برای او ترتیب داده شده است که با گروهی از احباء صحبت کند. کدامیک از اقدامات زیر نشان دهنده عدم غرور در شخص مبلغ است؟

\_\_\_ معرفی ساده و مختصری از امر الهی به دوستان با تصور اینکه معلومات آنها کم است.

\_\_\_ از محفل روحانی محل، یا لجنه مسؤل، بمنظور درک سطح معلومات و تجربه افرادی که در جلسه حضور خواهند یافت، راهنمایی می‌طلبند و بر اساس آن موضوع مناسب برای جلسه انتخاب می‌کند.

\_\_\_ با توجه به اینکه همه افراد بهائی نیاز به تشویق دارند، تصمیم می‌گیرد که شنیدن یک نطق آتشین آنها را فعال و خدوم می‌سازد. در حالیکه برخلاف تصور وی، اکثر افرادی که در جلسه حضور می‌یابند، در امر بسیار فعالند.

لجنة ملّی تبلیغ از یکی از احبّاء خواسته است از یک گروه تبلیغی در یک ناحیه از کشور دیدن نماید. گروه در حقیقت بخوبی کار می‌کند. و فعالیت‌هایش در جهت گسترش و استحکام امر کم به ثمر می‌رسد. کدامیک از مطالب ذیل حسّ فروتنی مبلغ سیار را منعکس می‌سازد؟

\_\_\_ به تجربیات گروه‌گوش می‌دهد، در فعالیت آنان شرکت می‌کند و در وقت لزوم پیشنهاد می‌دهد، سعی می‌کند تحقیق کند که لجنة ملّی چگونه می‌تواند به آنها یاری کند و یک گزارش کامل برای لجنة تهیه میکند تا تجربیات گروه در اختیار سایر مناطق نیز قرار گیرد.

\_\_\_ گروه را بطور واضح مطلع می‌کند که از طرف لجنة ملّی به آن ناحیه فرستاده شده، و یک لیست طولانی از دستوراتی که باید مورد اجرا قرار گرفته شود به آنها می‌دهد.

\_\_\_ استفاده از فرصت برای تمرین رهبری و ایراد سخنرانی برای گروه در باره اعمال قهرمانانه و بی‌باک.

یک پروژه تبلیغی ناحیه‌ای بزودی شروع می‌شود و شرکت کنندگان در طرح به گروه‌هایی تقسیم شده‌اند، هر گروه یک راهنما دارد. وقتی که گروه‌ها برای بررسی نقشه‌ها بدور هم جمع می‌شوند، یکی از دوستان متوجه می‌شود که راهنمای گروهش، کسی است که بوسیله او تبلیغ شده است. کدامیک از عکس‌العمل‌های زیر نشانه عدم غرور او است؟

\_\_\_ بدون در نظر گرفتن راهنما کنترل گروه را بدست گرفتن و در مقابل دیگران به او دستورالعمل دادن.

\_\_\_ امتناع از پیوستن به گروه، مگر اینکه فرد با تجربه‌ای مانند خودش راهنمای گروه باشد.

\_\_\_ از مشاهده پیشرفت روحانی این تازه تصدیق احساس سرور کرده و با خوشحالی به گروه می‌پیوندد و تمام تلاش خود را برای موفقیت گروه مبدول می‌دارد.

## قسمت دوازدهم

در قسمت‌های گذشته از دو جنبه فروتنی را بررسی کردیم. یک کیفیت فروتنی که در نفوذ کلام ما مؤثر می‌باشد و دیگر آنکه ما را از آنچه مانع پیشرفت روحانی می‌گردد محافظت می‌کند. کمک دیگری که فروتنی مخصوصاً در تبلیغ به ما می‌کند ایجاد حالت گرایش به یادگیری در مسیر زندگی است. بدون تواضع و فروتنی ما اغلب به ناآگاهی خود واقف نیستیم و فکر می‌کنیم که همه چیز را می‌دانیم در حالی که نیاز به دانستن داریم. ممتازترین صفت قابل تحسین افرادی که متواضعاً در سبیل الهی قدم برمی‌دارند، تمایل آنها به فراگیری است.

شاید بپرسیم چرا تمایل به یادگیری اینقدر برای آن دسته از ما که می‌خواهیم مبلغین موفقی بشویم مهم است؟ بمنظور پاسخ‌گویی به این سؤال، باید از خود بپرسیم درباره تبلیغ چه می‌دانیم؟ آیا فکر می‌کنید مناسبترین راه تبلیغ را

بکار می‌برید؟ آیا در هر موقعیتی بخوبی می‌دانید چه بگوئید و چگونه بگوئید؟ فکر می‌کنید با گذراندن یک یا دو دوره، آنچه را که در مورد تبلیغ نیاز به دانستنش دارید، خواهید آموخت؟ آیا فرمولی وجود دارد که بتوان به شما ارائه کرد؟ مطمئناً موافق هستید که پاسخ به تمام این سؤالات منفی است و تنها راه برای بهتر کردن روش تبلیغی قبول حالت یادگیری است.

در حالیکه کوشش می‌کنید که مبلغ شایسته تری بشوید باید مراقب باشید که گرفتار جرّ و بحث با دوستان بهائی خود در مورد روش‌های تبلیغی نگردید. اگر مواظب نباشیم به آسانی می‌توان درگیر مباحثاتی شد که هر فرد تصور می‌نماید روش و متد او بهترین است و بدون استفاده از این روش موفقیت غیر ممکن است.

هنگامی از چنین رفتاری احتراز می‌کنیم که متوجه شویم مبلغ مؤثر شدن با تعلیم و یادگیری حاصل می‌شود. با مشاهده این واقعیت که هر موقعیت تبلیغی فرصتی برای کسب بینش‌ها و ترقی روش‌های تبلیغی ما است، از محدودیت‌هایی که به خود تحمیل می‌کنیم رها می‌گردیم. مکالمات ما با دوستان بهائی مثمر تر خواهد بود اگر آراء و عقاید خود را مبادله و تجربیات خود را با یکدیگر در میان گذاشته و عوامل موفقیت را بررسی کنیم.

موقعیتهائی را که ذیلاً مطرح شده بخوانید. اگر در هر فعالیت تبلیغی شما طالب یادگیری باشید، به هر کدام چگونه پاسخ خواهید داد؟

۱. در یک تابستان به ناحیه‌ای سفر تبلیغی می‌کنید که فرهنگ مردم آنجا با شما تفاوت بسیار دارد. شما از همان روش تبلیغی مؤثری که در شهر خود داشتید، استفاده می‌کنید. اما در آنجا نتیجه‌ای ببار نمی‌آورد. شما نتیجه می‌گیرید:

\_\_\_ مردم تمایلی به پذیرش امر ندارند و باید بجای دیگری بروید.

\_\_\_ لازم است روش جدیدی برای معرفی امر پیدا کنید که مردم آن ناحیه بهتر درک کنند و قلوبشان را تحت تأثیر قرار دهد.

\_\_\_ باید روش خود را ادامه دهید زیرا که پشتکار مهمترین خصوصیت یک مبلغ است.

\_\_\_ به جهت نقائص خود مورد مجازات خداوند قرار گرفته‌اید، لذا باید پیش از اقدام به سفر تبلیغی در ترقی و پیشرفت روحانی خود سعی نمائید.

۲. بعنوان جزئی از نقشه تبلیغی شخصی، بیت تبلیغ هفتگی در منزلتان منعقد می‌کنید. ده نفر را که در موقعیت‌های مختلف نسبت به امر بهائی ابراز تمایل کرده‌اند، به این جلسه دعوت می‌کنید. برای هر جلسه موضوعی را انتخاب کرده، صحبت کوتاهی آماده و ایراد می‌کنید و در ادامه آن وقت آزاد برای پرسش‌ها قرار می‌دهید. در موقع پذیرایی و تنفس هم موسیقی و آواز اجرا می‌شود. پس از چند هفته، فقط دو نفر بطور مستمر در جلسه شرکت می‌کنند. شما نتیجه می‌گیرید:

\_\_\_ جلسه‌های شما باید بیشتر سرگرم‌کننده و تفریحی باشد.

\_\_\_ بهتر است از انعقاد جلسات تبلیغی هفتگی صرفه نظر کنید؛ در حقیقت عقیده خوبی نبود.

\_\_\_ باید سعی کنید برنامه را برای چند جلسه بعد عوض نمائید، شاید قطعه کوتاهی از آثار مبارکه در موضوعی خاص را با میهمانان خود مطالعه کرده و اجازه دهید که با کلمات الهی آشنا شوند و بر اساس این تجربه برنامه‌های بعدی را آماده کنید.

\_\_\_ از افرادی که دیگر به جلسه نمی‌آیند پرسید چرا دیگر در جلسه شرکت نمی‌کنند.

۳. وقتی که شما درباره امر تحقیق می‌کردید، بعضی از اصول امر بیش از بقیه توجه شما را به خود جلب کرده بود: وحدت عالم انسانی، ترک هرگونه تعصب و تعلیم و تربیت عمومی و اجباری. اکنون تصور می‌کنید بهترین راه تبلیغ ارائه همین اصول است. در حالیکه مردمی که شما با ایشان صحبت می‌کنید عموماً با این تعالیم موافقت، ولی هیچکس ابراز علاقه خاصی به امر نمی‌کند. شما نتیجه می‌گیرید:

\_\_\_ نیازمند تمرین بیشتر برای عرضه این تعالیم هستید.

\_\_\_ باید افرادی را مانند خودتان پیدا کنید و فقط آنها را تبلیغ نمائید.

\_\_\_ شما طبیعتاً مبلغ به دنیا نیامده‌اید. بهتر است در زمینه‌های دیگر به خدمت مشغول شوید.

\_\_\_ با دوستان بهائی خود درباره تجربه‌های خود بحث کنید و ببینید شاید راه‌های دیگری برای ارائه امر به شما معرفی نمایند.

۴. شما یک بهائی تازه تصدیق هستید و از وقتی که به جامعه بهائی وارد شده‌اید، درباره اهمیت تبلیغ بسیار شنیده‌اید. بنابراین یک روز تصمیم می‌گیرید یک نقشه تبلیغی فردی برای خود طرح کنید. از آنجا که تا بحال این کار را نکرده‌اید، با چند نفر از دوستان با تجربه مشورت می‌کنید و آنها نظریات متعدد خود را درباره اینکه چطور تبلیغ کنید ارائه می‌کنند. شما تصمیم می‌گیرید:

\_\_\_ لیستی از عقاید گوناگون فراهم کنید و همه را انجام دهید.

\_\_\_ روش یکی از دوستان را که شامل برنامه‌های گوناگون و جالب است، دنبال می‌کنید.

\_\_\_ راه‌های بسیار متعددی برای تبلیغ وجود دارد و بهترین آنها، اینست که نقشه‌ای تهیه نکنید و هر جا فرصت دست داد، تبلیغ کنید.

\_\_\_ در مورد تمام نظریات فکر کنید و هر کدام که بیشتر مناسب موقعیت شما بود، انتخاب کرده و آنرا بکار ببرید. با تفکر در آنچه که انجام می‌دهید سؤالاتی پیش می‌آید با مراجعه به آثار امری جوابها را پیدا

می‌کنید. در پرتو کسب بینش‌های حاصله از تجربه و مطالعه آثار تصمیم می‌گیرید که قدم‌های بعدی را چگونه بردارید. این روش را مکرراً انجام می‌دهید.

۵. در یک قسمت از نقشه تبلیغی شخصی‌تان، تصمیم گرفته‌اید کوشش‌های خود را بر جمعیت و گروه خاصی متمرکز نمایید. و پیام حضرت بهاء‌الله را بگوش آنان برسانید. پس از مدتی از پرسش‌های آنان متوجه می‌شوید که برایشان مشکل است وجود خدا را قبول کنند. تصمیم می‌گیرید:

\_\_\_\_\_ بهتر است در این باره صحبت نکنید. اگر آنان در ضمن صحبت موضوع را بمیان آورند، بسرعت موضوع را عوض کنید.

\_\_\_\_\_ تبلیغ مردمی که اعتقاد به خدا برایشان مشکل است، غیرممکن است، از این گروه دیگری را انتخاب کرده و نیروی خود را متوجه آنها نمایید.

\_\_\_\_\_ از مبلغ باتجربه‌تری دعوت می‌کنید که با آنها ملاقات کرده و با ایشان درباره وجود خداوند صحبت کند. اگر مؤثر نشد، دیگر آنها را بخود وا گذاشته و اصرار نکنید.

\_\_\_\_\_ پس از مطالعه بیانات مبارکه درباره وجود خدا، متن کوتاهی به زبان خود تهیه می‌کنید تا به ایشان توضیح دهید که حضرت بهاء‌الله در مورد وجود باری تعالی چه فرموده‌اند. به عکس العمل آنها گوش کرده در نتایج آن تفکّر ر نموده و جهت یافتن پاسخ به سؤالات آنها به آثار مبارکه مراجعه می‌کنید و در پرتو بینش‌های حاصله از تجربه و مطالعه آثار مبارکه متن خود را تغییر می‌دهید. این کار را آنقدر ادامه خواهید داد تا توضیح شما نتایج رضایت بخش داشته باشد.

۶. شما سعادت شرکت در یک نقشه تبلیغی بسیار موفق یک ماهه را در یک دهکده مجاور داشته‌اید. با در نظر داشتن اهمیت تزئید معلومات احبای تازه تصدیق، لجنه تبلیغ ناحیه‌ای، شما را مأمور ملاقات منظم از چند خانواده می‌کند. برای دیدار اول، مطلبی آماده نمی‌کنید با این اندیشه که هرآنچه بذهنتان آمد، بیان خواهید کرد. اما عملاً همان مطالبی را که در موقع تسجیل آنها بیان کردید، تکرار می‌کنید. از آنجا که متوجه می‌شوید با ادامه این طریق چیزی به معلومات آنها اضافه نمی‌شود، تصمیم می‌گیرید:

\_\_\_\_\_ لیستی از سی مطلب متفاوت در نظر می‌گیرید و نطقی بر آن اساس آماده می‌کنید و در هر ملاقات یک موضوع جدید را مطرح می‌نمائید. لیست مطالب سخنرانی خود را تا آخر دقیقاً دنبال می‌کنید.

\_\_\_\_\_ به هر خانواده یک کتاب کوچک امری می‌دهید و از ایشان می‌خواهید که چند صفحه تعیین شده را بخوانند تا در ملاقات بعدی اگر سؤالی داشتند مطرح نمایند.

این روش غیر عملی و وقت گیر است. بجای دیدار تک تک خانواده‌ها، آنها را جهت شرکت در جلسه عمومی هفتگی در خانه یکی از دوستان دعوت می‌کنید تا در باره امر صحبت کنید. به خود می‌گوئید: "آنها که مایل و علاقه‌مند یادگیری هستند خواهند آمد."

یک موضوع اساسی را که فکر می‌کنید دانستنش برای همه ضروری است انتخاب و از آثار مبارکه نصوصی در مورد همان مطلب پیدا کرده و برایشان تشریح می‌کنید. با یکی از خانواده‌ها ملاقات کرده، موضوع و نصوص مربوطه را با ایشان در میان می‌گذارید و بحث می‌کنید. نتیجه را مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم نصوص انتخاب شده را تغییر داده و سپس به ملاقات خانواده دیگر می‌روید. ضمناً در پرتو نظریات حاصله از ملاقات خانواده اول، یک سری مطالب و آثار مبارکه جدید انتخاب خواهید کرد تا در ملاقات دوم با آنها مطالعه کنید. این روش را ادامه می‌دهید و بدین گونه طرحی برای ملاقات‌های مختلف و مواضع خاص برای هر خانواده تهیه می‌نمائید.

## قسمت سیزدهم

یکی از مسائل مهمی که امروزه در جامعه بهائی مطرح است، یادگیری این نکته است که چگونه گسترش و استحکام جوامع بهائی را برقرار نمود. در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پروژه‌های تبلیغی با اشتیاق زیاد در سراسر دنیا اجرا گردید و هزاران هزار نفر را وارد جامعه بهائی نمود. چون از عهده تزئید معلومات احبای تازه تسجیل شده در مقیاس بزرگ برنیامدیم مراحل گسترش امر سرانجام آهسته شد و در بسیاری از نقاط راکد گردید. در سال ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم الهی نقشه چهار ساله‌ای را به دنیای بهائی ارائه فرمودند و از بهائیان عالم خواستند که مراحل دخول افواج مقبلین را به امر مبارک بحدّ زیادی گسترش دهند. اکنون، بهائیان در سراسر جهان یکبار دیگر نیروی خود را در جهت توسعه و استحکام امر به مقیاس زیاد متمرکز نموده‌اند. با ازدیاد مؤسّسات به منظور تربیت گروه روز افزونی از مؤمنین جهت قیام به خدمت، احبّاء این هدف را با حالت یادگیری مورد توجه قرار دادند. بدیهی است این چالشی است که عالم بهائی تا دهه‌های آینده با آن روبرو خواهد بود.

برای اندیشیدن به اینکه چگونه می‌توان دو عمل توسعه و استحکام را با روحیه یادگیری پیش برد، خود را در موقعیت زیر تصوّر کنید هرچند که تخیلی بنظر می‌رسد، ولی از تجربه‌های گذشته نتیجه گرفته شده است.

شما عضو یک گروه بهائی هستید که در ناحیه‌ای از کشور که نسبت به امر گرایش دارند، تبلیغ می‌کنید. علاقه و روشنفکری مردم که چگونه با آغوش باز امر حضرت بهاء الله را می‌پذیرند و تسجیل می‌شوند شما را شگفت زده نموده است. با خود می‌گوئید زمان مناسب است، و شما می‌باید تمام نیروی خود را صرف ازدیاد مؤمنین نمائید. تزئید معلومات ایشان را میتوان به بعد موکول کرد. از یک روستا، به روستای دیگر می‌روید و در عرض چند ماه هزاران نفر را در جرگه مؤمنین امر مبارک وارد می‌کنید. گروه شما از این کامیابی بسیار مسرور است. اما چند ماه بعد که به بازدید

احبای تازه تصدیق می‌روید متوجه می‌شوید که شورواشتیاق اولیّه ایشان از بین رفته، و کوشش شما در برقراری یک جامعه بهائی بجایی نمی‌رسد.

گروه شما در مورد چگونگی اقدام بعدی، مشورت می‌کند. شما به آثار بهائی مراجعه می‌کنید و به قسمتی از پیام بیت العدل اعظم برمی‌خورید که توصیه می‌فرمایند "توسعه و تقویت" مراحل دوگانه‌ای هستند که باید دست در دست پیش روند. "(۲۰) پس از بررسی و مشاوره، تصمیم می‌گیرید که چون مراحل توسعه از تقویت پیشی گرفته، باید در ازدیاد معلومات تازه تصدیقان همت گماشت. احساس می‌کنید که این کار باید در مقیاس بزرگ انجام پذیرد بنابراین نتیجه می‌گیرید که نمایش اسلاید جواب مشکل شماست. گروه یک سری نمایش اسلاید را طرح ریزی کرده و برای نمایش به روستا می‌برد و در جلسات بزرگ به نمایش می‌گذارد. ماه‌ها می‌گذرد و این جلسات حضار مشتاقی را به خود جلب می‌کند. وقتی که سری نمایش اسلایدها به پایان رسید و در ملاقاتهای بعدی که بدون اسلاید می‌روید مردم دلسرد می‌شوند. متوجه می‌شوید که در واقع، افراد از طریق نمایش اسلاید نکات قابل توجهی یاد نگرفته‌اند و تعداد شرکت کنندگان در جلسات کاهش می‌یابد. هنگام انتخابات محفل روحانی محلی، در رضوان فقط تعداد معدودی در هر روستا حاضر می‌شوند.

همین حالت در کلیه نقاط مشاهده می‌شود. ولی در یک روستا که یک خانواده بهائی در امر مبارک ثابت و راسخند، بخاطر وجود آن خانواده در روستا، جامعه امر قوی‌تر و موفق‌تر است. جلسات در منزل این خانواده با سرور و نتیجه خوب برگزار می‌گردد. دختر چهارده ساله و فعال خانواده، به گروه تبلیغی پیوسته و آموزش کلاس‌های درس اخلاق را آغاز نموده است. گروه شما با لجنه تبلیغ ناحیه مشورت می‌کند و باین نتیجه می‌رسد که باید در هر روستا یک خانواده قوی در امر، تربیت کرد.

گروه به دو دسته تقسیم می‌گردد و هر دسته موظف به ملاقات مرتب یک خانواده در هر روستا می‌شود و مستمراً در دوره‌های چند ماهه به ملاقات آنها رفته و تزئید معلومات ایشان را برعهده می‌گیرد. این خانواده‌ها با اشتیاق در انتظار ملاقات شما هستند. اوقاتی که با ایشان صرف می‌کنید بسیار سرور انگیز است. اما بطور کلی، امور آنطور که انتظار داشتید، پیش نمی‌رود و متوجه می‌شوید که تمرکز بر یک خانواده در یک روستا، زیان‌هایی دارد. بجای آنکه این خانواده‌ها محرک فعالیت جامعه بهائی شوند، مانع گسترش آن گشته‌اند. دیدار مرتب شما با آنها، احساس غروری به آنها داده است و آنان این مسئله را سبب مباهات خود نسبت به دیگران قلمداد کرده‌اند. در واقع بسیاری از مردم روستا بجهت عدم تمایل این خانواده‌ها، از دیدار شما محروم شده‌اند، زیرا که خانواده‌ها میل ندارند دوستی و هم صحبتی با شما را با دیگران قسمت نمایند. از خود می‌پرسید قدم بعدی شما در حل این مشکل چیست؟

گروه دوباره با لجنه تبلیغ ناحیه مشاوره نموده، به آثار امری برای یافتن پاسخ به سؤالها مراجعه می‌نماید. گسترش امر در ناحیه تقریباً متوقف شده است، تلاش شما برای تقویت و تزئید معلومات مؤمنین جدید هم به نتیجه نرسیده است. بعد از مشورت‌های زیاد به این نتیجه می‌رسید که کلید حل مشکل در توسعه و تقویت محافل روحانی محلی است. بیت العدل اعظم الهی در یکی از پیام‌های خود می‌فرماید: "اگر در این هدف توفیق حاصل شود بروتق

حیات بهائی بیفزاید و امرالله را در قبال دخول افواج مقبلین بیشتر آماده و مجهز سازد." (۲۱) گروه‌ها به روستاها باز می‌گردند و این بار هدف آنها کمک به بالا بردن معلومات نه نفر عضو محفل روحانی است. حال میتوان مطمئن بود که با پیشرفت در این برنامه، محافل روحانی بخوبی عامل به وظایف خود گردیده و مسئله تقویت و تحکیم امر بخودی خود حل خواهد شد.

بعد از پایان یکسال کوشش مداوم متوجه می‌شوید که فعالیت‌های شما به نتیجه‌ای نرسیده است. حیات جامعه بهائی وجود ندارد و محافل روحانی مسؤلیت امور جامعه را بدست نگرفته‌اند. در حقیقت، در این مرحله روشن می‌گردد که اعضای اکثر محافل، شورو شوق زیادی برای پیشبرد جوامع خود ندارند و متأسفانه برخی از آنان حتی علاقه به یادگرفتن مبانی امری نشان نمی‌دهند. شما متوجه می‌شوید که با تمرکز بر این نه نفر اعضای محفل از تعداد زیادی از مؤمنین شایسته که می‌توانند جوابگوی کوشش‌های شما در جهت تزئید معلومات باشند غافل شده‌اید. در انتخابات رضوان، بیشتر اعضای محافل عوض می‌شوند، شما دیگر مطمئن نیستید که اگر ارزش دارد به قیمت محروم کردن دیگران دوباره تمام سعی و کوشش خود را متوجه نه نفر جدید کنید.

البته، کار شما در طول این مدت بی ثمر نمانده است. احببای ثابت و راسخ در هر جامعه‌ای قیام نموده‌اند. بعضی از جوامع به مرحله‌ای رسیده‌اند که گاهی اوقات برخی از فعالیت‌ها را اداره می‌کنند و برخی از محافل روحانی هم فقط در مواقعی که مسافرین به ملاقات آنها می‌آیند تشکیل می‌شود. تصمیم بگیرید در این مرحله کدامیک از نکات ذیل باید انجام بگیرد:

- \_\_\_ یکایک شما، دلسرد شده و دیگر به سراغ روستاها نرفته و زیاد درباره این موضوع صحبت نمی‌کنید.
- \_\_\_ بسراغ نقشه اول که همانا تبلیغ گروهی بود، می‌روید. نگران تقویت تازه تصدیق‌ها نمی‌شوید و امید دارید که همه چیز خود به خود درست خواهد شد.
- \_\_\_ بسراغ همه کسانی که در ابتداء تبلیغ کرده بودید، می‌روید و دوباره آنها را تبلیغ می‌کنید اما این بار با هر کدام کمی بیشتر وقت صرف می‌کنید.
- \_\_\_ متوجه می‌شوید که در روستا اطفال بیشتر از همه مشتاقند، تمام قوای خود را در تشکیل کلاسهای درس اخلاق برای آنها متمرکز می‌کنید.
- \_\_\_ از آنجا که محفل روحانی محلی بخودی خود، بدون جامعه فعال، کاری از پیش نمی‌برد، تمام کوشش خود را در تأسیس ضیافت نوزده روزه معطوف می‌کنید.
- \_\_\_ از آنجا که مردم نیاز دارند آثار مقدسه را به شخصه تلاوت نمایند، یک برنامه سوادآموزی ترتیب می‌دهید و تمام نیروی خود را صرف موفقیت این برنامه می‌کنید.



احتمالاً فکر می‌کنید هیچ‌کدام از اقدام‌های مذکور در بالا بخودی خود، کامل و کافی نیست. پس فرض کنیم که لجنة تبلیغ ناحیه، جلسه‌ای با شرکت افراد فعالتر تشکیل می‌دهد و تعدادی از روستائیان را جهت شرکت و مشاوره برای چند روز راجع به طرح نقشه‌ای مستمر جهت تسریع پیشرفت امرالله دعوت می‌کند. این را با گروه خود در میان بگذارید. گرچه شما نمی‌توانید نقشه‌ای را بدون شرکت در یک جلسه واقعی طرح کنید ولی تا آنجا که ممکن است عواملی را که تصوّر می‌کنید باید در یک نقشه مؤثر موجود باشد یادداشت نمایید:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت چهاردهم

از دو منبع میتوان یاد گرفت که چگونه تبلیغ کرد تا مؤثر باشد. یکی از آثار مبارکه و دیگری از تجربه‌ها، تجربه‌های خودما و تجربه‌های دوستان بهائی است. بنابراین یادگیری، باید شامل مطالعه آثار مبارکه و کسب تجربه‌های مختلف باشد. باید نقشه منظم تبلیغی فردی داشته باشیم و آنرا بکار ببریم. همچنین باید در انجام نقشه‌هایی که مؤسسات امری طرح و اعلام کرده کمک و یاری نمائیم. و با دیگران در گسترش و تحکیم منظم امر در بین مردم علاقه‌مند همکاری داشته باشیم.

در حالی که تبلیغ می‌کنیم باید در کارهایی که انجام داده‌ایم و در تأثیر صحبت‌هایی که کرده‌ایم و طریقی که آن مطالب را بیان کرده‌ایم، تعمق نمائیم. اقدام مداوم و تفکر و تعمق، سؤال‌های مهمی را بوجود خواهد آورد که با مطالعه آثار امری مربوطه باید پاسخ‌ها آنها را یافت. مطالعه آثار مستلزم مطالعه به تنهایی نیست. میتوان جلسات شور

باحبای دیگر برگزار نمود و باهم در آثار امری جستجو کرد و بینشی را که از تجربیات، مطالعات و تفکرات خود، آموخته‌ایم در اختیار یکدیگر بگذاریم. وقتی همگی در فعالیتهای منظم تبلیغی شرکت می‌کنیم، پیروی از یک طرح عمل و تأمل در پرتو ظهور امر حضرت بهاءالله کاملاً ضروری و لازم است. اگر از این روش خودداری نمائیم، ممکنست به خطر جز و بحث در مورد روش‌های مختلف تبلیغی گرفتار شویم و بعد از مباحثه‌های زیاد و دفاع از افکار و روش خود، تصمیم به اجرای یک روش بگیریم اما قلباً همگی با آن موافق نباشیم. متأسفانه، اغلب وقتی این حالت واقع شود احساس ما نسبت به تبلیغ ضعیف می‌گردد.

## قسمت پانزدهم

یک سری پرسش‌هایی که مکرراً در تعقیب طرح مشاوره، اقدام و تأمل پیش می‌آید مربوط به طرز تبلیغ و رفتاری است که ما در اجرای این وظیفه مقدس انتخاب می‌کنیم. آیا باید جسور باشیم؟ آیا باید محتاط و محافظه کارانه عمل کنیم؟ آیا باید پیام را بلافاصله به هر کس که برخورد می‌کنیم ابلاغ کنیم و یا باید افراد مناسب انتخاب کنیم؟ آیا باید مستقیماً درباره امر، بعنوان دیانتی برای بشر امروز صحبت کنیم؟ یا صحبت خود را محدود به بحث کلی در مورد اصول امرالهی که به آسانی مورد قبول عامه قرار می‌گیرد، بنمائیم؟ آیا باید جنبه‌هایی از تعالیم بهائی را که می‌دانیم شنونده را به مبارزه دعوت می‌کند مطرح کنیم و یا آن مطالب را به بعد از آنکه شخص امر را پذیرفت، موکول کنیم؟ بمنظور متقاعد کردن دیگران، آیا باید اظهارات خود را محکم و مافوق تحمل شنونده بیان نمائیم یا با هیجان و شور کمتری سخن بگوئیم؟

در متن زیر، حضرت ولی‌امرالله توصیه گرانبھائی در این مورد به ما می‌فرمایند. شاید شما معنی بعضی از لغات را ندانید بنابراین قبل از مطالعه نص، توضیحات ذیل را مرور کنید.

۱\_ تحریک آمیز: سبب عصبانیت، یا ناسازگاری

۲\_ غیرفعال، سهل انگار: به سادگی و سستی با امور برخورد کردن

۳\_ متعصب، افراطی: مملو از شور و شوق غلط یا زیاد

۴\_ افراطی: ماورای آنچه طبیعی و یا مناسب است

۵\_ آزاد اندیش: وسعت نظر، غیر مقید به رسوم و قوانین

۶\_ تشریح: توضیح معنی یا هدفی، ارائه موضوعی

۷\_ محتاط: حواس جمع، هشیار

- ۸\_مسالمت آمیز: کسی که حاضر است تسلیم شود
- ۹\_فرد عادی: شخصی که پیشوای روحانی نیست
- ۱۰\_تحقیر آمیز: نشان دادن بی احترامی یا کسر شأن داشتن
- ۱۱\_ذره ذره تقلیل دادن: کم کردن ذره ذره
- ۱۲\_ارائه، عرضه: دادن و ارائه کردن برای قبولی، تقدیم کردن
- ۱۳\_خلل ناپذیر: اجازه انعطاف و یا تغییر ندادن، انعطاف ناپذیر، تغییر ناپذیر

حال نصّ حضرت ولیّ امرالله را بخوانید:

"در بیان وجوه امتیاز و تعالیم امر باید با آنان نوعی رفتار نمایند که نه حسّ مخالفت آنان برانگیخته شود و نه نشانه ضعف و سستی باشد. نه متعصّب باشند و نه در آزادی خواهی افراط کنند. بر حسب موقع محتاط باشند یا جسور، سریع العمل باشند یا صبور. روش مستقیم اختیار کنند یا غیر مستقیم، متحدی باشند و یا مماشات نمایند. بر حسب استعداد روحانی مخاطب صحبت دارند، ملاحظه نمایند که شخص از طبقه اشراف است یا از عوام، شمالی است یا جنوبی، از مردم عادی است یا از اصحاب کلیسا، سوسیالیست است یا طرفدار سرمایه داری، سیاستمدار است یا شاهزاده، هنرمند یا گرفتار فقر و فاقه، در ارائه پیام حضرت بهاءالله نه تزلزلی بخود راه دهند و نه احساس ضعف کنند، نه فقیر را بدیده تحقیر بنگرند نه غنی را بچشم تعظیم. در بیان حقائق نه بیش از حدّ اصرار ورزند و نه از حقیقتی که دفاع میکنند ذره ای بکاهند، خواه مستمع از دستگاه سلطنت باشد و یا از ارباب کلیسا، اهل سیاست باشد یا تجارت و یا شخص عادی. باید به جمیع از عالی و دانی، غنی و فقیر علی السویه با دست باز و قلب منیر و نطق فصیح و صبر لانهایه و خلوص تامّ و کمال حکمت با جرأت و شهامتی خلل ناپذیر این کأس نجات را در این ساعات خطیر بحرانی... برسانند" (۲۲)

۱. حضرت ولیّ امرالله می فرمایند بهنگام تبلیغ نه طریقه ما \_\_\_\_\_ باشد نه با \_\_\_\_\_، بیان \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ بنحوی باشد که نه \_\_\_\_\_ باشد نه \_\_\_\_\_.
۲. بیان ما نه باید \_\_\_\_\_ همراه باشد نه با \_\_\_\_\_ مفراط.
۳. بیان ما نه \_\_\_\_\_ و نه \_\_\_\_\_ باید \_\_\_\_\_ را در نظر گرفت. و \_\_\_\_\_ بود. باید از \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ استفاده نمود.

۴. در هنگام تبلیغ باید بر \_\_\_\_\_ مخاطب، او را تبلیغ کرد. خواه از طبقه اشراف و یا \_\_\_\_\_ خواه شمالی باشد خواه \_\_\_\_\_ فرد عادی باشد و یا \_\_\_\_\_ سرمایه‌دار و یا خواه \_\_\_\_\_ سیاستمدار و یا \_\_\_\_\_ هنرمند و یا \_\_\_\_\_.
۵. نه در مقابل فقرا \_\_\_\_\_ بود نه در برابر \_\_\_\_\_.
۶. در بیان حقایق امرالله نه باید \_\_\_\_\_ کرد و نه ذره‌ای از \_\_\_\_\_ کرد خواه شنونده \_\_\_\_\_ باشد خواه \_\_\_\_\_ خواه \_\_\_\_\_ خواه \_\_\_\_\_ یا \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_.
۷. باید بجمع از \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ با دست \_\_\_\_\_ و قلب \_\_\_\_\_ و نطق \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ بیحد و خلوص \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ حکمت با جرات و شهامتی \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_ نجات را در این ساعات خطیر بحرانی برسانیم.

### قسمت شانزدهم

- اکنون اجازه دهید نصّ بالا را با دقت مورد بررسی قرار داده و کوشش کنیم بعضی از مفاهیم عملی آنرا پیدا کنیم.
۱. بر طبق آنچه در نصّ خوانده شد، در حین ابلاغ امر، نباید سخنان تحریک آمیز بر زبان آوریم. چند صحنه در زیر مجسم شده است. در مقابل متنی که صحبت شما تحریک آمیز محسوب می‌شود ضریدر بگذارید.
- \_\_\_\_\_ در مکالمه با فردی مؤمن به دین دیگر بمنظور نشان دادن این واقعیت که بشریت به ظهور جدید نیاز دارد، مطلب خود را با جلب توجه وی به تمام اشکالاتی که در دیانت او بوجود آمده شروع می‌کنید.
- \_\_\_\_\_ به یک فرد بسیار متدین از مذهب دیگر توضیح می‌دهید که مظاهر ظهور الهی مانند آئینه‌هایی هستند که نور خورشید را منعکس می‌کنند. آنها صفات الهی را بازتاب و خصایص الهیه را آشکار می‌کنند. گرچه ممکن است آئینه‌ها متفاوت باشند، ولی همگی نور یک آفتاب را منعکس می‌کنند. به این ترتیب، به او یاری می‌کنید تدریجاً این نکته را درک کند که با پذیرفتن حضرت بهاءالله پیامبران پیشین را نفی نکرده است.
- \_\_\_\_\_ فردی را تبلیغ می‌کنید که مطمئن نیست آیا به خداوند اعتقاد دارد یا نه. سخن خود را با ذکر این مطلب که حضرت بهاءالله مظهر ظهور کلی الهی هستند آغاز می‌کنید.

\_\_\_\_\_ گروه کوچکی در خانه شما جمع شده‌اند. بیشتر افراد حاضر تا کنون علاقهٔ مختصری به امر نشان داده‌اند و شما فقط سعی می‌کنید تعالیم امر را به ایشان معرفی نمایید. در ضمن صحبت مؤکداً بیان می‌کنید که در آینده، همهٔ مردم بهائی خواهند شد.

\_\_\_\_\_ صحبت خود را با فردی که همه‌گونه اسباب آسایش را در زندگی دارد، اینگونه آغاز می‌کنید که ثروت حجابی است بین انسان و خداوند.

\_\_\_\_\_ با یک نفر از روحانیون مذهبی آشنا شده‌اید که به امر جلب شده است و از شما می‌خواهد که دربارهٔ اصول تعالیم حضرت بهاء‌الله توضیح بدهید. اولین چیزی که به او می‌گوئید اینست که در این عصر و زمان خداوند، طبقهٔ روحانیون مذهبی را از بین برده است.

۲. هنگامی که ابلاغ امر می‌کنیم، نباید بی تفاوت و بی‌حال باشیم. در کدامیک از موقعیتهای زیر، شما به سادگی و با سستی رفتار می‌کنید؟ جلوی آن ضریدر بگذارید.

\_\_\_\_\_ فردی از شما می‌پرسد چه امتیاز خاصی در دیانت بهائی وجود دارد. شما پاسخ می‌دهید: "این دیانت هم مانند سایر مذاهب است. اصل آن بر پایهٔ مهربانی و عشق به هم‌نوع است."

\_\_\_\_\_ روش تبلیغی شما اینست که به دیگران نشان دهید امر بهائی، مجموعه‌ای از تعالیم شریفی است که هر فردی می‌تواند بپذیرد. شما می‌گوئید به عنوان مثال "تأسیس صلح" چه کسی به آن معتقد نیست؟ وقتی که به امر از این طریق جلب شدند، آنان را به خود وا می‌گذارید. بعضی مواقع به ایشان می‌گوئید اگر مایل باشند، می‌توانند کتابی از شما گرفته مطالعه نمایند. این حداکثر کاری است که شما انجام می‌دهید.

\_\_\_\_\_ شخصی که نزدیک است امر را قبول کند از شما در مورد امور مالی و تبرّعات می‌پرسد. همهٔ پاسخ شما این است: "مطمئناً، مانند هر کار دیگری در زندگی، برای انجام امور پول مورد نیاز است. اما شما فقط اگر بخواهید تبرّع می‌دهید."

\_\_\_\_\_ شخصی که نزدیک است امر را قبول کند از شما در مورد امور مالی و تبرّعات می‌پرسد. شما به او می‌گوئید تبرّع به صندوق امر وظیفهٔ مقدّس هر فرد مؤمن است و اهمیّت روحانی فداکاری را توضیح می‌دهید، که به معنی گذشتن از چیزی پائین‌تر برای دریافت آنچه بالاتر است، می‌باشد. به او خاطر نشان می‌کنید که: "تبرّع به صندوق، یک جزء اساسی برای ساختن یک دنیای بهتر است."

\_\_\_\_\_ دوستی که مدّتی است دربارهٔ امر مطالعه می‌کند از شما می‌خواهد که در مورد مفهوم عهد و میثاق ابدی به او توضیح دهید. به او می‌گوئید که این موضوع بسیار ساده‌ای است: "قراردادی است بین خداوند و

بشر. هر از گاهی خداوند متعال، پیامبری ارسال می‌کند و ما او را شناخته و سعی می‌کنیم آنچه او می‌فرماید را اطاعت کنیم."

۳. به هنگام تبلیغ در معرفی امر نباید متعصب و افراطی باشیم. چند صحنه در زیر مجسم شده است. در جلوی هر کدام که به نظرتان معرفی شما با تعصب همراه است ضربدر بگذارید.

\_\_\_ شخصی که در باره امر تحقیق می‌کند از شما می‌پرسد بهائی بودن چگونه است. به او می‌گوئید که بهائی بودن، مسئله ساده‌ای نیست. "باید همه چیز خود را به امر تسلیم کنی، به او توضیح می‌دهید این مسئله همه یا هیچ است."

\_\_\_ در جلسه‌ای که در منزل خودتان ترتیب داده‌اید از گروهی که برای اولین بار درباره امر بهائی می‌شنوند می‌خواهید که دستهای یکدیگر را گرفته و تشکیل دایره داده و با هم "الله ابهی" بخوانند.

\_\_\_ می‌خواهید یک نفر مؤمن به دیانت دیگری را تبلیغ کنید، صحبت خود را اینگونه شروع می‌کنید که دوره دیانت وی به پایان رسیده است. او باید مذهب خود را ترک کند. به او می‌گوئید: "حضرت بهاء‌الله پیامبر این عصر و زمان از طرف خداوند آمده است. باید گذشته را بدور اندازی."

\_\_\_ چند نفر را به منزلتان دعوت کرده‌اید و می‌خواهید در مورد امر با ایشان صحبت کنید. در هنگام ورود چند نفر از آنها با هم شوخی و خنده می‌کنند. شما از این موضوع ناراحت می‌شوید ولی به روی خود نمی‌آورید. ولی اولین موضوعی که در آغاز صحبت خود عنوان می‌کنید اینست که تحقیق درباره امر مسئله‌ای جدی است.

\_\_\_ عده‌ای را به منزلتان دعوت کرده‌اید که درباره امر با ایشان صحبت کنید. در بدو ورودشان متوجه می‌شوید که آنها مضطربند، شما محفل را با گفتن یک داستان فکاهی آغاز می‌کنید. در پایان همگی می‌خندند و احساس آرامش می‌کنند. بعد صحبت خود را درباره امر شروع می‌کنید.

\_\_\_ درباره امر با فردی صحبت می‌کنید. او با یکی از نکاتی که شما بمیان آوردید موافق نیست. شما با او جرّ و بحث کرده به او می‌گوئید که از روی کتابهای مقدّسی که او به آن معتقد است به او نشان می‌دهید که اشتباه کرده است.

\_\_\_ درباره امر با کسی صحبت می‌کنید. او با یکی از نکاتی که متذکر شده‌اید موافق نیست. بخوبی می‌بینید که او نسبت به موضوع بسیار حسّاس است. احساسات او را در مورد موضوع تصدیق می‌کنید و می‌گوئید: "اگر میل داشته باشید می‌توانیم روز دیگری درباره این موضوع با هم صحبت کنیم. اما مطالب زیادی است که هر دو بر آنها توافق داریم. اجازه دهید امروز آن مطالب را با هم تحقیق و بررسی کنیم."

\_\_\_\_\_ احکام دیانت بهائی را برای دوستی تشریح می‌کنید. به او می‌گوئید "اطاعت از احکام الهی جوهر دیانت است." علت نابسامانی جهان امروز، عدم پیروی از احکام حضرت بهاء‌الله است. هر نفسی که اوامر آن حضرت را اطاعت ننماید در جهان بعد مورد دادرسی قرار خواهد گرفت.

\_\_\_\_\_ احکام امرالله را برای دوستی تشریح می‌نمائید. به او می‌گوئید "حضرت بهاء‌الله بما می‌فرمایند که احکامشان چراغ‌های عنایتند، اوامر آن حضرت روشنایی بخش راه ماست و ما را بسوی سعادت حقیقی رهبری می‌کند با وجود این ما هنوز کامل نیستیم و گاهی اوقات اشتباه می‌کنیم. اما وقتیکه حضرت بهاء‌الله را می‌پذیریم و به درگاهش دعا می‌نمائیم، آن حضرت بما تأیید می‌رسانند که بر نقائص خود فائق گردیم و به ما نیرو و قدرت عطا می‌فرمایند که اوامرشان را اطاعت کنیم."

\_\_\_\_\_ شخصی را برای اولین بار ملاقات می‌نمائید و به او می‌گوئید: "گرچه ما یکدیگر را نمی‌شناسیم، ولی شما مانند خواهرم هستید. می‌خواهی بدانی چرا؟ زیرا من یک بهائی هستم و حضرت بهاء‌الله مظهر ظهور الهی برای امروز بما فرموده است که تمام بندگان را دوست بداریم. من در چهره هر فرد انسانی جمال حق را می‌بینم."

۴. هنگام تبلیغ امر، باید از آزاد اندیشی مفرط احتراز کنیم. تصمیم بگیرید که در کدامیک از موقعیتهای زیر آزاد اندیش هستید. جلوی آن ضریدر بگذارید.

\_\_\_\_\_ کسی که درباره امر تحقیق می‌کند از شما می‌پرسد که آیا در جامعه بهائی رهبرانی وجود دارند. شما پاسخ می‌دهید: "ما در جامعه بهائی رهبر مذهبی و کشیش یا آخوند نداریم که واسطه بین ما و خداوند باشند. ما همگی بر طبق وجدان خود عمل می‌کنیم. کسی بما نمی‌گوید چه کنیم."

\_\_\_\_\_ کسی که درباره امر تحقیق می‌کند از شما می‌پرسد آیا در جامعه بهائی رهبرانی وجود دارند. شما پاسخ می‌دهید: "جامعه بهائی امور خود را از طریق نظم اداری جهانی، انجام می‌دهد، که شامل انتخابات آزاد شوراهای در سطح محلی و ملی است که محافل ملی و محلی نامیده می‌شوند. همینطور گروهی از احبای ممتاز بعنوان مشاورین منصوب می‌شوند که مشوق احباء و محافل هستند. همه این مؤسسات تحت نظر مرکز جهانی دیانت بهائی، بنام بیت العدل اعظم الهی است."

\_\_\_\_\_ به کسی امر الهی را ابلاغ می‌نمائید، او می‌گوید آنچه در مورد دیانت بهائی شنیده دوست دارد بجز اینکه بهائی‌ها به تناسخ اعتقاد ندارند. شما می‌گوئید: "این مسئله اشکالی ندارد، چون بهائی‌ها به وحدت در کثرت معتقدند. این به معنای کثرت در عقاید هم می‌باشد."

\_\_\_\_\_ فردی از شما می‌پرسد که چگونه بهائی‌ها دین خود را منتشر می‌کنند. شما بسادگی می‌گوئید که بهائی‌ها دیانت خود را تبلیغ نمی‌کنند. "ما حیات بهائی داریم و وقتی مردم از ما بپرسند ما به سؤالشان جواب می‌دهیم و درباره امر اطلاعاتی در اختیارشان می‌گذاریم."

\_\_\_\_\_ شخصی که مطالبی چند درباره امر خوانده و به امر ابراز علاقه نموده است از شما معنی دیانت را می‌پرسد. شما به او جواب می‌دهید: "دین یک مسئله فردی است. راه زندگی است. چیزی است که فقط می‌توانید در قلب خود احساس کنید. در امر بهائی البته مقداری احکام وجود دارد ولی شما لازم است فقط آنچه را که وجدانتان اجازه می‌دهد اطاعت کنید."

\_\_\_\_\_ شخصی که مطالبی درباره امر خوانده و به امر ابراز علاقه نموده است از شما معنی دیانت را می‌پرسد. شما پاسخ می‌دهید: "جوهر دیانت خداشناسی از طریق پیامبر الهی و پیروی از تعالیم اوست."

\_\_\_\_\_ شخصی را که تبلیغ می‌کنید از شما می‌پرسد نظم اداری بهائی چیست. شما پاسخ می‌دهید: "خوب، می‌دانید که دیانت بهائی باید برنامه‌ای برای نظم اداری داشته باشد. ما دارای مؤسساتی هستیم که محافل روحانی نامیده می‌شوند. این محافل بطور آزاد انتخاب می‌شوند و هیئت حاکمه هستند که هرکدام نه نفر عضو دارد. این هیئت‌ها امور اداری دیانت بهائی را در سطح محلی و ملی بعهدہ دارند، اما شما فقط موقعی باید از آنها اطاعت کنید که وجدانتان اجازه دهد."

\_\_\_\_\_ با عده‌ای از دوستان درباره مفهوم تعلیم و تربیت کودکان در دیانت بهائی صحبت می‌کنید. بعد می‌گوئید: "نظریه دیانت بهائی اینست که بچه‌ها معصوم دنیا می‌آیند، اگر دوستشان داشته باشیم و یارشان کنیم تا آنچه را خداوند در نهادشان بودیعه گذاشته نشو و نما کنند، افراد بسیار خوبی خواهند شد."

\_\_\_\_\_ با عده‌ای از دوستان درباره مفهوم تعلیم و تربیت کودکان در دیانت بهائی صحبت می‌کنید. بعد می‌گوئید: "دیانت بهائی بما می‌گوید که کودکان استعداد خوب بودن دارند، اما تمایلاتی دارند که باید بآنها توجه نمود. اطفال به آموزش و پرورش نیازمندند تا راه درست را در پیش بگیرند و توانایی‌هایی را که در ایشان ودیعه گذاشته شده پرورش دهند."

۵. مشخص نمایند کدامیک از این پاسخ‌ها مناسب موقعیت‌های زیر در فعالیت‌های تبلیغی شماست. ممکن است یک یا چند جواب، مناسب هر موقعیت باشد.

الف: محتاط بودن

ث: استفاده از روش مستقیم

ب: جسور بودن

ج: استفاده از روش غیر مستقیم

پ: سریع عمل کردن

چ: مبارزه طلب بودن

ت: آهسته پیش رفتن

ح: مسالمت‌آمیز بودن



\_\_\_\_\_ شخصی با هیجان وارد محلّ اجتماعات بهائی می‌شود و می‌گوید مطالبی راجع به دیانت بهائی در یک جزوه خوانده و مایل است بیشتر درباره حضرت بهاءالله بدانند. توضیح می‌دهد که همیشه با خود می‌اندیشیده که خدا هرگز بندگان خود را فراموش نمی‌کند و برایشان پیامبر دیگری می‌فرستد.

\_\_\_\_\_ شما و خانواده‌تان به روستایی نقل مکان کرده‌اید و کسی را در آنجا نمی‌شناسید. مدّت کوتاهی بعد از ورود شما همسایه‌تان به دیدن شما می‌آید و خودش را معرفی کرده و خوش آمد می‌گوید. در همین دیدار او توضیح می‌دهد که روستائیان با هم در عقیده مذهبی شان بسیار متّحدند و خوششان نمی‌آید که ادیان "دیگر" بیابند و بین آنها تفرقه بیاندازند.

\_\_\_\_\_ شما و خانواده‌تان به روستایی نقل مکان کرده‌اید و کسی را در آنجا نمی‌شناسید. مدّت کوتاهی بعد از ورود شما همسایه‌تان به دیدن شما می‌آید و خودش را معرفی کرده و خوش آمد می‌گوید. او متوجّه عکس حضرت عبدالبهاء که شما در منزل جدید گذاشته‌اید، می‌شود. می‌پرسد: "این شخص کیست؟"

\_\_\_\_\_ به سازمانی متشکل از گروهی که طرفدار صلح هستند، پیوسته‌اید. یکی از افراد مجذوب عقایدی که شما بیان کرده‌اید، شده است و قطعاً معتقد است که تنها راه تغییر واقعی در جامعه از طریق اقدام احزاب سیاسی است. او هر بار که گروه جلسه دارد با علاقمندی سعی می‌کند با شما صحبت کند.

\_\_\_\_\_ یکی از افرادی که با شما کار می‌کند در موقعیت‌های گوناگون بشما گفته است که به وجود خدا اعتقاد ندارد. ولی به بسیاری از اصول مربوط به مسائل اجتماعی از جمله، تساوی حقوق زن و مرد و نیاز به آموزش همگانی که شما در باره آن صحبت کرده‌اید علاقمند است.

\_\_\_\_\_ در یک جلسه در روستا با شرکت رئیس یکی از احزاب سیاسی ناحیه، شما چند نظریه در مورد آموزش کودکان را مطرح می‌کنید. بعد از جلسه رئیس حزب به نزد شما آمده و با شما صحبت می‌کند. می‌گوید که او می‌داند شما بهائی هستید و بسیاری از پیشنهادهای شما را می‌پسندد و دوست دارد. او علاقه‌مند است بیشتر در مورد امر بی‌آموزد.

\_\_\_\_\_ یکی از بهائیان جدید، شما را به منزلش می‌برد تا با خانواده‌اش آشنا شوید. آنها نسبت به بهائی شدن وی اعتراض دارند و سعی دارند او را وادار کنند دیانت بهائی را ترک کند.

\_\_\_\_\_ یکی از بهائیان جدید، شما را به خانه‌اش می‌برد تا با خانواده‌اش آشنا شوید. او می‌گوید آنها خیلی به امر علاقه‌مند هستند و بی‌صبرانه منتظرند بیشتر در باره امر بشنوند.

\_\_\_\_\_ شما در کشوری زندگی می‌کنید که حکومت منع نموده بهائیان جلسات رسمی و اجتماعات بزرگ تشکیل دهند.

۶. یک مثال برای هر یک از عبارات های زیر بنویسید:

به فقراء با دیدهٔ حقارت نگریستن: \_\_\_\_\_

ترسو بودن در برابر بزرگان: \_\_\_\_\_

غلوکردن در بیان حقایق: \_\_\_\_\_

ذره ذره حقایق را کاهش دادن: \_\_\_\_\_

### قسمت هفدهم

در توفیق زیر، حضرت ولی‌امرالله بما خاطر نشان می‌سازند که در هر موردی باید به حضرت عبدالبهاء ناظر باشیم و بهترین و مناسبترین راه را در فعالیت‌های تبلیغی از ایشان اقتباس نمائیم:

"بگذارید نمونه‌ای را که حضرت عبدالبهاء بطور وضوح در برابر ما نهاده است در نظر آوریم. آن حضرت در کلیهٔ احیان با حکمت و مهارت کامل عمل می‌نمودند، در ملاقات‌های اولیه با دقت و توجه بیان مطلب می‌فرمودند، در سخنرانی‌های خود در مجامع عمومی وسیع النظرو با احاطهٔ کامل موضوع‌ها را تشریح می‌فرمودند، در تشریح تعالیم اساسی امرالهی با صبر و متانت حقایق را اعلام می‌نمودند، با شفقت و مهربانی و در عین حال با قاطعیت و لحنی مطمئن و عزمی راسخ و وقاری کامل تکلم می‌نمودند. این چنین بود خصائص ممتاز محبوب ما در ارائه امر نازنین حضرت بهاءالله." (۲۳) (ترجمه)

۱. همانگونه که سعی می‌کنید به حضرت عبدالبهاء اقتداء کنید، نحوهٔ کار شما در امر تبلیغ چگونه خواهد بود؟ \_\_\_\_\_

۲. وقتی که برای اولین بار با یک نفر روبرو می‌شوید سعی می‌کنید نحوهٔ برخورد شما چگونه باشد؟ \_\_\_\_\_

۳. صحبت‌های عمومی خود را چگونه توصیف می‌کنید؟

۴. چگونه توجه مردم را به حقایق امر جلب می‌کنید؟

۵. سعی دارید در ارائه نظریه و اقامه کلام چگونه باشید؟

۶. در مباحثات چگونه خواهید بود؟

۷. لحن صدای شما چگونه خواهد بود؟

۸. در اعتقاداتان به امرالله چگونه خواهید بود؟

۹. در رفتار و منش چگونه خواهید بود؟

حال نصّ فوق را از بر نمائید.

### قسمت هیجدهم

ما این قسمت را با یادآوری اینکه "بودن" و "عمل کردن" با یکدیگر مرتبط است و جزء مکمل و جدائی ناپذیر حیات روحانی است آغاز نمودیم. سپس چندین قسمت را به بررسی بعضی از صفات روحانی که باید ضمن شرکت در فعالیت‌های تبلیغی منظم و مستمر پرورش دهیم، اختصاص دادیم. بحث ما درباره فروتنی و تواضع ما را بسوی پرورش حالت یادگیری سوق داد. بعد، به بحث در مورد چند رفتار مهم دیگر که مبلغ امر باید دارا باشد، پرداختیم. حال اجازه دهید یک قدم پیشتر رفته و کیفیت رابطه خود را با آنهایی که تبلیغ می‌کنیم بررسی نمائیم. این روابط باید چگونه باشد؟ آثار مبارکه در این مورد بما چه می‌فرماید؟

اولین مفهومی که احتمالاً بذهن می‌آید معاشرت و دوستی است. به طور وضوح در زمینه نقشه تبلیغ فردی، ایجاد دوستی و مرافقت با مردم بسیار ضروری است. این توانایی، حتی در پروژه‌های خاصی، که باید ما به افرادی که با ایشان آشنایی نداریم ابلاغ کلمه کنیم، بسیار حیاتی بنظر می‌رسد. زیرا این توانایی باعث می‌شود که نحوه برخورد ما با ایشان، و نحوه صحبت با آنها و موفقیت ما در تقلیب قلوبشان مؤثرتر باشد.

سؤالی که باید از خود پرسیم اینست که چگونه توانایی ایجاد روابط دوستی با مردم را پرورش دهیم. خلق و خوی ما البته بسیار متفاوت است. بعضی از ما، یا بجهت تربیت خانوادگی و یا صفات ذاتی، دوست یابی برایمان

آسانتر است. برخی براحتی می‌توانند باب مکالمه را با مردم بیگانه آغاز کنند. گروهی خجالتی هستند و این کار برایشان ساده نیست. با این وجود ما دارای هر نوع شخصیتی که باشیم باید درک کنیم که با کوشش هشیارانه میتوان با مردم با روح و ریحان معاشرت کرد. آثار مبارکه، حاوی راهنمائیهای متعدّد و ذیقیمتی در این خصوص می‌باشد که چند نمونه آن ذیلاً درج گردیده است. عبارتهای داخل گیومه، مستقیماً از آثار مبارکه گرفته شده است. پیشنهاد می‌گردد که آنها را چندین بار بخوانید و در گروه خود بحث کنید.

به ما گفته شده که " پرده بیگانگی " را از میان برداریم و " همه را دوست خود بشماریم ". از ما انتظار می‌رود که " تمام ملت‌ها و جوامع دنیا را دوست بداریم " نظر به " دشمنی و جبر و امیال شیطانی و آزار و اذیت " نیفکنیم بلکه ناظر به " افق ابهی " باشیم و هریک از آفریده‌های خداوند را " آیت الهی " بدانیم. از ما خواسته شده است که در " نهایت محبت و ملاحظت " با " یار و اغیار معاشرت و مراقت " نمائیم و به " استحقاق و قابلیت دیگران " نظر نکنیم.

اگر نفسی در " طلب مجادله " باشد، ما باید در پی " مصالحه " باشیم. اگر ما را سرزنش کند ما باید او را " تحسین " نمائیم. اگر به ما " سم مهلک " بدهد ما باید به او " داروی شفابخش " تعارف کنیم. اگر او سبب " ممات " گردد، به او " زندگی سرمدی " ببخشیم. اگر او " خار " شود ما " گل و سنبل " گردیم.

باید تلاش نمائیم تا " همه ملل و جوامع عالم، حتی دشمنان " به ما " اطمینان و اعتماد نمایند ". اگر فردی " صد هزار بار دچار خطا شود " باید بتواند به ما " روی آورد " و " امیدوار " باشد که مورد بخشش ما قرار می‌گیرد. زیرا او نباید " ناامید، محزون و افسرده " شود.

ما باید با " تمام قوا بیکدیگر کمک نمائیم و زندگی ابدی طلبیم " و " نشانه رحمت و عنایت " حق باشیم.

به ما گفته شده که با دیگران " همدردی " کنیم. با " لطافت خاصی " در آنها " روح حیات " بدمیم و " بسوی حق آنها را ندا دهیم " ما باید " محبت و اتحاد را بهشت مطلوب بدانیم، و کدورت و خصومت رانار جحیم شماریم ".

باید مراقب باشیم که " سبب آزار نفسی نگردیم و قلبی را محزون نکنیم ". نباید " به احساسات دیگران صدمه وارد نمائیم حتی اگر فردی بدکردار باشد ". به ما دستور داده شده که " به آفریده نظر نکنیم " بلکه ناظر " به آفریدگار " باشیم.

از ما خواسته شده است که خود را " برای رفاه دیگران فدا کنیم " و " تسلی دهنده مهربان به همه اهل عالم شویم ". باید گریان از " بدبختیهای مخلوق پروردگار " و " محزون از غموم " اطفال خداوند باشیم. ما باید " به جمیع مردم مهربان و دارای درد هر مبتلا در دنیا " گردیم.

از ما خواسته شده که "پدر مهربان یتیمان و پناه بینوایان و ملجأ فقیران و داری دردمندان" باشیم. باید "نصیر هر ستمدیده‌ای و رفیق هر ناامیدی باشیم". همواره باید در فکر "خدمت به هر فردنوع بشر باشیم".

باید "جهد نمائیم" تا میتوانیم "قلوب را طاهر کنیم" و "کوشش نمائیم تا نفوس را مسرور نمائیم". "بهر کسی" برخورد می‌کنیم "نیکی کنیم" و "نفعی به او برسانیم". همت نمائیم تا "اخلاق عموم اصلاح و افکار منیر گردد. وظیفه ما "فراخواندن " مردم بسوی خدا و " دعوت " عالم بشر به " پیروی از مثل اعلامی خود در ملکوت ابهی " است.

اگر تمنای ما " لطافت قلوب " و هدایت دوستان در "ظلّ شجرة حیات" است، می‌باید "استقامت و صداقت" نشان بدهیم. "خلوص و پشتکاری" ما باید "روز به روز افزایش یابد" تا به "قوت حقیقت"، "قلوب را لطافت بخشیم" و "نفوس را بیدار کنیم" باید "چنان قدرت و استقامت نشان دهیم که باعث حیرت ناظرین شود".

از ما خواسته شده که "به مردگان حیات بخشیم و خفتگان را بیدار نمائیم". "در تاریکی عالم" "مشعل‌های فروزان" باشیم. در صحراهای مهلک "چشمه‌های آب حیات" و "سلسبیل هدایت الهی" باشیم.

شاید مایل باشید نصّ ذیل را از آثار حضرت عبدالبهاء حفظ کنید:

" و انتم یا احباء الله ثبتوا اقدامکم علی امرالله ثبوتاً لا یزلزله اعظم حوادث فی الدنیا لا تضطربوا من شیئی فی حال من الأحوال کونوا کالجبال الراسیات و نجومها بازغة من افق الکائنات و سرجاً لامعة فی مجامع التوحید و نفوساً خاضعة لاحباء الله بقلب سلیم. کونوا آیات الهدی و انوار التقی منقطعین عن الدنیا متشبثین بالعروة الوثقی ناشرین لروح الحیة راکبین علی سفینة النجاة مظاهر الجود مطالع اسرار الوجود مهبط الالهام و مشارق الأنوار مؤیدین بروح القدس منجذبین الی الحق منزهین عن کلّ الشئون مقدّسین عن أوصاف البشر متخلّقین باخلاق ملائكة السماء حتی تفوزوا بالموهبة الكبرى فی هذا القرن العظیم و العصر الجدید." (۲۴)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: شما ای احبای الهی قدمهائتان را بر امر پروردگار ثابت و استوار بدارید، تا جائی که حتی بزرگترین پیشامدهای عالم تزلزلی در شما ایجاد ننماید. در هیچ موقعیتی از هیچ چیز مضطرب نشوید، همانند کوه پا برجا باشید، همچون ستاره‌های درخشان از کرانه‌های عالم هستی طلوع نمائید و چون سراج منیر در مجامع توحید پرتو افکنید و با دلی صاف و پاک در برابر احبای خدا فروتنی نمائید. آیات هدی شوید و انوار تقی گردید. از دنیا و مافیها منقطع شده به ریسمان محکم الهی چنگ زنید. ناشر روح حیات و راکب سفینه نجات باشید. مظهر سخاوت و بخشش ایزدی شده، بیانگر اسرار آفرینش شوید. مهبط الهام و مشرق انوار گردید. مؤید به تأییدات روح القدس شوید. خود را مفتون و مجذوب حق نمائید. از همه شئون عالم

پاک شوید. از اوصاف بشر مقدس گردید و به اخلاق و صفات ملائکه آسمان متخلّق و آراسته شوید تا از موهبت بزرگی که برای این قرن عظیم و عصر جدید مقدر شده نصیب برید.

## قسمت نوزدهم

همانگونه که با همه مردم با روح دوستی و محبت معاشرت می‌کنیم و می‌کوشیم که حیات بهائی داشته باشیم، دیگران را به امر مبارک جلب می‌کنیم. البته انتظار نمی‌رود که ما از هر جهت کامل باشیم و یا ادعا نمی‌کنیم که میرا از هر عیبی هستیم. با این حال به همان حدی که صفات بهائی را نشان می‌دهیم به آن ممتاز شده و بر اطرافیان خود تأثیر می‌گذاریم. در این مفهوم است که اغلب صحبت از تبلیغ به اعمال می‌شود. ولی باید مراقب باشیم که عبارت "تبلیغ به عمل" بهانه‌ای برای تبلیغ نکردن نشود. درست است که باید به صفات معنوی، خصوصیات، رفتار و درستی و راستی در کردار خود توجه خاص داشته باشیم. اما این نباید باعث شود که فراموش نمائیم بیان ما، مفتاح مدائن قلوب است. برای روشن شدن این موضوع، بیائید به دو دسته از نصوص مقدسه توجه کنیم و با هم مفهوم هر دو دسته را درک کنیم. اول نصوص ذیل را بخوانید:

"و منکم من اراد ان یبلغ امر مولاه فلینبغی له بان یبلغ اولاً نفسه ثم یبلغ الناس لیجذب قلوب السامعین و من دون ذلك لن یؤثر قوله فی افئدة الطالبین". (۲۵)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: کسی از شما که قصد تبلیغ امر مولای خود را دارد، شایسته است که قبل از هر چیز ابتدا به تبلیغ خویش پردازد، پس از آن مردم را تبلیغ کند، تا کلامش قلوب سامعین را جذب کند، در غیر این صورت کلام او در دلها تأثیری نخواهد گذاشت.)

"فقط و فقط یک موضوع می‌تواند بلا تردید و به تنهایی مظفریت بیچون و چرای این امر مقدس را تضمین کند و آن این است که بینیم حیات معنوی و صفات و سجایای خصوصی ما تا چه درجه تعالیم سرمدی شریعت حضرت بهاءالله را در جلوه‌های گوناگون آن منعکس می‌سازد." (۲۶) (ترجمه)

"هر نفسی الیوم بجنود اخلاق و تقوی نصرت نماید و لله و فی سبیل الله بر خدمت قیام کند البته آثارش در اشطار ظاهر و هویدا گردد...." (۲۷)

"اعمالشان فریاد بر آورد که من بهائی هستم تا سبب ترقی عالم انسانی شوند."

"اگر انسان با اعمال بهائی قیام و رفتار کند هیچ قول لازم ندارد. اعمال است که جهان را ترقی داده. اعمال است که این مدنیت را ترویج کرده. اعمال است که این صنایع را آشکار کرده. اعمال است که این اکتشافات را ظاهر کرده اعمال است که عالم مادی را به این درجه رسانده اگر چنانچه اعمال نبود اقوال بود آیا ممکن بود این مدنیت مادی حاصل شود. پس باین برهان میتوانیم استدلال کنیم که روحانیات هم نظیر

مادیاتست. اعمال اهل ملکوت سبب حیات قلوب میشودند اقوال. اعمال خیریه سبب مسرت وجدان میشود فضائل عالم انسانی سبب نورانیت بشر میشود". (۲۸)

حال نصوص ذیل را مطالعه کنید:

"چنین اوقات یاران الهی فرصتی یابند و وقت غنیمت شمردند و جولان کنند و از این میدان گوئی بریابند و اگر کار ایشان منحصر به حُسن سلوک و موعظه حَسنه باشد، کاری از پیش نرود باید لسان به بیان برهان گشود و اقامه ادله واضح و حجت قاطعه بر ظهور شمس حقیقت نمود." (۲۹)

"پس نظر به استعداد خود نکن نظر به فضل بی منتهای جمال ابهی نما که فیضش شامل است و فضلش کامل." (۳۰)

"توجه به ملکوت الهی کن و استفاضه از فیض روح القدس و زبان بگشا تأییدات روح می رسد." (۳۱)

"ان یا احباء الله لا تستقروا علی فراش الرّاحة و اذا عرفتم براءکم و سمعتم ما ورد علیه قوموا علی النّصر ثم انطقوا و لا تصمتوا اقلّ من آن و ان هذا خیر لکم من کنوز ما کان و ما یکون لو انتم من العارفين." (۳۲)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای احبای الهی بر بستر راحت نیارمید در آن لحظه که پروردگار خود را شناختید و از آنچه بر او گذشته آگاه شدید بی درنگ بر نصرت امر او قیام کنید. زبان بگشائید و آنی ساکت نشینید. این از تمام گنجینه هائی که از قبل بوده و من بعد خواهد بود برای شما با ارزشتر است، اگر واقف باشید.)

"اگر یاران الهی همیشه منتظر می شدند تا کاملاً شایسته انجام کار خاصی شوند، کار امر تقریباً دچار وقفه می گردید. اما همین کوشش برای خدمت، با وجود احساس عدم شایستگی و لیاقت، تأییدات الهی را جذب می کند و فرد را قادر می سازد تا برای انجام وظیفه آماده گردد.

"امروز نیاز بشریت به شنیدن پیام الهی آنچنان شدید است که احباء باید، هر کجا و هر طور که بتوانند، بدون در نظر گرفتن نقائص خاص خود بلکه با در نظر گرفتن نیاز مبرم هم نوعان خود برای استماع تعالیم الهی در این تاریکترین ساعات حیات عالم انسانی کاملاً در این وظیفه غرق شوند." (۳۳) (ترجمه)

اگر دسته اول نصوص را از سایر آثار مبارکه در مورد تبلیغ که فقط چند مثال از آنها در سری دوم نصوص در این قسمت آمده جدا کرده و فقط بر آنها تمرکز کنیم شاید آنها را بهانه خوبی برای تبلیغ نکردن قرار دهیم. وقتی در این دام می افتیم که اشتهاً به این نتیجه برسیم که وظیفه اصلی ما تکامل رفتار و اخلاق خودمان می باشد تا حدی که کمال معنوی ما به مرحله ای برسد که برای تبلیغ نیازی به کلمات نباشد زیرا دیگران چنان مجذوب ما می گردند که برای تحقیق در امر مبارک خودشان اقدام می کنند. در عین حال می دانیم اگر چه حضرت عبدالبهاء مثل اعلاّی حیات بهائی بودند، از قدرت بیان مبارک بهره جسته و در هر فرصت مناسبی در باره امر مبارک صحبت می کردند.

نکته‌ای که دانستن آن اهمیت دارد این است که مفهوم دسته اول از بیانات راجع به روش تبلیغ نیست. این بیانات حقائق عمیق روحانی در مورد تأثیر صفات معنوی و قوه اعمال حسنه و رفتار نیک را آشکار می‌سازد. به ما یادآوری می‌کند که اعمال ما نباید با اقوال ما متناقض باشد. مثلاً اگر نفسی بدیگران در باره صداقت تعلیم می‌دهد، باید صمیمانه بکوشد که صادق باشد.

بطور کلی منطقی نیست که موضوع گسترده و عمیقی مانند تبلیغ را در نظر گرفت و بر اساس یک یا دو نص مبارک نتایج کلی گرفت.

با در نظر داشتن این افکار، بیایید به قسمت قبلی برگشته و در مورد آیات مبارکه فوق اندیشه نمائیم. جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

۱. کسی از شما که قصد تبلیغ امر مولای خود را دارد، شایسته است که: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۲. تا وقتی که شخص ابتدا به تبلیغ خود نپردازد: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۳. فقط و فقط یک موضوع می‌تواند بالاتر دیند و به تنهایی مظفریت قطعی این امر مقدس را تضمین کند و آن \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_
۴. هر نفسی الیوم، به \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ نصرت نماید و للهوفی \_\_\_\_\_ بر خدمت قیام نماید البته آثارش در \_\_\_\_\_ گردد.
۵. زیرا اعمال است که \_\_\_\_\_ و سبب \_\_\_\_\_.
۶. اگر بهائی حقیقی باشیم \_\_\_\_\_ اعمال ما فریاد بر می‌آورد که \_\_\_\_\_.
۷. اعمال است که \_\_\_\_\_. اعمال است که \_\_\_\_\_ اعمال \_\_\_\_\_ است که \_\_\_\_\_.
۸. چنانچه اعمال نبود اقوال بود آیا ممکن بود \_\_\_\_\_.
۹. اهل ملکوت سبب \_\_\_\_\_ نه اقوال اعمال \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ خیریه \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_.



۱۰. اگر کار ایشان منحصر به حسن سلوک و موعظه حسنه باشد \_\_\_\_\_ . باید  
 \_\_\_\_\_ برهان‌گشود و \_\_\_\_\_ واضح و \_\_\_\_\_ بر  
 ظهورشمس حقیقت نمود.
۱۱. نظر به استعداد خود نکن نظر به \_\_\_\_\_ نما.
۱۲. توجه به ملکوت الهی کن و \_\_\_\_\_ و زبان بگشا  
 \_\_\_\_\_ .
۱۳. نباید در بستر راحت بیارامیم بلکه باید در آن لحظه که پروردگار خود را شناختیم و از آنچه بر او گذشته آگاه  
 شدیم \_\_\_\_\_ .
۱۴. زبان بگشاید و \_\_\_\_\_ این از تمام \_\_\_\_\_  
 برای ما باارزتر است.
۱۵. اگر همیشه منتظر می‌شدیم تا کاملاً شایستهٔ انجام کار خاصی شویم \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ .
۱۶. اما همین کوشش برای خدمت، با وجود احساس عدم شایستگی و لیاقت \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ .
۱۷. امروز نیاز مردم به شنیدن پیام الهی آنچنان شدید است که احباً باید \_\_\_\_\_ هر کجا و  
 هر طور که بتوانند، بدون \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ و با در نظر گرفتن \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ در تاریکترین ساعت حیات عالم انسانی \_\_\_\_\_ .

### قسمت بیستم

بیائید بخش صفات و رفتار مبلغ را با اندیشه و نظری دیگر به پایان برسانیم. در بخش قبل گفتیم که وقتی شخصی را تبلیغ می‌کنیم با یک موجود مجرد به نام "بشریت" صحبت نمی‌کنیم و مردم هم ظرفهای خالی نیستند که منتظرند با اطلاعات پر شوند. آنها امیدها و آرزوها، ترس‌ها و دشواری‌های خاص خودشان را دارند. به عنوان مبلغ امرالله، با روح آنها باید صحبت کنیم، همان روحی که برای عرفان حق و عشق به او خلق شده است. ما باید روح و قلب آنها را مخاطب قرار دهیم تا جرعهٔ ایمان را در آن برافروزیم و به ایشان یاری کنیم تا به شاطی بحر عرفان فائز شوند. در این قسمت یادداشتهای یکی از مؤمنین اولیهٔ غرب که روش حضرت عبدالهء هنگام ابلاغ پیام پدر

بزرگوارشان با آلهائی که ملاقات می نمودند را شرح می دهد ذکر می کنیم تا ما را برای بخش بعدی که عمل تبلیغ را بر ایمان دقیقاً توضیح می دهد آماده کند.

"در اثر تشویق هیکل مبارک زائر آن چه داشت ابراز می داشت و هر چه در بطون روح و قلبش برای مدت ها پنهان مانده بود ظاهر می ساخت و همین که از کلمات خالی می گردید حضرت عبدالبهاء فوراً به جواب بر نمی خاستند، سکوت می فرمودند، وعظ نمی کردند، نصیحت نمی نمودند، کمی چشم های مبارک را می بستند گوئی که از جهان های پنهان الهی منتظر تأیید و هدایت ربّانی می شدند و سپس در اعماق روح گوینده تفحص می فرمودند و با لبخندی که قلب را آب می کرد به چهره سائل می نگریستند. (۳۴)

"هرگز مجادله نمی فرمودند و ابدأ بسر یک کلمه نمی ایستادند، طرف را آزاد می گذاشتند. ابدأ با غرور و تسلط تکلم نمی فرمودند بلکه بالعکس دائماً در جمیع حالات و شئون تجسم عبودیت محضه بودند. تعلیم می دادند" اما چون کسی که هدیه ای نزد سلطانی میبرد. هیچ وقت به من نفرمودند من چه باید بکنم، فقط گاهگاهی تحسین از اعمال من می نمودند و ابدأ به من نفرمودند من به چه چیز بایستی عقیده و ایمان داشته باشم. حضرتش حقیقت و محبت را بقدری شکبیا و الهی میساختند که قلب بخودی خود متوجه آن میشد و احترام می گذاشت. با صوت مبارک خود با آداب و حالات خویش و یا لبخندی بمن نشان میدادند و میفهماندند که من باید چگونه باشم. ایشان می دانستند که از اراضی جیده وجود قطعاً روزی اثمار طیبه اعمال و کلمات سرسبز و خرم برون خواهد آمد.

"در جزئی ترین کلمه ای که تفوه میفرمودند و کوچکترین عملی که انجام میدادند امتزاج عجیبی در هیبت و سیطره و جلال و خضوع و اطمینان و قدرت مشاهده میشد. چقدر آرزو میکردم که به سرچشمه این مناقب عظیمه پی برده باشم. آیا چه عواملی در وجودشان موجود بود که اینقدر ایشان را با دیگران فرق میداد و الی غیر النهایه در جمیع نفوسی که ملاقات کرده بودم ایشان را افضل و اعلی میساخت." (۳۵)

"غالباً از محبت کامل و جامع ایشان و اثرات عمیقۀ اش در خودم بیان کرده ام. چقدر حتی از نفوسی که اطرافمان هستند آثار مهر و عطف و حقیقی را دریافت نمی کنیم و چه بسا که از نزدیکترین و عزیزترین نفوس خود نیز لمعه واقعی جهان محبت را مشاهده نمی نمایم محبت را بر اساس نقش خود استوار میسازیم و اثرات آن بسیار محدود و معدود است یعنی میتوان شمرد و از یک یا دو تجاوز نمی کند ولی انوار محبتی که از حضرت عبدالبهاء تجلی میکرد چنین نبود. تابش ایشان چون خورشید بر جمیع یکسان بود. هر کسی که در سرخی آن تابش قرار میگرفت حرارت و حیات تازه ای می یافت." (۳۶)

"هر موضوعی را که پیش آوردند حضرت عبدالبهاء با مهارتی بی حد در آن بحث فرمودند و در جمیع اوقات خضوع بنفوس و احترام بافکار و عقاید دیگران را در نظر داشتند. قبلاً راجع به شدت ادب هیکل مبارک بیان کرده ام ولی آنچه ایشان به کار می بردند خیلی بیش از کلمه و مفهومی است که بین غریبان متداول است. احترام کلمه ای است که در فارسی استعمال می گردد و شامل ادب و مراعات و ملاحظه میباشد

حضرتش جمال آب آسمانی را در هر وجهی میدیدند و روح انسانی را احترام شدید می‌گذاشتند محقق است که اگر انسان نفوس دیگران را تا این حد عالی و متعالی داند بطراز ادب و حلیه احترام مزین خواهد بود." (۳۷)

"در تمام فرصتهای عزیزی که زیارت حضرت عبدالبهاء مشرف میشدم و به بیانات مبارک گوش می‌دادم و یا با هیکل مبارک صحبت میکردم روز بروز بیشتر و عمیقتر تحت تأثیر طریقه تعلیم ایشان قرار می‌گرفتم ایشان دائماً روح را زنده می‌فرمودند. تنها نمی‌خواستند مطالبی را بمغز طرف فروکنند بلکه همه‌گانه در حین مفاوضه و تماس در جستجوی روح بودند و می‌خواستند جوهر و حقیقت هر نفسی را برون آرند و بخود او بنمایانند. البته می‌توانستند بقوه علم و منطق مباحث خود را ادامه دهند و این قوه را چه در خطابات مبارک که خود شنیده‌ام بکار برده‌اند و چه در آنهایی که خوانده‌ام ولی نه منطق ایشان منطق معلم مدرسه بود و نه علمشان علم مجامع درسی، بلکه کوچکترین حرکت و مختصرترین بیان و کلامشان و کمترین تماس و معاشرتشان تا اعماق روح اثر میکرد و دائماً روان مستمعین را از عالم پست ماده بجهانهای بلند و فهم و ادراکی اعلی صعود می‌بخشیدند. وقتی تکلم می‌فرمودند قلوب جمع در سینه‌هاشان مملو از اشتعال بود." (۳۸)

یکبار دیگر متون بالا را مطالعه کرده و در چندین جمله طرز برخورد حضرت عبدالبهاء را با مردم و نحوه تماس و طریقی که بیان خود را درباره امر ایراد میکردند، توصیف نمائید. مثلاً: "هر کلام حضرت عبدالبهاء آمیزشی از فروتنی و عظمت بود."

- \_\_\_\_\_ .۱
- \_\_\_\_\_ .۲
- \_\_\_\_\_ .۳
- \_\_\_\_\_ .۴
- \_\_\_\_\_ .۵
- \_\_\_\_\_ .۶
- \_\_\_\_\_ .۷
- \_\_\_\_\_ .۸
- \_\_\_\_\_ .۹
- \_\_\_\_\_ .۱۰

## منابع

۱. فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ص ۶۰ (چاپ امریکا)
۲. مرجع سابق ص ۷۲ (چاپ امریکا)
۳. نامه مورخ ۸ نوامبر ۱۹۵۹ نوشته شده از طرف حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده اند. (انگلیسی، چاپ استرالیا)
۴. نامه مورخ ۶ نوامبر ۱۹۴۹ نوشته شده از طرف حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده اند. (انگلیسی، چاپ استرالیا)
۵. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ص ۱۰۹ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی، عربی، آلمان)
۶. نامه مورخ ۱ سپتامبر ۱۹۳۳ نوشته شده از طرف حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده اند. (انگلیسی، چاپ استرالیا)
۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۱۶ ص ۲۵۹ (ویلمت، شیکاگو)
۸. نامه مورخ ۳۰ جون ۱۹۳۷ نوشته شده از طرف حضرت ولی‌امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده اند. (انگلیسی، چاپ استرالیا)
۹. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۱۳ ص ۲۵۸ (ویلمت، شیکاگو)
۱۰. مرجع سابق شماره ۲۱۴ ص ۲۵۹ (ویلمت، شیکاگو)
۱۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۵ صص ۱۴-۱۳ (لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی، عربی، آلمان)
۱۲. مرجع سابق شماره ۱۳۲ ص ۱۸۵ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی، آلمان)
۱۳. مرجع سابق شماره ۱۰۰ ص ۱۳۲ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی، آلمان)
۱۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۰۴ ص ۲۴۳ (ویلمت، شیکاگو)
۱۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۴۲ ص ۱۹۹ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی، آلمان)
۱۶. منتخباتی از توقیعات مبارک ۱۹۲۲-۱۹۳۲ مذکور در Baha'i Administration (انگلیسی، ص ۶۹)

۱۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۱۷ ص ۲۶۰ (ویلمت، شیکاگو)
۱۸. مرجع سابق شماره ۱۵ ص ۲۸ (ویلمت، شیکاگو)
۱۹. نامه مورخ ۸ نوامبر ۱۹۵۶ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند. (انگلیسی، چاپ استرالیا)
۲۰. پیامهای بیت العدل اعظم الهی ۱۹۶۳-۱۹۶۸ Wellspring of Guidance (انگلیسی، ص ۳۳)
۲۱. از پیام نوروز ۱۹۷۴ بیت العدل اعظم به احبّاء عالم در بیانیه ترویج دخول افواج مؤمنین. درج در آهنگ بدیع سال ۲۹ شماره ۳۲۵
۲۲. حصن حصین شریعت الله صص ۳۱-۳۲ (لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۲۳. منتخباتی از توقیعات مبارک ۱۹۲۲-۱۹۳۲ مذکور در Baha'i Administration (انگلیسی ص ۷۰)
۲۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۱۹۹ ص ۲۳۳-۲۳۴ (ویلمت، شیکاگو)
۲۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۲۸ ص ۱۷۷ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی، آلمان)
۲۶. منتخباتی از توقیعات مبارک ۱۹۲۲-۱۹۳۲ مذکور در Baha'i Administration (انگلیسی ص ۶۶)
۲۷. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۳۱ ص ۱۸۳ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی، آلمان)
۲۸. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۱-۱۹۱۲ ص ۱۲۸-۱۲۹ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی، آلمان)
۲۹. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۱۲ ص ۲۵۸ (ویلمت، شیکاگو)
۳۰. مرجع سابق شماره ۱۵۳ ص ۱۷۵ (ویلمت، شیکاگو)
۳۱. مرجع سابق شماره ۱۵۳ (ویلمت، شیکاگو)
۳۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۵۴ ص ۲۱۲ (ویلمت، شیکاگو)
۳۳. نامه مورخ ۴ می ۱۹۴۲ نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء، منتشره در مجموعه‌ای که بیت العدل اعظم گردآوری نموده‌اند. (انگلیسی، چاپ استرالیا)
۳۴. درگه دوست صص ۲۶۲-۲۶۳ (مؤسسه مطبوعات امری ایران، ۱۲۵ بدیع)

۳۵. مرجع سابق صص ۴۹\_۵۰ (مؤسسه مطبوعات امری ایران، ۱۲۵ بدیع)
۳۶. مرجع سابق ص ۵۹ (مؤسسه مطبوعات امری ایران، ۱۲۵ بدیع)
۳۷. مرجع سابق صص ۱۵۶\_۱۵۷ (مؤسسه مطبوعات امری ایران، ۱۲۵ بدیع)
۳۸. مرجع سابق ص ۴۹ (مؤسسه مطبوعات امری ایران، ۱۲۵ بدیع)



## عمل تبلیغ

### هدف

آشنایی با بعضی از شیوه‌ها و روشهای فعالیت‌های تبلیغی  
بطورفردی و پروژه‌های دسته‌جمعی  
تمرین.

طرح و اجرای نقشه تبلیغی فردی و حداقلاً شرکت در یک پروژه  
تبلیغی.

## قسمت اول

با مطالعه کیفیت روحانی تبلیغ در بخش اول، و صفات و رفتار مبلّغ در بخش دوم، حال توجّه خود را به نفس عمل تبلیغ متوجّه می‌کنیم. باید دقت شود که تبلیغ را فقط بمعنای اعلان امرالله ندانیم. اعلان امرالله یک فعالیت بسیار مفید و ضروری است که توسط افراد و تشکیلات انجام می‌شود، ولكن فتح مدائن قلوب مردم بروی حضرت بهاءالله عموماً از طریق اعلان امرالله صورت نمی‌گیرد. هر قدر هم که طرح آن ماهرانه و اجرای آن بر طبق اصول باشد. تبلیغ شامل اعلان امر می‌باشد اما هدف اصلی تبلیغ آن است که به دیگران کمک کند تا حضرت بهاءالله را به عنوان مظهر ظهور الهی در این زمان بشناسند، در درک خود عمیق شوند و در دین جدیدشان ثابت و راسخ گردند. بیت العدل اعظم الهی این وجه تمایز بسیار مهم را در بیان ذیل توضیح می‌فرماید:

"اعلان امرالله با طرحانی معین جهت استفاده روزافزون از وسائل مخابرات و ارتباطات عمومی باید با همتی شدید تعقیب شود باید دانست که از طرحهای اعلان امرالله مقصد اینست که حقیقت و مقاصد امر جدید الهی را با اطلاع جمیع خلق برسانیم و کل را اخبار کنیم و لیکن مقصد از اقدامات تبلیغی اینست که نفوس مستعدّه را از جمیع طبقات هیئت اجتماعیّه بمرحله اقبال رسانیم و در ظلّ امرالله در آوریم". (۱) (ترجمه)

از متن بالا بخوبی روشن می‌شود که فعالیت‌های اعلان امر باید چنان برنامه‌ریزی شود که مردم را با اهداف شریفه و افکار عالیّه امرالله آشنا سازد و مساعدت کند تا در آنان نگرش و رفتار مثبت راجع به دیانت بهائی ایجاد شود. البته احتمال دارد که در این جریان، نفسی آنقدر آمادگی داشته باشد که شیفته امر گردد و بخواهد بعد از قدری تحقیق و مطالعه در زمره یاران الهی درآید. علی‌رغم این نباید انتظار داشته باشیم که حداقل در این مرحله از تاریخ بشریت، ابلاغ کلمه به تنهایی به ازدیاد قابل توجّه پیروان بیانجامد. هدف تبلیغ فقط با دادن اطلاعات و سپس رها کردن آنان به حال خود به دست نمی‌آید. لازمه تبلیغ، گفتگو و مکالمه بین مؤمنین مطلع و راسخ و نفوسی که علاقمند شنیدن و تحرّی حقیقت در باره حقیقت ظهور حضرت بهاءالله هستند، می‌باشد.

۱. یکی از بهترین راه‌های تبلیغ، انعقاد بیوت تبلیغی است. بیوت تبلیغی محافل گرم و دوستانه‌ای است که در منازل افراد تشکیل شده و علاقه‌مندان به امر آن دعوت می‌شوند. این محافل فرصتهای عالی برای تبادل افکار و نظریات و مذاکرات پربار بوجود می‌آورد که می‌تواند مردم را به قبول حضرت بهاءالله رهنمون باشد. اگر دقت لازم بعمل نیاید بیت تبلیغی به آسانی می‌تواند به جلسه اعلان امر تبدیل گردد.

الف) فرض کنید که شما یک بیت تبلیغی هفتگی در منزلتان برگزار می‌نمائید. هر جلسه را با خوش آمدگویی به مهمانان شروع می‌کنید بعد یکی از احباء مناجاتی تلاوت می‌کند. سپس سخنوری که دعوت شده، به مدت سی تا چهل و پنج دقیقه در موضوع خاصی مثل، تعلیم و تربیت بهائی، حیات عائله بهائی، وحدت عالم انسانی و یا وحدت ادیان صحبت می‌کند. در پایان شما می‌پرسید که آیا کسی سؤال دارد و معمولاً یک یا دو سؤال مطرح می‌گردد. پذیرایی انجام می‌گیرد و مهمانان شما به خانه برمی‌گردند. آیا



موافق هستید که چنین جلساتی، که به نفسه خیلی مفید و خوب است، بیشتر خصوصیات اعلان امر را دارد؟

ب) فرض کنید بعد از مدتی تصمیم می‌گیرید که برنامه بیت تبلیغی را عوض کنید. بنابراین، در هر جلسه بیت تبلیغی بعد از صحبت، یک یا دو جوان هنرمند را دعوت می‌کنید که موسیقی اجرا کنند، امیدوارید که با برنامه موسیقی، جو روحانی جلسه افزایش یابد. آیا فکر می‌کنید با چنین کاری بیت تبلیغی را از جلسه اعلان امر به جلسه تبلیغی تغییر داده‌اید؟

ج) بعضی از راه‌هایی که بدان طریق می‌توان بیت تبلیغی را به فعالیت تبلیغی تبدیل نمود، کدامند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت دوم

یکی از اهداف اعلان امر یافتن افراد مستعد است تا بتوانیم پیام حیات بخش حضرت بهاءالله را با ایشان بطور صمیمانه در میان بگذاریم. توانایی در شناسایی افراد مستعد، در موفقیت امر تبلیغ بسیار اهمیت دارد چه در نقشه‌های فردی و چه در فعالیت‌های تبلیغی برنامه‌ریزی شده توسط مؤسسات امری. البته بعنوان مبلغین امرالله، لازم است مرتب دعا و مناجات نمائیم تا خداوند ما را به شناسایی افرادی که قلبشان را برای عرفان مظهر امر آماده نموده، راهنمایی کند. اما باید قادر باشیم که این ارواح پاک را بهنگام ملاقات بشناسیم. این امر همیشه آسان نیست. حتی در ارتباط با پروژه‌های تبلیغی که در بین نفوسی بسیار مستعد برگزار می‌شود، همه افراد مردم علاقه ندارند پیام الهی را بشنوند و حقیقت آن را قبول کنند. این بر عهده مبلغ است تا نفوسی را بیابد که آماده پاسخ به ندای حضرت بهاءالله هستند.

یک فرد مستعد، ممکن است ظاهراً در جستجوی امر نباشد و یا اصلاً به دین و مذهب علاقه نداشته باشد. در حقیقت، درک این نکته مهم است که استعداد پذیرش امر و روحانیت یکی نیست. شرط لازم اینست که شخص مشتاق شنیدن تعالیم باشد و حقیقت را با وسعت نظر بررسی نماید. همین طور که در عمل تبلیغ تجربه بدست می‌آوریم و قوای روحانی ما قویتر می‌گردد توانایی ما برای درک این شرط افزایش می‌یابد.

گرچه نمیتوان قوانین سخت و شدید برای شرایطی که یک فرد را مستعدّ می‌سازد تعیین کرد ولی بعضی از عوامل مؤثر را می‌توان تشخیص داد. این عوامل افراد را در شرایط خاصّ زندگی در یک برهه خاصّ زمانی مستعدّتر می‌سازد. این مسئله هم در مورد افراد و هم جوامع بطور کلی صادق است. این موضوع را در گروه خود بحث کنید و عواملی را که فکر می‌کنید در افزایش استعداد مردم مؤثر است بنویسید. مانند مثال ذیل:

۱. آگاه شدن از شیوع بی عدالتی در دنیای امروز

۲.

۳.

۴.

۵.

۶.

۷.

۸.

۹.

۱۰.

پیشنهاد می‌شود که قبل از رسیدن به قسمت بعد، متن زیر را از حضرت ولیّ امرالله حفظ نمائید. در این متن از رابطه آشوب امروز جهان و استعداد مردم در پذیرفتن امرالهی سخن می‌گوید. بعضی از کلمات دشوار است اگر درباره معنی بیان مبارک در گروه خود بحث کنید مفید خواهد بود. همانطور که سعی می‌کنید بیان مبارک را حفظ کنید در معانی بیان حضرت ولیّ امرالله بیندیشید.

"و نیز باید فرصت‌های گرانبهایی که انقلاب و التهاب عصر حاضر در دسترس یاران الهی می‌گذاردمع جمیع احزان و آلام و شدائد و اسقام و خوف و دهشت و انزجار و نفرت و عصیان و طغیان و اسف و حسرت و تلاش در راه آزادی و خلاص مورد استفاده واقع گردد و بهمان قرار در سبیل اعلام و اشاعه قوه ناجیه امر حضرت بهاءالله در جمیع اقطار و استظلال مقبلین جدید در ظلّ شریعة الله و دخولشان در صفوف دائم الاتّساع امرالله بکار افتد فی الحقیقه برای ابلاغ کلمه الهی و نشر نفحات سبحانی چنین فرصت جلیل و موقع مساعد و فخیم هرگز رخ نخواهد گشود." (۲)

## قسمت سوم

هنگامی که به افراد مستعد برخورد می‌نمائیم و با آنها به گفتگو می‌پردازیم، گاهی اوقات گفتگوها کوتاه و گاهی طولانی است و هدف کمک به ایشان برای درک مقام حضرت بهاء‌الله است. اما محتوای این گفتگوها چه باید باشد؟ به نفوسی که تبلیغ می‌کنیم چه باید بگوئیم؟

البته شما می‌دانید که پاسخ این پرسش ابدأ ساده نیست. فرمول خاصی نیست که یاد بگیریم و در هر موقعیتی به هر فردی تکرار کنیم. افرادی که با ایشان چنین گفتگوهای صمیمانه‌ای داریم هرکدام دارای یک روحیه و حالت روحانی خاص، با نیازها و سؤال‌های مخصوص بخود هستند. به عنوان یک مبلغ بهائی باید پیوسته بیندیشیم که چطور عقاید امری را می‌توان برای هر طالب حقیقی توضیح داد. چه باید گفت؟ افکار خود را باید به چه ترتیبی تنظیم نمود و اظهار داشت؟

درحالی‌که باید متوجه تفاوت‌های فردی در اشخاص باشیم، نباید با تأکید بیش از اندازه، در تفاوت‌های افراد اصل وحدت عالم انسانی را فراموش نمائیم. طریقی که مردم به پیام حضرت بهاء‌الله پاسخ می‌دهند از الگوی خاصی تبعیت می‌کند که مخصوصاً در میان مردم با یک فرهنگ و سابقه تاریخی مشابه، قابل ملاحظه می‌گردد. مثلاً اگر شما دانشجو هستید و قصد تبلیغ دوستان خود را دارید، تدریجاً یک معرفی مقدماتی مناسب را پیدا خواهید کرد که در اکثر دوستان شما مؤثر خواهد بود. جزئیات این معرفی ممکن است براساس موقعیت، پرسش‌ها و علاقه‌های گوناگون شنوندگان تغییر کند ولی طرح اساسی عوض نمی‌شود.

هنگامی که در فکر تهیه روش منظم در باره توضیح امر مبارک به دیگران هستید، ممکن است برای شما مفید باشد به دو جنبه پیام الهی توجه نمائید. اول جنبه اطلاعات است که شنونده میل دارد تعدادی از حقائق را در مورد امر بداند. چه زمانی دیانت بهائی تأسیس گردید؟ جامعه بهائی چقدر وسیع است؟ تا چه حد گسترش پیدا کرده است؟ آیا بهائیان به حیات بعد از ممات اعتقاد دارند؟ تعالیم اصلی دیانت بهائی چیست؟ همان طور که تصور می‌کنید تعالیم و حقایق امر بهائی بی نهایت زیاد است. مقدار اطلاعاتی که شما در اختیار طالبین قرار می‌دهید بسته به نوع صحبت شما دارد. اما موضوع‌هایی وجود دارد که لازم است متحرکی حقیقت در مراحل اولیه تحقیقاتش بداند که تفکر در آنها بسیار سازنده است. در قسمت پائین بعضی از مطالبی را که تصور می‌کنید دانستنش مفید است، ذکر نمائید. نیازی نیست که فهرست شما بسیار کامل باشد. پس از بحث بعضی نکات دیگر در قسمتهای بعد از شما خواسته خواهد شد که دوباره به لیست خود مراجعه کنید و آن را تغییر دهید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

حال لیست خود را با دوستانتان مقایسه نمایید.

### قسمت چهارم

در قسمت قبل، یک جنبه از پیامی را که در فعالیتهای تبلیغی خود راجع به امر به مردم ارائه می‌دهیم یعنی "اطلاعات" مورد بررسی قرار دادیم. اما آیا تبلیغ فقط دادن اطلاعات است؟ فرض کنید مثلاً این حقیقت که اساسی‌ترین اعتقاد امر بهائی است، حضرت بهاء‌الله مظهر ظهور الهی در این عصر و زمان می‌باشند. بیان این مطلب که "بهائیان معتقدند حضرت بهاء‌الله مظهر ظهور الهی در این دور هستند"، به تنهایی یک اطلاع است، البته مهمترین اطلاع در عالم. با این حال آیا صرفاً بیان این حقیقت به مردم برای عرفان آنان از مقام حضرت بهاء‌الله کفایت می‌نماید؟

اکنون به جنبه دیگری از این حقیقت که صرفاً اطلاع نیست توجه کنید، در این حالت جمله "حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی در این دور هستند" یک مفهوم است. درحالیکه یک اطلاع که به شنونده می‌دهد نیازمند دادن و گرفتن است اما جذب یک مفهوم مستلزم درک و فهم است. منظور حضرت بهاءالله از " خدا " و " مظهر ظهور " چیست؟ و ماهیت ادعای آن حضرت که مظهر ظهور خداوند برای امروز هستند چیست؟

مثال دیگر بیان این مطلب است که " بهائیان احکام حضرت بهاءالله را اطاعت می‌نمایند". این جمله واضحاً یک اطلاع است که خیلی مهم می باشد. اما اظهار این مطلب نقش کوچکی در فهم این نکته به متحرّیان حقیقت دارد که با پذیرفتن امر بهائی باید احکامی را اطاعت نمایند. برای درک این مفهوم لازم است به فرد کمک کنیم تا حداقل بعضی از جوانب مربوط به اطاعت احکام را درک کند. مثلاً مفهوم فوق العاده زیبای " احکام " را آنطور که حضرت بهاءالله توصیف فرموده‌اند:

**"ان اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی" (۳)**

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بدرستی که اوامر من چراغهای عنایت مند بین بندگان و کلیدهای رحمت من برای آفریدگان من.)

زمانی که تفاوت بین اطلاعات و مفاهیم را متوجه شدید، بدون اشکال می‌توانید تعداد زیادی از مفاهیمی که درک آن به متحرّیان یاری می‌کند حضرت بهاءالله را بشناسند و به جرگه پیروانش درآیند را تشخیص دهید. سعی کنید لیستی از همه مفاهیمی که به فکرتان می‌رسد تهیه نمایید. نگران طولانی بودن و یا نامنظمی آن نباشید، دوباره به این قسمت بازگشته و آنرا مرور خواهید کرد.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

حال لیست خود را با دوستانتان مقایسه کنید.

### قسمت پنجم

با در نظر گرفتن این عقاید، حال بحث خود را در معرفی ابتدایی شما به افرادی که اطلاع بسیار جزئی از امر الهی دارند متمرکز می‌کنیم. بیاد داشته باشید که هدف شما کمک کردن به اشخاص برای گشودن درهای قلوبشان به امر حضرت بهاءالله است. از طریق این معرفی اطلاعاتی را در اختیار آنها می‌گذارید که به درک چندین مفهوم اساسی امر الهی کمک کند. مسلماً مفهوم اصلی که می‌خواهید ایشان درک نمایند اینست که حضرت بهاءالله مظهر کلی الهی در این عصر و زمان می‌باشند. بر اساس درک این مفهوم است که آنها تصمیم می‌گیرند به جامعه بهائی بپیوندند. با در نظر داشتن این مفهوم اصلی، مطالب دیگری را باید بیان کنید که به روشن کردن مفهوم کمک کرده و متحرّی حقیقت را به عرفان و شناسائی مقام حضرت بهاءالله هدایت نماید.

در انتخاب مفاهیم و اطلاعات و ترتیب ارائه آنها، لازمست توجه دقیقی به قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی نموده و یادآور شوید که در چه مرحله‌ای یک طالب می‌تواند بهائی شناخته شود:

"نفوسی که خود را بهائی می‌دانند باید مجذوب زیبایی تعالیم الهی و مهترّ به عشق حضرت بهاءالله شوند. لازم نیست شخص مقبل تمام ادله و براهین و تاریخ و احکام و اصول امری را بداند اما در مراحل اقبال باید علاوه بر جرقة ایمان راجع به طلعات مقدسه و همچنین قوانین و احکامی که باید تبعیت کند و نظم اداری که باید اطاعت نماید آگاه شده باشد. (۴) (ترجمه)

اکنون به لیست‌هایی از مفاهیم و اطلاعات که در قسمتهای قبل تهیه نموده بودید، مراجعه کنید. بر اساس پیام بیت العدل اعظم در فوق، تصمیم بگیرید چه مطالبی را میل دارید به لیست اطلاعات بیافزائید و چه مطالبی را می‌خواهید حذف کنید. لیست جدیدی تهیه نمائید و موضوع‌ها را با نظمی که برای معرفی امر ارائه خواهید کرد تنظیم کنید. همین کار را با لیست مفاهیم انجام دهید.

اطلاعات:



---

---

---

---

---

---

---

## قسمت ششم

بمنظور کمک به شما برای تفکر در مورد مفاهیم و اطلاعاتی که در معرفی امر به شخصی برای اولین بار ارائه می‌دهید، یک موقعیت فرضی را در نظر می‌گیریم و آنچه را بیان می‌شود تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

آنا یک نوجوان هفده ساله است که با خانواده‌اش در روستای کوچکی زندگی می‌کند. و در شهر مجاور به مدرسه می‌رود. او در یک خانواده کاتولیک بزرگ شده و پنجسال پیش با امر بهائی از طریق برادرش آشنا گردیده و سپس بهائی شده. از آن هنگام تا به حال در جامعه بهائی فعال و در همه برنامه‌های تبلیغی ناحیه‌ای و ملی شرکت نموده و در دوره‌های مختلف مؤسسه مرتباً شرکت می‌کند. آنا با کمک جوان دیگری در همان دهکده، هفته‌ای یک بار کلاس اطفال را اداره می‌کند.

امیلیا هم در همان مدرسه آنا درس می‌خواند. او هم در یک خانواده کاتولیک بزرگ شده است. امیلیا قبلاً درباره امر بهائی مطالبی شنیده است ولی معلوماتش خیلی کم است. او مشتاق است که بداند بهائی شدن برای آنا دوستش چه مفهومی داشته است. امیلیا شخصاً به دین علاقه زیادی ندارد اما عشق حضرت مسیح را در قلب دارد و انسان خوبی است.

از زمانی که آنا و امیلیا با هم دوست شده‌اند، درباره شرایط دنیا و امیدهایی که برای آینده دارند با هم صحبت کرده‌اند، از اظهار نظرهایی که امیلیا کرده آنا متوجه شده که او نسبت به امر مستعد است.

در قسمتهای بعدی اظهارات مقدماتی آنا را در مراحل اولیه تبلیغ دوستش خواهید دید آنها را به دقت مطالعه کنید و تمرینهای مربوطه را با دقت انجام دهید. این تمرینات بجهت کمک به شما و یادگیری چگونگی معرفی امر به گروه‌های مختلف تهیه شده است. قبل از اینکه به این قسمتها برسید بعضی از گروهائی را که احتمالاً تبلیغ خواهید کرد نام ببرید.

---

---

---



## قسمت هفتم

آنا این چنین توضیحات خود را در باره امر به امیلیا شروع می‌کند:

از صحبت‌های گذشته، شما متوجه شدید که دیانت بهائی، یک دیانت جهانی است که هدفش اتحاد همه نژادها و مردم در تحت یک آئین کلی و یک دیانت واحد است. بهائیان پیروان حضرت بهاءالله هستند که به اعتقاد آنان، آن حضرت موعود کلّ امم می‌باشند. همانطور که می‌دانی رسوم اکثر مردم شامل وعود به آینده‌ای می‌باشد که صلح و هماهنگی در کره ارض استقرار یابد و بشر سعادت‌مندانه زندگی کند. ما معتقدیم که ساعت موعود فرا رسیده و حضرت بهاءالله همان برگزیده عظیم الشانی هستند که تعالیشان بشریت را قادر خواهد ساخت دنیای تازه‌ای تأسیس کند. حضرت بهاءالله در یکی از آثار خود می‌فرمایند:

"والذی جعله الله الدریاق الاعظم والسبب الائم لصحته هو اتحاد من علی الأرض علی امر واحد و شریعة واحدة ..."(۵)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: آنچه که خداوند آن را به عنوان داروی اعظم (پادزهر) و وسیله اتم برای بهبودی عالم مقرر فرموده، اتحاد اهل ارض بر امر واحد و شریعت واحد است.)

اگر موافقی، اولین تعلیم حضرت بهاءالله را برایت شرح می‌دهم که در مورد خداوند و رابطه ما با اوست. حضرت بهاءالله بما می‌آموزد که خداوند بذاته برای ما قابل شناسایی نیست. یعنی نباید تصاویری از او در ذهن خود به شکل یک بشر مجسم نمایم. بطور کلی هیچ آفریده‌ای نمی‌تواند آفریننده خود را بشناسد. برای مثال یک میز قادر نیست سازنده خود را که یک نجار است بشناسد وجود نجار برای اشیائی که می‌سازد ابدأ قابل درک نیست.

خداوند خالق همه چیز است. او آسمانها و زمین را، با کوهها و دره‌هایش، با بیابانها و دریاهايش، با رودخانه‌ها و سبزه زار و درختانش آفریده. خداوند حیوانات و نوع انسان را آفریده است. دلیل آفرینش ما بفرموده حضرت بهاءالله عشق و محبت بوده است. چنانکه می‌فرمایند:

"یا ابن الانسان! أحببت خلقک فخلقک فاحببني کی اذکرک و فی روح الحیاة اثبتک"(۶)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پسر انسان دوست داشتی خلق تو را پس خلق نمودم، مرا دوست بدار تا ذکر کنم تو را و در روح حیات ثابت بدارم.)

بنابراین گرچه وجود پروردگار باریتعالی بسی دور از درک و فهم ماست، ولی عشق و محبت الهی همواره زندگی و وجود ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این عشق و حبّ از طریق عهد و میثاق الهی در وجود ما جاری می‌شود. براساس همین پیمان ابدی، خداوند هرگز ما را تنها و بدون هدایت نمی‌گذارد. هرگاه که نوع بشر از او فاصله می‌گیرد و تعالیم او را فراموش می‌نماید، یک مظهر ظهور الهی ظاهر شده و اراده و مشیت او را بر ما بندگان می‌شناساند.

کلمه "ظهور" بمعنی آشکار کردن و آوردن چیزی است که تا بحال شناخته شده نبوده. مظاهر ظهور الهی، افراد برگزیده‌ای هستند که اراده و کلام خداوند را بر ما آشکار می‌سازند؛ از اینرو وقتیکه ما از امر ایشان پیروی می‌کنیم، به ندای الهی پاسخ می‌دهیم.

مثالی در عالم مادی وجود دارد که به ما کمک مینماید تا مفهوم "مظهر ظهور" را آن گونه که حضرت بهاءالله به ما آموخته‌اند، درک کنیم. در این عالم، خورشید منبع تمام حرارت و روشنائی است، بدون خورشید زندگی بر روی کره ارض غیر ممکن است. با این حال خورشید به نفسه هیچگاه به زمین نزول نمی‌کند، و اگر ما به آن نزدیک شویم، بکلی نابود می‌شویم.

تصور کنید که آئینه تمیز و شفاف را برداشته و آنرا مقابل خورشید قرار دهیم. در آئینه تصویر خورشید را به روشنی می‌بینیم و هرچه آئینه شفافتر باشد، تصویر خورشید در آن کاملتر دیده می‌شود. مظاهر ظهور الهی همانند آئینه‌های شفاف هستند که نور خداوند را با تمام عظمتش برای بشر منعکس می‌کنند. تمام این آئینه‌ها منعکس کننده یک نور هستند. درحالی که دسترسی به خداوند برای ما ممکن نیست، این وجودات مقدسه به تدریج برای ما ظاهر می‌شوند، بین ما زندگی می‌کنند، ما را هدایت می‌کنند، و ما را سرشار از قوای لازمه برای پیشرفت مادی و روحانی می‌سازند.

شما سعادت آنرا داشته‌اید که بر اساس تعالیم آسمانی که خداوند حدود دو هزار سال پیش توسط مظهر ظهورش حضرت عیسی مسیح فرستاده، پرورش یابید. مظهري که مقامش ابن‌الله است. حال میتوانی تعالیم رحمانی را از مظهر ظهورجدید، حضرت بهاءالله که معنی اش شکوه و جلال خداست دریافت نمایی. تعالیم حضرت بهاءالله با تعالیم حضرت مسیح هماهنگ می‌باشد، ولیکن منطبق با شرایط امروزه بشر است. اگر لحظه‌ای به وضع بد بشر امروز فکر کنی، مطمئناً موافق خواهی بود که زمان ظهورمظهر الهی دیگری، رسیده است. اجازه بده قسمتی از یکی از آثار حضرت بهاءالله را که در مورد این یوم که ما در آن زندگی می‌کنیم، می‌فرمایند بخوانم:

"امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است باید کلّ بکمال اتّحاد و اتّفاق در ظلّ سدرهٔ عنایت الهی ساکن و مستریح باشند." (۷)

قبل از ادامهٔ مطلب، بهتر است کمی صبر کنیم تا اگر پرسشی داری مطرح کنی. نظر شما در بارهٔ مطالبی که تا حال بیان کردم چیست؟

## قسمت هشتم

حال بیائید آنچه را آنا تا به حال گفته بررسی کنیم. پنج جنبه از اظهارات او در ضمن تمرین‌های زیر تجزیه و تحلیل شده‌است. با هر کدام که موافق هستید علامت بگذارید. این تمرین‌ها به بحثهای طولانی نیاز ندارد. باید هر کدام از آنها را بخوانید، بررسی کنید و مشخص نمایند که آیا با آن موافق هستید یا خیر. آنچه اهمیت دارد این است که باید به یاد داشت که تبلیغ باید با روش یادگیری مورد توجه قرار گیرد.

۱. آنا صحبت خود را با این بیان که دیانت بهائی یک دیانت جهانی است که هدفش اتّحاد همهٔ نژادها و مردم روی زمین است آغاز می‌کند. سپس بلافاصله حضرت بهاءالله را بعنوان موعود کلّ همهٔ اعصار معرفی می‌نماید.

\_\_\_\_\_ معرفی حضرت بهاءالله به عنوان موعود کلّ امم در ابتدای صحبت بهترین طریقهٔ ارائهٔ دیانت بهائی به مردم از تمام ادیان مختلف چه مسیحی، مسلمان، هندو، بودایی و غیره می‌باشد. از آن جهت که مفهوم موعود در همهٔ ادیان به عناوین مختلف وجود دارد.

\_\_\_\_\_ امروزه اغلب مردم به دین تعلق خاطری ندارند، حتّی اگر معتقد به یکی از آنها باشند. بنابراین بهتر است که حضرت بهاءالله را در ابتدای صحبت معرفی نمائیم. اگر ابتدا راجع به اعتقادات بهائی صحبت کنیم و تعالیم گوناگون مثل تساوی حقوق زن و مرد، تعلیم و تربیت عمومی و صلح جهانی را به تفصیل بیان نمائیم، تأثیر آن بیشتر خواهد بود.

\_\_\_\_\_ اگر فردی را تبلیغ می‌کنید که اعتقاد به خدا برایش مشکل می‌باشد، با وجود این هنوز می‌توانید حضرت بهاءالله را در ابتدای صحبت خود به او معرفی کنید. در این صورت حضرت بهاءالله را بعنوان یکی از مریبان عالم که در هر زمان برای تربیت بشریت ظاهر می‌شوند، معرفی کنید. بعداً می‌توانید مفهوم "مظهر ظهور الهی" را بیان نمائید.

\_\_\_\_\_ کلام آنا مؤثرتر می‌بود اگر حضرت بهاءالله را بعنوان موعود جمیع اعصار معرفی می‌نمود و به چندین بشارت استناد می‌کرد تا به امیلیا ثابت کند که آن حضرت موعود کلّ امم می‌باشند.

\_\_\_\_\_ در بیشتر موارد استفاده از شرح نبوّات برای قانع نمودن مردم به صحّت مقام حضرت بهاءالله با مشکلاتی مواجه خواهد گردید و بجای آنکه آنها را به تفکر وادارد موجب گرایش به جرّ و بحث بیشتر

می‌شود. آنا اهمیّت این عقیده را که حضرت بهاء‌الله موعود جمیع اعصار هستند بیان می‌کند، و این روش در صورتیکه وارد جزئیات نشود مناسب است.

۲. بعد از معرفی مختصر حضرت بهاء‌الله، آنا راجع به خداوند و رابطه حقّ با خلق صحبت می‌کند. بویژه نحوه‌ای که وی این عقاید را ابراز میدارد از اهمیّت زیادی برخوردار است. آنا صحبتش را با جملاتی نظیر "بهایان معتقدند که... و یا اینکه"... من اعتقاد دارم که... "آغاز نمی‌کند. او از ابتداء بطور وضوح نشان می‌دهد که تعالیم حضرت بهاء‌الله را تشریح می‌نماید و بنابراین مرکز و محور کلامش را متوجّه آن حضرت می‌نماید.

\_\_\_\_\_ در دنیای امروز، سخن گفتن از خدا و رابطه انسان با او در مرحله اول، باعث دلزدگی مردم می‌گردد. بیشتر مردم به مسائل اجتماعی بیش از مسائل روحانی علاقه نشان می‌دهند. بهتر است که آنا این مطالب را عنوان نکند.

\_\_\_\_\_ ذکر تعالیم حضرت بهاء‌الله در مورد ذات خداوند که غیب منیع لایدرک است بسیار برای جویندگان حقیقت از هر دینی و حتی برای کسانی که اعتقاد به خداوند برایشان سخت است بسیار مفید است. ذکر این بیان در ابتداء دیانت بهائی را از همه انواع خرافات و عقاید غیر منطقی دور می‌سازد و در عین حال عطش روح متحرّی حقیقت را که می‌خواهد منبع وجود خود را بشناسد، ارضا می‌کند.

۳. آنا در بکار بردن کلمه "مظهر ظهور" در سخنانش وقتیکه به حضرت بهاء‌الله و حضرت مسیح اشاره می‌کند، دقّت می‌نماید. مثال آئینه در تشریح موضوع به امیلیا کمک می‌کند.

\_\_\_\_\_ فهم و درک کلمه "مظهر ظهور" بسیار دشوار است. آنا باید بجای آن از کلمه "پیامبر" که هم ساده‌تر و هم درکش آسانتر است استفاده نماید.

\_\_\_\_\_ برای یک فرد کاتولیک، بکار بردن کلمه "پیامبر" برای حضرت مسیح ممکن است یک نوع بی‌احترامی محسوب شود. به همان نحو اگر آنا از حضرت بهاء‌الله بعنوان "پیامبر" نام ببرد، برای امیلیا این تصوّر پیش می‌آید که مقام حضرت بهاء‌الله از حضرت مسیح پائین‌تر است.

\_\_\_\_\_ بهنگام تبلیغ یک فرد مسلمان، استفاده از کلمه "پیامبر" مؤثرتر است زیرا مسلمانان حضرت محمّد را بعنوان پیامبر الهی یا رسول الله نام می‌برند.

\_\_\_\_\_ از اینکه آنا صراحتاً ظهور حضرت بهاء‌الله را " رجعت " حضرت عیسی مسیح معرفی نمی‌کند کار صحیحی انجام می‌دهد زیرا مفهوم رجعت در اذهان مردم مختلف و پیچیده است و نمیتوان فهمید که امیلیا چه درکی از این کلمه دارد. با استفاده از مثال آئینه آنا مفهوم کلمه را به سادگی به امیلیا تفهیم می‌نماید.

\_\_\_\_\_ عاقلانه است که آن‌ها درباره مفهوم "مسیح پسر خدا" توضیح اضافی ندهد و فقط ذکر کرده و از این مطلب بگذرد. و بعد بیان کند که حضرت بهاء الله جلال خداوند است. آن‌ها با این عمل حقیقت مسلمی را بدون آنکه صحبت خود را از مسیرش خارج سازد، قبول می‌کند.

\_\_\_\_\_ اگر شما قرار بود که فرد هندوئی را تبلیغ نمائید، شما هنوز از مثال آئینه برای تشریح کلمه "مظهر ظهور" استفاده می‌کردید. اما بجای عیسی مسیح، باید بیان حضرت کریشنا را ذکر می‌کردید: "ای بهارات، هر وقت عدالت و حق، انحطاط پیدا کرد و بی دینی شیوع یافت، آن وقت روح خود را می‌فرستم برای برانگیختن خوبیها و از بین بردن اعمال شیطانی و بمنظور تأسیس عدالت در هر عصر خود را ظاهر می‌کنم." (۸)

۴. آن‌ها ضمن صحبت‌هایش چندین مرتبه مستقیماً از آثار حضرت بهاء الله نقل می‌کند.

\_\_\_\_\_ کلمات استفاده شده در نصوص بسیار مشکل است. بهتر است که آن‌ها از نقل نصوص بطور مستقیم بخصوص در اوائل صحبتش با مبتدی خودداری کند. او می‌تواند مضمون بیانات را با استفاده از کلمات خودش بیان کند. در غیر این صورت ممکن است سخنانش حالت موعظه پیدا کند.

\_\_\_\_\_ آن‌ها نصوص را بطور طبیعی با کلام خود می‌آمیزد و توصیه‌های حضرت بهاء الله را به کار می‌برد. حتی اگر امیلیا کاملاً متوجه مفهوم نصوص نشود، باز کلام الهی در قلبش تأثیر خواهد داشت.

۵. آن‌ها از دو تشبیه استفاده می‌کنند تا مفاهیم مشکل را توضیح دهد. همانطور که در بالا گفته شد مثال "خورشید و آئینه" کمک کرد که آن‌ها عبارت "مظهر ظهور الهی" را تشریح کند. مثال دیگر، "نجار و میز" بود که از آن برای توضیح مفهوم اینکه خداوند فوق ادراک بشر است استفاده نمود.

\_\_\_\_\_ اگر شما از تشبیهات برای شرح دیانت بهائی استفاده کنید، مخاطبین تصور می‌کنند که شما در سطح پائینی با آن‌ها صحبت می‌کنید. مردم دوست ندارند با آن‌ها مثل اطفال رفتار شود.

\_\_\_\_\_ استفاده از تشبیهات برای تبلیغ همه مردم اعم از پیرایاجوان، بیسواد یا تحصیل کرده مؤثر است. در واقع گاهی بدون استفاده از تشبیهات، فهم و درک بعضی از مطالب عمیق و غیر محسوس موجود در تعالیم مبارک دشوار است.

## قسمت نهم

با آنکه آن‌ها صحبتش را متوقف می‌نماید و به دوستش فرصت می‌دهد که احساسات خود را بیان نماید و اگر سؤالی دارد مطرح کند، ولی در این مراحل اولیه، امیلیا مطالب زیادی برای گفتن ندارد. او فقط به دوستش می‌گوید که آنچه تا حال در مورد امر بهائی شنیده برایش جالب بوده، مخصوصاً نحوه منطقی که دیانت بهائی مسائل را

تشریح می‌کند، زیرا مثل سایر احزاب که به اطراف رفته و مردم را گنج می‌کنند، نیست. آنا تصمیم می‌گیرد که به صحبت ادامه دهد:

تعلیم دیگر حضرت بهاءالله را که دوست دارم به شما معرفی نمایم مربوط به هدف و مقصد دیانت بهائی است که همانا وحدت و اتحاد نوع بشر است. در تعلیم بهائی به ما گفته شده که همه باریک داریم و برگ یک شاخسار. گرچه هر یک از ما دارای طبیعت جسمانی و معنوی متفاوتی هستیم. گرچه دارای استعداد های گوناگون و شایستگی های مختلفی می‌باشیم، ولی همگی از یک اصل به وجود آمده ایم: همگی به یک خانواده بزرگ بشری تعلق داریم.

جامعه انسانی را می‌توان به یک گلستان بزرگ تشبیه نمود که گل های مختلف با شکلهای، رنگها و عطری گوناگون، در کنار یکدیگر روئیده اند. زیبایی و جذابیت گلشن در تنوع گل های آن است. نباید اجازه دهیم که تفاوت های قیافه ظاهری موجود بین ما، خلق ما، گذشته ما، افکار و عقاید ما سبب اختلاف و نزاع گردد. ما باید افراد مردم را از نژادهای گوناگون، مانند گل های زیبای گلستان عالم بشری در نظر آوریم و از اینکه همگی به این گلستان الهی تعلق داریم شادمان و مسرور باشیم.

گرچه وحدت نوع بشر، یک حقیقت غیر قابل انکار است ولی افراد انسانی بقدری از این حقیقت دورند که متحد کردن آنها کار آسانی بنظر نمی‌رسد. در صورتیکه میل داشته باشی به جامعه بهائی بپیوندی که باعث خوشحالی بی نهایت من خواهد شد، شما هم در کوشش همه جانبه ما برای ساختن یک جامعه متحد و حفظ آن شرکت خواهی کرد. ما همه سعی می‌کنیم که افکار و اعمالمان را با عقیده خود به وحدت عالم انسانی هماهنگ کنیم. به ما تعلیم داده شده هنگامی که فکر جنگ به خاطر آید آنرا با فکر قوی تر صلح مقابله کنیم. و زمانی که احساس نفرت در قلبمان نقش می‌بندد آن را با اندیشه قویتر محبت از بین ببریم. ما باید نهایت کوشش خود را بنمائیم تا بر تعصبات خود فائق شویم. تعصبات نژادی، رنگی، ملی، فرهنگی، مذهبی و جنسی، اینها همه جزء موانع بزرگ جهت ایجاد دنیای بهتر است. بسیاری از آثار مبارکه به ما می‌آموزد که چگونه در سبیل وحدت گام برداریم و چگونه دیگران را یاری کنیم تا آنان هم این طریق را بپیمایند. بیان زیبایی از حضرت عبدالبهاء که بعداً در باره ایشان صحبت خواهیم کرد را به یاد دارم که می‌فرماید:

"حضرت بهاءالله دائره وحدت را ترسیم فرموده اند و طرحی برای وحدت مردمان و اجتماع ایشان در ظل سرپرده وحدت ارائه نموده اند و این از عنایات الهی است. همه ما باید با جان و دل بکوشیم تا حقیقت وحدت در بین ما جلوه نماید و هر چه بکوشیم، قوت بیشتری نصیب ما خواهد شد." (۹) (ترجمه)

## قسمت دهم

تمرین‌های زیر بشما یاری می‌نماید تا دو جنبه از سخنان آنا را تجزیه و تحلیل کنید:

۱. در این مورد خاص، آنا ابتداء درباره موضوع خدا و مظهر ظهورش و سپس در باره اصل وحدت سخن می‌گوید. او می‌توانست صحبتش را نوع دیگری آغاز کند، یعنی از وحدت شروع نماید و بعد در مورد خدا و مظهر ظهورش صحبت کند. احتمالاً او ترتیب اول را بدلیل اینکه امیلیا را می‌شناسد و می‌داند که ارائه مطلب به این ترتیب مناسبتر است انتخاب کرد. بنظر شما آیا هیچ امتیازی در یکی از دو روش وجود دارد؟ آیا ترتیب صحبت شما در باره امر بستگی به طرز فکر فردی که به او ابلاغ کلمه می‌کنید دارد؟ چگونه این بستگی در ابلاغ کلمه مؤثر است؟ می‌توانید چند مثال بزنید؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۲. آنا در ضمن اظهاراتش، ابراز می‌کند که او امیدوار است امیلیا بهائی شود و به او متذکر می‌گردد که بعنوان یک بهائی باید برای تأسیس وحدت کوشش نماید. با کدام یک از عبارات زیر موافق هستید؟ لطفاً علامت بگذارید.

\_\_\_\_\_ دعوت فردی برای عضویت در جامعه بهائی وقتی که او اطلاعات کمی از امر دارد کار عاقلانه‌ای نیست. امیلیا احتمالاً از اینکه دوستش می‌خواهد دیانت او را تغییر دهد، رنجیده است.

\_\_\_\_\_ با ابراز امیدواری به اینکه امیلیا بهائی خواهد شد، آنا از اعتدال خارج شده و او را تحت فشار قرار می‌دهد.

\_\_\_\_\_ با ابراز امیدواری به اینکه امیلیا روزی بهائی خواهد شد، آنا در مراحل اولیه توضیح می‌دهد که از عضویت امیلیا به جامعه بهائی در هر زمان استقبال خواهد شد. ولی این موضوع را به نحوی بیان می‌کند که امیلیا، احساس نکند تحت فشار قرار گرفته است.

\_\_\_\_\_ اگر قصد داریم که مردم را به امر مبارک دعوت کنیم تا موقعی که به امر نزدیک نشده‌اند، نباید به آنها بگوییم که وظائف آنان بعد از ایمان به امر چیست. حتی بهتر است صبر کنیم تا تسجیل شوند.

\_\_\_\_\_ با کمال تأسف، اکثر مردم فقط علاقه‌مند به مطالبی هستند که به آنها نفع می‌رساند. آنها به اینکه برای کمک به دنیای اطراف خود چه خدمتی می‌توانند انجام دهند توجهی ندارند. بجای اینکه آنها به امیلیا بگویند که بعد از بهائی شدن، چگونه باید در تأسیس وحدت در جامعه کوشش نماید، باید به امیلیا متذکر گردد که عضویت در جامعه بهائی چقدر لذت بخش است و تا چه حد از این عضویت احساس دوستی و محبت خواهد کرد.

\_\_\_\_\_ آنها خوب توانست این احساس را در دوستش بوجود بیاورد که بهائی بودن در عمل به چه معناست. آنها این مطلب را بطور منطقی و عادی و نه به حالت فشار و اجبار ادا کرد. مخصوصاً نصوصی که آنها انتخاب می‌کند مؤثر است، زیرا امیلیا متوجه می‌شود که در کوشش‌هایش جهت استقرار وحدت قوی‌تر خواهد شد. وقتی امیلیا به عضویت جامعه بهائی درآمد احتمالاً یک عضو غیرفعال و بی تفاوت نخواهد بود، بلکه برای جامعه عضوی فعال و خدوم خواهد بود.

## قسمت یازدهم

مانند بیشتر مردم امروز، امیلیا کاملاً به تعالیم بهائی در مورد اتحاد و اتفاق جلب شده است از آنچه شنیده به شوق آمده و در مورد مضرات و صدمات انواع مختلف تعصبات که بر جامعه انسانی وارد آورده با آنها صحبت مختصر ولی پرهیجانی می‌کند. آنها صحبت‌هایش را چنین ادامه می‌دهد:

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۱۷ در طهران در پایتخت ایران متولد شدند. از اوان طفولیت آثار بزرگی از ایشان پدیدار بود. در منزل تعلیم مختصری دیدند ولی در هیچ مدرسه و مکتبی حضور نیافتند. زیرا خداوند علم لدنی در ایشان به ودیعه گذاشته بودند. حضرت بهاءالله از خانواده اصیل و شریفی بودند. در جوانی مقام والایی در دربار شاه به ایشان پیشنهاد گردید، ولی نپذیرفتند. ایشان مایل بودند اوقات خود را صرف کمک به ستم‌دیدگان، بیماران و مستمندان نمایند و از حق و عدالت دفاع کنند.

دو جنبه خاص از زندگی حضرت بهاءالله را میل دارم برای بیان کنم. یکی زحمات و مشقاتی است که تحمل فرمودند و دیگری نفوذ فوق‌العاده شدیدی که در قلوب و ارواح مردم داشتند. این در واقع از خصوصیات همه مظاهر ظهور الهی می‌باشد.

مشقات حضرت بهاءالله از لحظه‌ای که برای اعلان امر الهی قیام نمودند آغاز گردید. زندگی‌شان مملو از تبعید، حبس و تحمل آزار و اذیت بود. آن حضرت در زیر سلاسل در دخمه‌ای تنگ و تاریک در طهران مسجون شدند. چهار بار ایشان را از محلی به محلی تبعید نمودند و سرانجام به زندان شهر عکا که تحت حکمفرمایی



امپراطوری عثمانی بود فرستادند. بقدری مصائب ایشان در آنجا شدید بود که به شهر عکا لقب "سجن اعظم" را دادند. در یکی از الواح ایشان چنین می‌خوانیم:

"ثم ذکر ایامی فی ایامک ثم کربتی و غربتی فی هذا السجن البعید وکن مستقیماً فی حبی بحیث لن یحوّل قلبک و لو تضرب بسیوف الأعداء و یمنعک کلّ من فی السموات والارضین" (۱۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: روزهای زندگی مرا در روزهایت و مشقاتی که بر من واردگشته و غربتم را در این زندان دور به خاطر آور و در محبت من مستقیم و ثابت باش، تاجائی که قلبت ادنی تحوّلی نپذیرد، اگرچه با شمشیرهای اعداء مضروب گردی و تمام اهل عالم بر منعت قیام کنند.)

همیشه در کیفم دفتر یادداشتی به همراه دارم که بعضی از بیانات و نصوص مورد علاقه‌ام را در آن می‌نویسم اجازه بده قسمتی از بیانات حضرت بهاءالله را که در مورد مشقات و شداید خودشان می‌فرمایند برایت بخوانم:

"قد قید جمال القدم لاطلاق العالم و حبس فی الحصن الاعظم لعنق العالمین و اختار لنفسه الأحزان لسرور من فی الاکوان هذا من رحمة ربک الرحمن الرحیم. قد قبلنا الذلّة لعزّکم والشّدائد لرخائکم یا ملاً الموحّدين. انّ الذی جاء لتعمیر العالم قد اسکنه المشرکون فی احراب البلاد..." (۱۱)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: جمال قدم حبس و زندان را در سجن اعظم برای آزادی عالم و عالمیان قبول فرموده و بفضل و رحمت خود، حزن را بخاطر سرور جهانیان و ذلت را برای عزت مردمان و شدت را برای راحتی موحدان اختیار کرده است و نیز می‌فرمایند که مشرکان کسی را که برای بازسازی عالم آمده در خراب ترین شهرهای جهان مسکن دادند.)

هرگونه مخالفت و کوششی از سوی دو دولت مقتدر زمان، سلطان ایران و امپراطور عثمانی، نسبت به حضرت بهاءالله و تعالیم آن حضرت به عمل آمد. اما نور حقیقت به آسانی خاموش نمی‌گردد. همان آبی که برای خاموشی شعله آتش الهی ریخته شد تبدیل به روغن شده و آنرا شعله ورترساخت. هیچ چیز نمی‌توانست تأثیر روز افزون حضرت بهاءالله را متوقف کند. هرچه مقامات کشوری او را به نقاط دورتر فرستادند، تعداد نفوسی که به تعالیم مبارک جذب شده و به قدرت و عظمتش پی می‌بردند، بیشتر می‌شد. با وجود آزار و اذیت مداوم، حضرت بهاءالله به مدّت بیش از چهل سال به نزول آیات الهی ادامه دادند و آن چنان عشق و نیروی روحانی به این عالم آوردند که پیروزی نهائی امرشان حتمی است.

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۹۲ میلادی صعود فرمودند. مرقدشان که برای ما بهائیان مقدّس ترین نقطه در روی زمین است، در نزدیکی شهر عکا قرار دارد. این کارت پستال‌هائی که من دارم از در ورودی مرقد مقدّس و باغهای اطراف آن است. نمی‌دانی چقدر دوست دارم برای زیارت به ارض اقدس بروم. امیدوارم که یک روز تو هم موفق به زیارت شوی.

## قسمت دوازدهم

تمرین های زیر جنبه های گوناگون توضیحات آنها را از شرح حیات حضرت بهاءالله بررسی می کند:

۱. در بیان داستان زندگی حضرت بهاءالله، آنها دو مفهوم اصلی را انتخاب کرده و سعی می کند امیلیا به فهم آن موفق شود. در ضمن معرفی، به حقایق از زندگی ایشان اشاره می کند ولی واضحاً هدف اصلیش دادن اطلاعات زیاد در این مورد نیست. او بخوبی می داند که اگر امیلیا همانطور که وی امیدوار است، بهائی شود. خود تاریخ زندگی حضرت بهاءالله را بطور مفصل و مشروح خواهد خواند. دو مفهوم اصلی که او سعی دارد تفهیم نماید چیست؟

\_\_\_\_\_ (الف)

\_\_\_\_\_ (ب)

۲. بنظر شما چرا او این دو مفهوم را انتخاب کرده است؟

\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

۳. آیا با آنها هم عقیده هستید که این دو مفهوم، مهم ترین موضوع هایی است که امیلیا در این مرحله باید بداند؟ اگر نه آیا پیشنهاد دیگری دارید؟

\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

۴. لیستی از چند فقره اطلاعات که آنها در شرح حیات حضرت بهاءالله ارائه نمود، بنویسید.

\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۵. آیا حقایق دیگری بنظر شما ضروری است که در این مرحله باید ارائه گردد؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۶. گذشته از کوشش در تفهیم دو مفهوم اصلی و بعضی اطلاعات ضروری، آیا بطور واضح امیدوار است که بتواند احساسات و عواطف خاصی را به امیلیا منتقل نماید. این احساسات چه هست؟ آیا او موفق می شود؟

---

---

---

---

۷. حال که به بیانات آنا درباره زندگی حضرت بهاءالله توجه کرده‌اید، آیا به نظر شما اگر با فردی با سابقه دیانتی متفاوت، صحبت کنید باید این مطالب را تغییر دهید؟ اگر اینطور است می‌توانید با ذکر چند مثال به آن تغییرات اشاره کنید؟

---

---

---

---

## قسمت سیزدهم

خواندن بیانات خود حضرت بهاءالله در مورد مشقاتشان، آشکارا امیلیا را تحت تأثیر قرار داده است. البتّه او به یاد می‌آورد که حضرت عیسی مسیح جان خود را برای رستگاری بشریت فدا فرمود. آنا و دوستش مدّتی دربارهٔ اهمّیت تحمّل سختی‌ها و مشقّات مظاهر مقدّسه الهی صحبت می‌کنند، مظاهر مقدّسه‌ای که در عین بهره‌مندی از قدرت الهی با میل و ارادهٔ خود مصائب را برای نجات ما پذیرفتند. آنا از دوستش می‌پرسد که اگر اشکال ندارد ادامه بدهد و سپس متذکّر می‌شود که مایل است یکی دیگر از طلعات مقدّسهٔ دیانت بهائی را بنام حضرت باب معرفی نماید. سپس او بدین ترتیب ادامه می‌دهد:

چند سال پیش از اظهار امر حضرت بهاءالله، پروردگار پیامبر مخصوص برای بشارت به ظهور ایشان ارسال فرمود. این رسول برجسته ملقّب به " حضرت باب " بود. که بمعنای " در " می‌باشد. آن حضرت در واقع دری بسوی علم و عرفان الهی و بسوی عصری جدید در تاریخ بشریت بودند. حضرت باب به مدّت شش سال مرتّباً به مردم تعلیم دادند که ظهور مظهر امر الهی جدید بسیار نزدیک است و راه را برای آمدن ایشان آماده نمودند. ایشان به مردم فرمودند که شاهد سپیدهٔ عصر جدید، سپیدهٔ ظهور روز موعود خداوندی خواهند بود. آن حضرت از مردم خواستند که قلوب خود را از زخارف عالم فانی پاک و طاهر نمایند تا من یظهره الله را که بزودی پدیدار خواهد شد بشناسند.

هزاران هزار نفر از مردم پیام ملکوتی حضرت باب را پذیرفتند و از تعالیمش پیروی نمودند. اما دولت ایران و پیشوایان مقتدر دینی که بر تودهٔ مردم حکمرانی می‌کردند به مخالفت ایشان برخاستند. پیروان آن حضرت مورد صدمه و آزار شدید قرار گرفتند و تعداد بیشماری از ایشان به قتل رسیدند. نفس مقدّس حضرت باب هم در سنّ ۳۱ سالگی بوسیلهٔ سربازان ارتش به دستور دولت در حالی که در میدان عمومی شهر به ریسمان آویخته شده بودند، تیرباران گردیدند.

برای اینکه بدانی کلام حضرت باب تا چه اندازه مؤثر است، دو مناجات از ایشان را برایت تلاوت می‌کنم:

"هل من مفرح غير الله قل سبحان الله هو الله كل عباد له وكل به امره قائمون" (۱۲)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: کشاینده‌ای جز خداوند وجود ندارد همه بندگان او هستند و به امر او برپا ایستاده‌اند)

"قل الله يكفي كل شئ عن كل شئ ولا يكفي عن الله ربك من شئ لا في السموات ولا في الارض ولا ما بينهما انه كان علاماً كافياً قديراً..." (۱۳)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: تنها خداوند است که همه چیز را از همه چیز بی نیاز می سازد و هیچ چیز در عالم وجود موجود نیست که از خداوند بی نیاز باشد.)

بسیاری از بهائیان بخصوص مناجات اول را از حفظ می دانند و در هنگام بروز مشکلات آنرا بلند و یا قلباً تلاوت می نمایند. اگر میل داشته باشی می توانیم قدری مکث کنیم تا بتوانی آنرا حفظ کنی. یاد گرفتنش واقعاً ساده است.

بعد از حفظ کردن، آنا چنین ادامه می دهد:

بعد از شهادت حضرت باب، پیروان آن حضرت جسد مطهرشان را بدست آورده و از محلی به محلی منتقل کرده و همیشه از انظار دشمنان امر مخفی نگاه داشتند. سرانجام آن جسد مطهر به کوه کرمل در ارض اقدس منتقل شد. در اینجا چند کارت پستال از مقام حضرت باب در حیفا و چند مکان مبارک دیگر در آن شهر در عکا که در آن سوی خلیج قرار گرفته دارم. این دو شهر امروزه مرکز اداری و روحانی مرکز جهانی دیانت بهائی است، مرکز روحانیست زیرا که مراقد حضرت باب و حضرت بهاءالله و همچنین اماکن مقدسه دیگری در اینجا قرار دارد. و مرکز اداری زیرا که مقرّ معهد اعلاى امر بهائی، بیت العدل اعظم الهی در کوه کرمل واقع شده است.

## قسمت چهاردهم

تمرین های زیر بشما یاری می کند که در باره این قسمت از اظهارات آنا تفکر نمائید:

۱. لیستی از مفاهیم مهم و مواضع اطلاعاتی که آنا در صحبتش راجع به حیات حضرت باب ارائه می دهد فراهم کنید.

مفاهیم:

اطلاعات:

۲. چرا معرفی طلعت مقدّس حضرت باب در مراحل اوّلیّه معرفیّ دیانت بهائی همان طور که آنابآن اقدام نمود اهمیت دارد؟

## قسمت پانزدهم

آنا بعد از تکمیل بیانش در مورد دو مظهر ظهور الهی، به معرفی حضرت عبدالبهاء و عهد و میثاق حضرت بهاء الله می پردازد:

محور اصلی زندگی ما بهائیان عهد و پیمانی است که با حضرت بهاء الله بسته ایم. همانطور که می دانی در همه ادیان، پس از صعود مظهر ظهور، بین پیروان ایشان هزاران اختلاف بوجود آمد و در نتیجه دیانت را به فرقه های مختلف منشعب نمود. علت عدم اتحاد بعضی اوقات به خاطر این بود که برخی از افراد جاه طلب میل به رهبری داشتند. اما وقتیکه بین مؤمنین مخلص ادیان در باره منظور و معنی بیانات انبیاء اختلاف آراء به وجود آمد هیچکس از طرف آن مظهر ظهور تعیین نشده بود که این اختلافات را حل نماید و این خود باعث بروز اختلاف و جدال شد. و بالاخره هر دسته از تفسیرات سبب ایجاد مذاهب مختلف گردید.

حضرت بهاء الله دیانت خویش را با ایجاد قوه عهد و میثاق در برابر چنین انشعاباتی محافظت فرمودند. ایشان قبل از صعود، به روشنی و وضوح کتباً مرقوم فرمودند که بعد از ایشان تمام احباء باید به حضرت عبدالبهاء رجوع نمایند. بنابراین، حضرت عبدالبهاء فرزند ارشد ایشان بعنوان تنها مبین آیات و مرکز عهد و پیمان الهی منصوب شدند. حضرت بهاء الله به نفسه آن حضرت را تربیت فرمودند و ایشان از همان کودکی مقام پدر بزرگوارشان را شناخته و شریک رنجهای ایشان بودند. حضرت عبدالبهاء گرانباترین هدیه به عالم بشری هستند و مثل اعلاى تعالیم دیانت بهائی بشمار می آیند.

حضرت عبدالبهاء در این دنیای فانی ۷۷ سال زندگی کردند. ایشان در همان شب اظهار امر حضرت باب در سال ۱۸۴۴ متولد گردیدند و در نوامبر سال ۱۹۲۱ صعود فرمودند. حیات آن حضرت مملو از مصائب بود اما هر نفسی که به حضورشان مشرف می شده او شادی و سرور بی منتهی عنایت می کردند. پس از صعود پدر ارجمند، مسؤولیت اداره جامعه بهائی بر دوش ایشان افتاد و آن حضرت شب و روز همشان انتشار امر الله در شرق و غرب عالم بود. حضرت عبدالبهاء هزاران لوح به افراد و گروه های گوناگون در نقاط مختلفه نوشتند و به دور و نزدیک ارسال داشتند و در آنها تعالیم حضرت بهاء الله را توضیح داده و روشن فرمودند. تبیینات آن حضرت هم اکنون از اساسی ترین قسمت از آثار مبارکه بهائی می باشد.

با تمرکز در مقام حضرت عبدالبهاء بعنوان مرکز عهد و میثاق حضرت بهاء الله، اهل بهاء در کوششهای خویش در جهت داشتن حیات بهائی و ایجاد تمدنی بدیع در عالم متحد ماندند. ما به یاد می‌آوریم که به عنوان بخشی از عهد ما با حضرت بهاء الله، باید یکدیگر را دوست بداریم و در وجود حضرت عبدالبهاء مثل اعلای دوست داشتن را مشاهده می‌کنیم. ما بیاد می‌آوریم که باید در همه حال با انصاف باشیم، کریم باشیم و نسبت به خطاهای دیگران دیده‌خطاپوش داشته باشیم. با توجه به مثل اعلای، حضرت عبدالبهاء انصاف، سخاوت و بخشش را می‌آموزیم. بیش از هر چیز دیگر با توجه به حضرت عبدالبهاء به عهد و میثاقی که با حضرت بهاء الله بسته ایم ناظر خواهیم بود و اجازه نخواهیم داد وحدت پیروانش گسسته شود. متحداً به عنوان جامعه جهانی کوشش خواهیم کرد تا وحدت عالم انسانی استقرار یابد.

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خویش، نوه خود را بعنوان ولی امرالله منصوب فرمودند. بعد از صعود ایشان حضرت شوقی افندی مبین موقت تعالیم شدند. به مدت سی و شش سال وظائف پدر بزرگشان را ادامه دادند. آیات مظهر ظهور را تبیین نمودند و امرش را در کمال استحکام در اکناف عالم مستقر ساختند. پنج سال و نیم پس از صعود حضرت شوقی ربّانی، بهائیان دنیا بیت العدل اعظم الهی را همانگونه که در کتاب مستطاب اقدس بوسیله حضرت بهاء الله تشریح شده و بوسیله حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله بخوبی تشریح گشته بود، انتخاب نمودند. بیت العدل اعظم الهی مؤسسه عالی دیانت بهائی است که امروزه مرجع تمام بهائیان عالم است.

## قسمت شانزدهم

احتمالاً متوجه شدید که این قسمت از صحبت‌های آنا تا حدی سنگین است زیرا او در چند جمله مفاهیم بسیار مهم و عمیقی را به امیلیا توضیح می‌دهد. تمرین ذیل به شما کمک می‌کند تا مطالب آنا را مفصلتر بررسی کنید.

۱. تا حال، آنا بر طبق پیام بیت العدل اعظم راجع به مقام حضرت باب مبشر دیانت بهائی و حضرت بهاء الله، شارع و مؤسس آن با امیلیا صحبت کرد. او حالا می‌خواهد به امیلیا کمک کند که مقام حضرت عبدالبهاء را بشناسد. برای انجام این کار، آنا راجع به مفهوم عهد و میثاق حضرت بهاء الله صحبت می‌کند. به منظور کمک به امیلیا در کسب و درک این دو مفهوم و رابطه مستقیم بین آنها حقایق متعددی را معرفی می‌کند.

قسمت ذیل لیستی از این حقائق است. هدف هر عبارت، بالا بردن درک امیلیا از یکی از این مفاهیم و یا هر دو مفهوم می‌باشد. جلوی جملاتی که بیشتر مقام حضرت عبدالبهاء را نشان می‌دهد با شماره (۱) علامت بگذارید و در جلوی جملاتی که بیشتر به مفهوم عهد و میثاق حضرت بهاء الله اشاره می‌کند با شماره (۲) علامت بگذارید. اگر احساس می‌کنید که جمله‌ای بطور یکسان در درک و فهم هر دو مفهوم کمک می‌کند با شماره (۱) و (۲) علامت بگذارید.



- \_\_\_\_\_ همهٔ ادیان به علت نداشتن مبین منصوص به فرقه‌های متعدد تقسیم شده‌اند.
- \_\_\_\_\_ حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله می‌باشند.
- \_\_\_\_\_ حضرت عبدالبهاء مبین بیانات حضرت بهاء‌الله می‌باشند.
- \_\_\_\_\_ تأسیس بیت العدل اعظم بوسیلهٔ حضرت بهاء‌الله پیش بینی شده بود.
- \_\_\_\_\_ حضرت عبدالبهاء نوهٔ خود را در الواح وصایای خود، بعنوان ولی امرالله منصوب فرمودند.
- \_\_\_\_\_ حضرت عبدالبهاء هزاران لوح در توضیح تعالیم بهائی به رشته تحریر درآوردند.
- \_\_\_\_\_ حضرت بهاء‌الله دیانت خود را با القای قوهٔ میثاق از تقسیم به فرق مختلفه محافظت فرمودند.
- \_\_\_\_\_ حضرت عبدالبهاء مثل اعلای تعالیم حضرت بهاء‌الله می‌باشند.
- \_\_\_\_\_ حضرت عبدالبهاء به همهٔ کسانی که به حضورشان مشرف می‌شدند شادی و سرور می‌بخشیدند.
- \_\_\_\_\_ حضرت بهاء‌الله بطور وضوح و کتباً فرمودند که بعد از صعودشان تمام بهائیان باید به حضرت عبدالبهاء توجه نمایند.
- \_\_\_\_\_ میل به رهبری، می‌تواند عامل عدم وحدت در دین باشد.
- \_\_\_\_\_ حضرت عبدالبهاء شب و روز کوشش نمودند تا امرالله را در شرق و غرب انتشار دهند.
- \_\_\_\_\_ مدت کوتاهی پس از صعود حضرت ولی امرالله، بهائیان جهان بیت العدل اعظم الهی را انتخاب نمودند.
- \_\_\_\_\_ عدم وجود مبین منصوص در دین در اختلاف و تفرقه را می‌گشاید.

## قسمت هفدهم

آنا ضمن توضیحاتش در مورد عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله و مقام حضرت عبدالبهاء متوجه می‌شود که امیلیا تحت تأثیر قرار گرفته است. او به سرعت در ذهنش دو طریق را در نظر می‌گیرد؛ با صرف وقت بیشتر موضوع را عمیق‌تر مورد بررسی قرار دهد و یا صحت‌هایش را ادامه دهد و مطمئن شود که در فرصت دیگری بزودی دوباره موضوع عهد و میثاق را مطالعه خواهند نمود. آنا تصمیم می‌گیرد که راه دوم را برگزیند و به این ترتیب ادامه می‌دهد:

بسیاری از مطالبی که در باره این موضوع اخیر بیان کردم، محتاج به تفکر زیاد است. اگر موافق باشی در فرصت دیگر و با تعمق بیشتر در این باره صحبت خواهیم کرد. برای آن بحث، فقراتی از کتاب عهدی حضرت بهاء الله و نیز الواح و صایای حضرت عبدالبهاء را خواهم آورد تا آنها را با هم مطالعه کنیم. اجازه بده ادامه بدهم و به ارائه برخی دیگر از عقاید دیانت بهائی که تو مایلی از ابتدا آنها را بدانی، پردازم.

امیلیا موافقت می کند و با مهربانی می گوید که بسیار از این توضیحات استفاده نموده و تا حدودی به اهمیت عهد و میثاق حضرت بهاء الله پی برده است. و بیصبرانه منتظر است تا به زودی بقیه مطالب را با هم مطالعه کنند. آنها خوشحال و با آرامش صحبت هایش را ادامه می دهد:

مهم ترین جنبه هر دیانت احکامی است که مظهر ظهور برای هدایت بشر به راه راست نازل می کند. برخی از این احکام و اوامر جاودانی است، بعضی دیگر با پیشرفت و تکامل بشریت تغییر می کند. در این امر بما تعلیم داده میشود که نباید احکام بهائی را بعنوان مجموعه ای از اوامر و نواهی در نظر بگیریم. حضرت بهاء الله در مورد احکامشان می فرمایند:

**"ان اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی" (۳)**

(مذکور در قسمت چهارم همین بخش) (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بدرستی که اوامر من چراغهای عنایت منند بین بندگان و کلیدهای رحمت من برای آفریدگان من.)

اطاعت از این دستورات و احکام نباید از روی ترس از مجازات باشد. در کتاب مستطاب اقدس به صراحت می فرمایند: "ان اعمالوا حدودی حبا لجمالی" (۱۴)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: احکام مرا به خاطر محبت جمال من عمل کنید.)

برای روشن شدن این موضوع چند مثال از احکام بهائی را برایت ذکر می کنم. در دنیای جسمانی انسانها باید هر روز غذا بخورند. این یک نیاز جسم انسان است. اگر غذا نخوریم بیمار شده و می میریم. پس می توان گفت که غذا خوردن روزانه، قانون وجود جسمانی است که باید اطاعت شود. بهمین ترتیب یکی از دستورات حضرت بهاء الله این است که ما هر روز باید دعا و مناجات بخوانیم. روح ما هم مانند جسم ما، به تغذیه نیاز دارد. دعا و مناجات سبب رشد روحانی ما می شود. مناجات های بسیاری از حضرت باب، حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نازل گردیده است که میتوان در تنهایی و یا در جلسات آنها را تلاوت نمود. بعضی از این ادعیه مخصوص است و برخی دیگر فرض و واجب می باشد. یکی از دعا های واجب که هر روز بین ظهر و غروب باید خوانده شود نماز صغیر است. متن آن اینست:

**"اشهد یا الهی بانک خلقتنی لعرفانک و عبادتک اشهد فی هذا الحین بعجزی و قوتک و ضعفی و اقتدارک و فقری و غنائک لا اله الا انت المهیمن القیوم." (۱۵)**

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای خدای من گواهی می‌دهم که تو مرا برای شناسائی خودت خلق کردی در این هنگام من به عجز خود و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی‌نیازی تو گواهی می‌دهم. نیست خدایی جز تو که مهیمن و قیوم هستی.)

این دعای بسیار کوتاه و زیبایی است و به نظر می‌رسد حفظ کردن برای شما آسان باشد. مطمئن هستم بعد از چند بار تکرار آن را حفظ خواهید شد.

در حکم دیگری حضرت بهاء‌الله غیبت و افتراء را منع می‌فرمایند. این بسیار مهم است چون اگر به آن فکر کنی متوجه می‌شوی که یکی از بزرگترین دشمنان وحدت غیبت است. متأسفانه این یک عادت است در بین مردم که راجع به عیوب دیگران در غیابشان صحبت کنند. به نظرمی رسد همه نگران عیوب دیگران می‌باشند، و این عیوب همینطور که راجع به آنها صحبت می‌شود، بزرگتر و بزرگتر می‌گردد. حضرت عبدالبهاء بما می‌آموزند که باید برعکس رفتار نمائیم. اگر ده صفت پسندیده در شخصی می‌بینیم و یک صفت ناپسند، باید متوجه آن ده صفت خوب باشیم و در صورتی که فردی ده صفت ناپسند و یک صفت پسندیده داشته باشد، بهتر است که متوجه همان یک صفت پسندیده باشیم.

امیلیا که با توجه و علاقه خاصی به نظریات آخرآنا گوش می‌دهد، چند حادثه اخیر را در مدرسه به یاد می‌آورد که در آنها غیبت، باعث رنجش چند نفر شده. دو دوست مدتی در مورد اینکه چگونه غیبت دوستی‌ها را از بین می‌برد، صحبت می‌نمایند. آنا در کتابچه یادداشتش جستجو کرده و متن زیر را می‌خواند:

"ای رفیق عرشی بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل برمیار. یعنی بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلت نفسی مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزّه در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوبست فارغ باش تا بفراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقرّیابی." (۱۶)

سپس آنا ادامه می‌دهد:

گرچه این موضوع زیاد به سنّ و سال ما مربوط نمی‌شود ولی خوبست بدانی که حضرت بهاء‌الله نوشیدن مشروبات الکلی و استعمال موادّ مخدّر را منع فرموده‌اند. در دنیای امروز، یکی از بزرگترین مشکلات جامعه نوشیدن مشروبات الکلی است که یکی از رایج‌ترین دلایل خشونت و سبب تباهی حیات یک خانواده سالم است. راستش را بگویم هرگز نفهمیدم که چرا مردم باید چیزی مصرف کنند که ذهنشان را مختل نماید و باعث شود توانائی تفکر صحیح را از دست بدهند. مصرف مشروبات الکلی باعث می‌شود انسان اعمال شرم آور انجام دهد علی‌رغم آنکه انسان موجودی شریف آفریده شده است. بیان زیبایی از حضرت بهاء‌الله در باره شرافت انسان بیاد دارم که می‌فرمایند:

"يا ابن الروح خلقتك غنياً كيف تفتقرُ و صنعتك عزيزاً بم تستدُّ و من جوهر العلم اظهرتك لم تستعلم عن دوني و من طين الحب عجتك كيف تشتغل بغيري فارجع البصر اليك لتجدني فيك قائماً قادراً مقتدرًا قيوماً." (۱۷)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پسر روح تو را بی نیاز آفریدم، چگونه است که خود را محتاج می‌نمایی، تو را عزیز آفریدم به چه سبب طلب ذلت می‌کنی. تو را از جوهر علم ظاهر ساختم، چرا از غیر من طلب علم می‌نمایی. تو را از خاک محبت سرشتم، چگونه خود را به غیر من مشغول می‌سازی، پس چشم را بگشای و خود را بنگر تا مرا در وجود خویش قائم، قادر، مقتدر و قیوم یابی.)

یکی دیگر از تعالیم حضرت بهاءالله که بسیار مورد علاقه من است، راجع به وظیفه والدین و جامعه برای تربیت اطفال است. در دفتر یادداشت‌هایم بیانی از آثار حضرت عبدالبهاء دارم که این مطلب را بخوبی تشریح می‌فرمایند:

"پس باید احبای الهی و اماء رحمانی بجان و دل اطفال را تربیت نمایند و در دبستان فضل و کمال تعلیم فرمایند در این خصوص ابدأ فتور نکنند و قصور نخواهند البته طفل را اگر بکشند بهتر از این است که جاهل بگذارند زیرا طفل معصوم گرفتار نقائص گوناگون گردد و در نزد حق مؤاخذ و مسؤول و در نزد خلق مذموم و مردود. این چه گناه است و این چه اشتباه!

"اول تکلیف یاران الهی و اماء رحمانی آن است که (بای وجه کان) در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ابدأ فرقی نیست جهل هر دو مذموم و نادانی هر دو نوع مبعوض. وهل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون." (۱۸)

بعد از تعمق در این تعلیم عالی، تصمیم گرفتم خدمتی در این مورد انجام دهم. با کمک یکی از دوستان هفته‌ای یکبار کلاس درس اطفال تشکیل دادم و حال هفته شاگرد داریم. میل دارم از تو هم دعوت کنم که در اداره کلاس بما کمک کنی. عصر روز شنبه همین هفته وقت داری؟

## قسمت هیجدهم

برای کمک جهت فهم و درک این قسمت از صحبت‌های آنا تمرین‌های زیر را انجام دهید.

۱. آنا در این قسمت از اظهاراتش، کوشش می‌کند که از راهنمایی بیت العدل اعظم در مطلع کردن متحرّی حقیقت از وجود احکام و وجوب اطاعت آنها، پیروی نماید. با کدام یک از جملات زیر موافق هستید؟

\_\_\_\_\_ در این مرحله، بهتر است آنها ذکر از احکام ننماید. در جامعه امروز مردم به آزادی فردی خیلی ارزش قائلند و موضوع "احکام دینی" آنها را از دین دور می‌کند.

\_\_\_\_\_ آنها باید اگر نه همه، ولی اکثر احکام بهائی را برای امیلیا بیان کند، مثلاً قوانین ارث، ازدواج، تدفین و حقوق الله. در غیر این صورت امیلیا کاملاً از مفهوم بهائی بودن آگاه نخواهد شد.

\_\_\_\_\_ مهم‌ترین موضوع برای امیلیا فهم این حقیقت است که در آئین بهائی احکام و حدودی وجود دارد و کیفیت این احکام را بداند و متوجه باشد، بعنوان یک بهائی باید از آنها پیروی نماید. در این مرحله نیازی نیست که او از کلیه احکام مطلع باشد.

\_\_\_\_\_ برای هدفی که آنها دارد ارائه یک حکم، مثل حکم نماز کافیهست، با بیان چهار حکم، آنها قدری زیاده روی نموده است.

\_\_\_\_\_ توضیح آنها در مورد حکم نماز بسیار مؤثر است. در مقدمه با بیان یکی از قوانین که بر عالم جسمانی حکم می‌کند، آنها می‌توانند معنی "احکام" را برای امیلیا شرح دهد و به او کمک کند از موضوع "بکن" و "نکن" دور شود.

\_\_\_\_\_ صحبت کردن با یک طالب حقیقت در باره نهی حضرت بهاء الله از مصرف مشروبات الکلی فکر خوبی نیست، مخصوصاً با شخص جوانی که سعی می‌کند هویت خود را تثبیت نماید و نشان دهد که بالغ شده است. طبیعتاً مایل خواهد بود که مشروب الکلی را امتحان کند و هر ذکر در این مورد او را از امر دور می‌کند.

\_\_\_\_\_ روشی که آنها برای تشریح نهی حضرت بهاء الله از نوشیدن مشروبات الکلی اتخاذ کرده، مناسب است. با بیان تأثیرات الکل بر عقل انسان، آنها حکمت این حکم را به ثبوت می‌رساند. بعلاوه با عنوان کردن شرافت انسان، ارزش و مقام روحانی والاتری به این حکم می‌دهد.

\_\_\_\_\_ آنها با عدم تأکید قاطع در اطاعت از احکام حضرت بهاء الله دچار اشتباه می‌گردند. در حقیقت او باید مسئله مجازات اداری در عدم اطاعت از احکام را مطرح کند تا امیلیا بداند که عواقب عدم اطاعت چیست.

\_\_\_\_\_ در حالیکه آنها خیلی محکم راجع به اطاعت اوامر حضرت بهاء الله بحث نمی‌کند، به امیلیا بیان می‌کند که اطاعت احکام باید ناشی از عشق به خدا و نه ترس از مجازات باشد. وقتی امیلیا بهائی شود اطاعت احکام نتیجه طبیعی عشق او به حضرت بهاء الله خواهد بود.

\_\_\_\_\_ اگر شما فردی را تبلیغ می‌کنید که مشکل نوشیدن مشروبات الکلی دارد توضیح حکم نهی نوشیدن الکل بسیار مهم است. در این صورت البته باید به او متذکر شوید که اگر بهائی شود، باید فوراً مصرف مشروبات الکلی را قطع نماید.

\_\_\_\_\_ اگر شما فردی را تبلیغ می‌کنید که مشکل مصرف مشروبات الکلی دارد توضیح نهی مصرف مشروبات الکلی بسیار مهم است. با در نظر گرفتن مشکل او، می‌توانید به او بگوئید که ادامه استعمال مشروبات الکلی بعد از بهائی شدن برای او بلا مانع است فقط باید مواظب باشد که کسی متوجه این مطلب نشود.

\_\_\_\_\_ اگر شما فردی را تبلیغ می‌کنید که مشکل مصرف مشروبات الکلی دارد، مهم است که شما حکم حضرت بهاءالله را در مورد استعمال الکل همراه سایر احکام برای او توضیح دهید. همچنین باید به او متذکر شوید که پیروی از هر امری همیشه آسان نیست، ما کامل نیستیم و در بعضی احوال اشتباهاتی می‌کنیم. ولی وقتی به حقانیت حضرت بهاءالله ایمان می‌آوریم و دعا می‌خوانیم او خودش کمک می‌کند تا به ضعفهای خود غالب شویم و به ما قوت می‌دهد تا احکامش را اجراء کنیم.

۲. فرض نمائید فردی را تبلیغ می‌کنید که اعتقاد به خدا برایش سخت است. آیا به چنین فردی حکم نماز را بیان می‌کنید؟ اگر پاسخ شما مثبت است، چگونه این کار را انجام می‌دهید؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت نوزدهم

اولین مکالمهٔ آن با امیلیا در مورد امر بهائی کم کم به انتها می رسد. امیلیا با علاقهٔ وافر به سخنان او توجه کرده است و این توجه باعث تشویق آن در شرح نسبتاً مفصل بعضی از مطالب گردیده است. حال آن باید توضیحات مقدماتی خود را خاتمه دهد:

مطمئن هستم که می دانی من تو را برای پیوستن به یک دیانت، نه قبول مجموعه‌ای از آرمانهای خوب دعوت می کنم. در حقیقت دیانت بهائی دیانتی با نظم است که هدفش چیزی جز وحدت عالم انسانی نیست. این به شما کمک می کند که بدانید کار بهائیان ساختن یک مدنیت جهانی است. بیت العدل اعظم می فرماید که در انجام این هدف سه نوع شرکت کننده وجود دارد که هر کدام نقش بسیار مهمی دارد.

اولین شرکت کننده، فرد بهائست. وظیفهٔ این فرد است که در عهد و میثاق الهی ثابت قدم باشد، و روزانه نهایت کوشش نماید تا زندگی خود را با تعالیم حضرت بهاءالله تطبیق دهد. در خدمت جامعهٔ انسانی بکوشد و همواره بیاد داشته باشد که زندگی انسان با مرگ پایان نمی پذیرد بلکه رابطهٔ انسان با آفریدگار ابدی است. پس از مرگ روحمان آزاد می شود و پیشرفت خود را به سوی خدا تا الی الابد ادامه می دهد. زندگی ما در این دنیا مانند حیات جنین در رحم مادر است. به مدت نه ماه جنین قوایی را کسب می کند مانند چشم، گوش، دست و غیره تا در آینده در این دنیا از آنها استفاده کند. به همین ترتیب ما در این دنیا باید قوای روحانی که برای پیشرفت در سائر عوالم الهی به آن احتیاج داریم را کسب نماییم. البته فقط با تفکر در این مورد به این هدف نمی رسیم باید عامل باشیم و به هم نوع خود خدمت کنیم و دانشی را که بدست می آوریم با دیگران در میان گذاریم.

دومین شرکت کننده جامعه است. انسان برای تنها زیستن خلق نشده است. ما در جامعه زندگی می کنیم و باید با یکدیگر همکاری کنیم تا مدنیت جدیدی را بسازیم. نزدیکترین جامعه به ما جامعهٔ محلی است که متشکل از بهائیان شهر و یا قریهٔ ما است. در این جامعهٔ محلی است که یاد می گیریم با یکدیگر همکاری کنیم، با یکدیگر پیشرفت کنیم و متحد شویم. در عین اینکه عضو جامعهٔ محلی هستیم عضو جامعهٔ ملی و جامعهٔ جهانی بهائی نیز می باشیم که مستراً گسترش می یابد و مردم کثیری را از ادیان و ملیتها و نژادهای مختلفه جذب می کند.

بیت العدل اعظم به ما می فرماید که، مؤسسات امری سومین شرکت کننده در بنای تمدن نوین جهانی می باشد. این موضوعی است که بعداً وقتی در مورد عهد و میثاق بحث می کنیم بیشتر راجع به آن باید صحبت کنیم. فقط همینقدر بگویم که در بین تعالیم حضرت بهاءالله، بسیاری از احکام در بارهٔ نحوهٔ ایجاد نظم در جامعه است. در گذشته مظاهر مقدسهٔ الهی مطالب زیادی راجع به این مسئله بیان نکرده اند و لذا پیروان بودند که باید بنحوی طرق مناسب را پیدا می کردند. اما در امر بهائی، حضرت بهاءالله نظم اداری آئین بهائی را معرفی نمودند و این به این معناست که فرموده اند، چه نوع مؤسساتی را باید تأسیس کنیم، چگونه باید این مؤسسات کار کنند و چگونه جامعهٔ بشری باید اداره گردد.

در مورد مؤسسه عالی که بیت العدل اعظم الهی است، صحبت کرده‌ایم در هر کشوری، بهائیان سالی یکبار محفل روحانی ملی و در هر محلی محفل روحانی محلی را انتخاب می‌نمایند. این مؤسسه‌ای است که بزودی با آن آشنا خواهی شد. در امر بهائی، کشیش یا آخوند وجود ندارد و محفل روحانی محلی است که امور جامعه خود را اداره می‌نماید و مراقب سعادت و رفاه افراد و پیروان جامعه می‌باشد. محفل روحانی محلی نه عضو دارد که در جو روحانی از طریق رأی مخفی توسط افراد بالغ جامعه انتخاب میشوند. محافل روحانی اهمیت فوق‌العاده‌ای برای بهائیان دارد. از طریق آنهاست که ما می‌آموزیم چگونه امور جامعه باید اداره شود و چگونه می‌توان یک نظم جدید را در جامعه تأسیس نمود، نظمی که به نظم جهانی حضرت بهاء‌الله شناخته خواهد شد.

تصور می‌کنیم که صحبت‌های آن‌ا و امیلیا در اینجا به پایان می‌رسد. امیلیا واضحاً مشتاق ادامه گفتگو در روز دیگر است. آن‌ا یک کتاب مناجات کوچک را از کیفش بیرون می‌آورد و بعنوان هدیه به امیلیا می‌دهد و پیشنهاد می‌کند قبل از جدا شدن از یکدیگر، مناجاتی تلاوت نمایند. امیلیا کتاب را باز می‌کند و می‌خواند:

"هو الله ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدای توگردم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و بغیر از راه تو نپویم و بجز راز تو نگویم مانند مرغ سحر در دام محبت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم یا بهاء‌الابهی ع" (۱۹)

گرچه روایتی را که از صحبت‌های آن‌ا و امیلیا برای شما نقل کردیم واقعی نبود ولی بر اساس تجربه هزاران بهائی در سراسر عالم است. بعنوان پایان داستان، با اطمینان می‌توانیم بگوئیم که پس از یک یا دو گفتگو، در طول چند روز بعد، امیلیا به جامعه بهائی خواهد پیوست.

## قسمت بیستم

بیانید بطور کلی نحوه معرفی دیانت بهائی را بوسیله آن‌ا در طی دو تمرین زیر بررسی کنیم:

۱. صحبت‌های آن‌ا با تمرکزی که بخصوص در قسمت‌های آخر مطالب بوجود آورد اساس درک امیلیا را از مسؤولیت‌هایش به عنوان فرد مؤمن، و شرکتش در فعالیت‌های جامعه و در ارتباط آینده او با مؤسسات بهائی شکل خواهد داد.

آن‌ا چه تصویری از یک فرد مؤمن بهائی می‌خواهد نشان دهد؟ بعضی از خصوصیات این فرد چیست؟



---

---

---

---

آنا سعی می‌کند چه تصویری از جامعهٔ بهائی نشان دهد؟ بعضی از خصوصیات آنرا توضیح دهید؟

---

---

---

---

آنا سعی می‌کند چه تصویری از مؤسّسات بهائی به دوستش ارائه کند؟ برخی از خصوصیات آنها را توضیح دهید؟

۲. در تمام مدّت، آنا کوشش می‌کند که به امیلیا یاری کند تا دیانت بهائی را بپذیرد. کدامیک از جملات ذیل نکتهٔ اصلی در درخواست او می‌باشد؟

\_\_\_\_\_ بهائیان افراد خوبی هستند و جامعهٔ بهائی، جامعه‌ای متّحد است لذا تو هم باید به ما بپیوندی.

\_\_\_\_\_ دیانت بهائی شامل پیشرفته‌ترین تعالیم روحانی و اجتماعی است و از آنجا که تو این تعالیم را پذیرفته‌ای بنابراین تو بهائی هستی.

\_\_\_\_\_ با معرفی اجمالی من از دیانت بهائی، حال خودت باید مطالعات عمیقی از دیانت بهائی بعمل آورده و تصمیم بگیری که آیا میل داری بهائی شوی یا خیر؟

\_\_\_\_\_ براساس آنچه که ذکر کرده‌ام، توضیحاتی که خواهم داد، متوجه خواهی شد که حضرت بهاء‌الله مظهر ظهور الهی در این زمان می‌باشند و در تو اشتیاق اینکه یکی از پیروان وفادار ایشان باشی بوجود می‌آید.

## قسمت بیست و یکم

در بررسی عمل تبلیغ، ما تا اینجا نقش ابلاغ امر، توانائی شناسائی نفوس مستعد و خصوصیات چند از محتوای پیامی که باید به طالبان حقیقت ارائه دهیم را، مورد بررسی قرار دادیم. ما این را می‌دانیم که باید وظیفه تبلیغی خویش را حداقل از دو طریق انجام دهیم: از طریق نقشه‌های فردی و دیگر شرکت در پروژه‌هایی که به وسیله مؤسسات اداری تهیه و تنظیم می‌شود. در اینجا اجازه دهید این دو طریقه را با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار دهیم. اول با نقشه‌های منظم تبلیغی فردی آغاز می‌کنیم. شما از قبل با نصّ ذیل که در دوره‌های گذشته مطالعه کرده‌اید آشنا هستید ولی حال از شما خواسته می‌شود که در معانی آن دقیقتر بیندیشید، زیرا در آن، عوامل اساسی هر نقشه تبلیغی فردی ارائه شده است.

"ان یا ایها المسافر الی الله خذ نصیبک من هذا البحر و لا تحرم نفسک عما قدّر فیہ و کن من الفائزین. و لو یرزقن کلّ من فی السموات و الارض بقطرة منه لیغنین فی انفسهم بغناء الله المقتدر العظیم الحکیم. خذ بید الانقطاع غرفة من هذا البحر حیوان ثم رشح منها علی الکائنات لیطهرهم عن حدودات البشر و یقرّبهم بمنظر الله الاکبر هذا المقرّ المقدّس المنیر."

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای مسافر الی الله نصیبت را از این دریا بگیر و خود را از آنچه خداوند برای تو مقدّر کرده محروم مساز. اگر همه آنچه در زمین و آسمان است به قطره‌ای از آن مرزوق شود به غنای خداوندی غنی خواهند شد، تو نیز با دستهای انقطاع مشتی از آن بردار و به جهانیان پیاش تا آنان را از حدودات بشری پاک سازد و بمنظر اکبر، این مقرّ مقدّس رهنمون شوند.)

"و ان وجدت نفسک وحیداً لا تحزن فاکف بریک ثم استأنس به و کن من الشاکرین. بلغ امر مولاک الی کلّ من فی السموات و الارض. ان وجدت مقبلاً فاطهر علیه لثالی حکمة الله ربک فیما القاک الروح و کن من المقبلین و ان وجدت معرضاً فاعرض عنه فتوکّل علی الله ربک و ربّ العالمین." (۲۰)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: اگر خود را تنها یافتی محزون مباش به الطاف پروردگارت کفایت کن و به او مؤانس شو و به شکرانه بپرداز امر مولایت را به جمیع اهل آسمانها وزمین ابلاغ کن، اگر کسی اقبال کرد لثالی حکمة الهی را، آنچنان که حضرت روح به تو القاء کرد بر او عرضه دار و خود نیز از مقبلین باش و اگر اعراض نمود تو نیز از او روی بگردان و به خداوند، پروردگارت و پروردگار عالمیان توکل کن.)

۱. جمله‌های زیر را کامل کنید:

الف) ما باید \_\_\_\_\_ خود را از دریای \_\_\_\_\_ بگیریم.

ب) باید با دستهای \_\_\_\_\_ مقداری از این دریای \_\_\_\_\_ بهره بگیریم.

ج) باید قطره‌ای از آب حیات بخش فیض الهی بر \_\_\_\_\_ بپاشیم.

د) نباید \_\_\_\_\_ شویم اگر این کار را \_\_\_\_\_ انجام دهیم.

ه) باید با خدای خود \_\_\_\_\_.

و) ما باید \_\_\_\_\_.

ز) باید امر مولای خود را به همه اهل زمین و آسمان \_\_\_\_\_.

ح) اگر نفسی اقبال نمود باید \_\_\_\_\_ الهی را بر او \_\_\_\_\_ دار.

ط) اگر نفسی اعراض نمود ما باید از او \_\_\_\_\_ و به خداوند \_\_\_\_\_.

۲. باید سهم خود را از دریای فیض الهی بگیریم، چه معنایی دارد؟

---

---

---

۳. چه چیزهایی در اعماق دریای الهی نهفته است که اگر کشف شود ما را قادر خواهد ساخت که مبلغین مؤثر امرالله شویم؟

---

---

---

---

۴. یک قطره از دریای فیض الهی چه کار می‌کند؟

---

---

۵. چرا باید با "دستهای انقطاع" از آب حیات بخش این بحر، نصیبی برداریم؟

---

---

۶. با آبی که از دریای فیض الهی بر می‌داریم چه باید بکنیم؟

---

۷. این پاشیدن چه تأثیری خواهد داشت؟

---

---

۸. آیا همیشه باید با کمک دیگر احباء تبلیغ نمائیم؟

---

۹. وقتی که تبلیغ امر و ابلاغ کلمه می‌کنیم آیا به کسی دیگری جز خدا نیاز مندیم؟

---

۱۰. وقتی که تبلیغ امر و ابلاغ کلمه می‌کنیم با چه کسی باید راز و نیاز کنیم؟

---

۱۱. وقتی تبلیغ امرالله و ابلاغ کلمه می‌کنیم چرا باید شاکر باشیم؟

---

---

۱۲. به چه کسی باید امرالله را ابلاغ کنیم؟

---

۱۳. چه کسی را باید تبلیغ کنیم؟

---

۱۴. اگر ابلاغ امر با اعراض روبرو شد، چکار کنیم؟

---

۱۵. آیا اعراض از نفوسی که پیام را قبول نکردند بدین معناست که باید از دوستی با آنان خودداری نمائیم؟ یا اینکه فقط به این معناست که در صحبت با آنان در مورد امر اصرار نکنیم؟

---

---

۱۶. در قسمت زیر چند عبارت راجع به تبلیغ ارائه می‌شود. مشخص کنید کدام یک با بیان حضرت بهاءالله در فوق مطابقت دارد. علامت بگذارید:

\_\_\_\_\_ تصمیم گرفتم شخصی را که باید تبلیغ کنم دوست صمیمی ام می‌گول باشد. بنابراین در پنج سال گذشته کوششهای تبلیغی خود را فقط در او متمرکز نمودم. او اظهار علاقه نمی‌کند، اما یک روز علاقه مند خواهد شد. اساساً این نقشه تبلیغی فردی من است.

\_\_\_\_\_ فکر می‌کنم که وظیفه ما ابلاغ امرالله به مردم است، دیگر بستگی به خودشان دارد اگر مایل بودند بیشتر تحقیق کنند. اگر واقعاً بخواهند می‌توانند تقاضا کنند که یک کتاب برای مطالعه بآنها داده شود که بتوانند برای خود تصمیم بگیرند.

\_\_\_\_\_ دیروز، ضمن صرف قهوه پیام حضرت بهاء‌الله را برای یکی از همسایگانم توضیح می‌دادم پس از مدتی گفت گرچه به اشتیاق من احترام می‌گذارد ولی از دیانت خود خوشحال است. ولی این موضوع را طوری بیان داشت که روشن بود در مصاحبه و مکالمه دربارهٔ امر را در آینده بطور کامل نبسته است. بنابراین دفعهٔ دیگر که او را ملاقات کنم برای او توضیح خواهم داد که نیازی نیست تا انسان مذهب خود را ترک نماید ولی هر چیزی، حتی دیانت باید تجدید گردد.

\_\_\_\_\_ وقتی کسی می‌گوید علاقه‌ای به شنیدن مطالبی دربارهٔ امرالهی ندارد، واقعاً بدین معنا نیست که علاقه ندارد. من باید اصرار کنم.

\_\_\_\_\_ فردی که می‌داند من بهائی هستم ولی هیچ سؤالی در مورد امر از من نمی‌کند بدین معناست که علاقه مند نیست.

\_\_\_\_\_ کوشش می‌کنم تا آنجا که ممکن است با اشخاص متعدّد ملاقات کنم و هر وقت که موقعیت مقتضی بود، در مورد امر با ایشان صحبت کنم. اگر آنها را مستعدّ و علاقه‌مند یافتم، به تبلیغ آنان ادامه خواهم داد تا وقتی که سرانجام آنها را برای گرویدن به امر بهائی دعوت کنم.

## قسمت بیست و دوم

بیان حضرت بهاء‌الله را که اخیراً مطالعه کردیم، هر نفس مؤمنی را به قیام و تبلیغ دعوت می‌نماید. اما این بیان قدم‌های معینی را نیز که ما باید برای اجرای این وظیفهٔ مقدّس برداریم در اختیارمان می‌گذارد. با در نظر گرفتن نصّ بالا، از شما خواسته می‌شود که توجه خود را به طرح نقشهٔ منظم تبلیغی شخصی معطوف نمائید. بعضی از عوامل چنین نقشه‌ای چه خواهد بود؟ انجام تمرین‌های زیر، بشما یاری می‌کند تا عوامل لازم را برای نقشهٔ خود مشخص نمائید. در حالی که این کار را انجام می‌دهید به زندگی خود بیندیشید و برطبق موقعیت‌های شخصی خود به آن پاسخ دهید.

۱. واضحاً قسمت اساسی نقشهٔ تبلیغی فردی شما تصمیم قاطع شما است که روزانه سعی بلیغ نمائید تا نفوس مستعدّ را بیابید و آنان را تبلیغ کنید. هر زمان که تصمیم قطعی برای انجام کاری می‌گیریم، عزم و ارادهٔ ما مورد امتحان قرار می‌گیرد و بدون شک موانعی بوجود می‌آید. در رابطه با تبلیغ نیز با موانعی مانند مخالفت با امرالله و یا موقعیت کنونی دنیا مواجه می‌شویم. فی‌المثل مادّه پرستی در جامعه و بی تفاوتی مردم در امور روحانی می‌تواند کوششهای ما را برای تبلیغ دشوارتر کند.

بعضی از موانعی که در نتیجهٔ وضعیت کنونی دنیا ضمن تبلیغ با آنها مواجه خواهید شد کدام است؟

(الف)

- (ب) \_\_\_\_\_
- (ج) \_\_\_\_\_
- (د) \_\_\_\_\_
- (ه) \_\_\_\_\_
- (و) \_\_\_\_\_

متأسفانه گاهی اوقات احتمال دارد کوششهای تبلیغی ما بوسیله دوستانمان\_حتی دوستان بهائی دچار اشکال شود، که بدون توجه باعث دلسردی ما در تعقیب اهدافمان می شود. مثلاً منفی نگری آنهایی که بدلائل مختلف در تبلیغ موفق نبوده اند و تعصبات بعضی نسبت به گروه خاصی از مردم، می تواند موانعی در راه ما بشود. موانع دیگر از این نوع را ذکر کنید؛

- (الف) \_\_\_\_\_
- (ب) \_\_\_\_\_
- (ج) \_\_\_\_\_
- (د) \_\_\_\_\_
- (ه) \_\_\_\_\_
- (و) \_\_\_\_\_

۲. پس از تصمیم به قیام و تبلیغ امر باید راجع به موقعیت و شرایط زندگی خود بیندیشید. بر این اساس درمی یابید که شرایط کنونی زندگی شما چه موقعیت های تبلیغی در دسترس شما قرار می دهد. یک پاراگراف کوتاه در مورد موقعیت زندگی خود بنویسید، مثلاً شغل شما چیست، در کجا زندگی می کنید، با چه نوع افرادی برخورد می کنید، چه منابعی در اختیار دارید و غیره:

---



---



---



---



---



---



---

---

---

---

---

---

با در نظر داشتن مطالب فوق، امکانات مختلفی که در زندگی شما جهت تبلیغ منظم وجود دارد را بنویسید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۳. در قسمتی که در درس گذشته مطالعه نمودید، از شما خواسته شده است که به حد امکان به تعداد زیادی از مردم امرالهی را ابلاغ نمائید و "آب حیات بخش" را از "دریای فیض الاهی" بگیریید و بر تمام کائنات "بپاشید" بنابراین بعنوان یک جنبه دیگر از نقشه تبلیغی شخصی، لازم است مستمراً در فکر آن باشید که چگونه می توانید افراد جدید را ملاقات نمائید که بعضی از آنها مستعد شنیدن پیام حضرت بهاءالله خواهند بود. بعنوان مثال می توانید در سازمانی که اهدافش با تعالیم امر بهائی توافق دارد عضو شوید. اگر در نزدیکی یک سازمان آموزشی زندگی می کنید، می توانید در سخنرانیهای مانند رشد و توسعه اخلاقی، ترقی زنان و امر تطابق ادیان شرکت جوئید. این جنبه نقشه شما بسیار مهم است، زیرا اگر دائماً افراد جدید را ملاقات نکنید، نهایتاً تمام توجه شما بر همان افرادی متمرکز می گردد که سالیان متمادی با آنها برخورد کرده اید که شاید اکثرشان مستعد نباشند. چند طریق را که به آن وسیله می توانید با افراد بیشتری ملاقات کنید بنویسید:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۴. همانطور که با تعداد بیشتری از مردم تماس می‌گیرید، امر بهائی را به نحو شایسته و حکیمانه‌ای به ایشان معرفی می‌نمائید. بر اساس نظریات خود در بالا، فکر کنید چه نوع افرادی را ملاقات خواهید کرد و چگونه آنها را با اهداف ظهور حضرت بهاء‌الله آشنا خواهید نمود. در حقیقت شما می‌توانید فقط بعضی از افکار اولیه خود را بنویسید، زیرا مسلماً وقتی شما در موقعیت واقعی قرار بگیرید می‌دانید که چه بگوئید. بعلاوه نظریات شما، با کسب تجربیات جدید در حین ابلاغ امر به عدّه بیشتری از افراد در موقعیت‌های مختلف، تغییر خواهد کرد.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۵. ضمن ادامه ابلاغ امر به افراد بیشتر، آنها را آگاه می‌کنید که شما عملاً و قولاً بهائی هستید، وجوه‌ای از زیبایی‌های تعالیم را به آنها ارائه داده و به تبلیغ نفوسی مستعدّه مشغول می‌شوید. بر اساس میزان استعداد آنان تصمیم می‌گیرید که از روش مستقیم و یا غیرمستقیم استفاده کنید. علی‌رغم روش هدف شما اینست که به آنها کمک کنید تا اهمیت پیام حضرت بهاء‌الله را درک کرده و تصمیم بگیرند به جمع پیروان ایشان بیوندند. از مطالعه واحد سوم کتاب ۲ "معرفی اعتقادات بهائی"، نحوه تبلیغ جنبه‌های مختلف امر را از طریق روش غیرمستقیم



فراگرفته‌اید و در قسمت‌های اولیه این بخش با نمونه‌هایی از روش تبلیغ مستقیم آشنا شدید. با در نظر داشتن گروهی که قبلاً تعیین نموده‌اید، لیستی از اقدامات خود را به منظور تبلیغ نفوس مستعد که در ضمن ابلاغ کلمه با آنان آشنا شدید تهیه نمایید. برای مثال شاید تصمیم بگیرید جلسات بیت تبلیغی به طور منظم در منزلتان منعقد کنید. همچنین شما مستمراً به درگاه الهی توجه کرده از او می‌خواهید که شما را در کوششهای تبلیغی تان مؤید بدارد.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۶. هنگامی که شخصی به جامعه بهائی می‌پیوندد، الزاماً به این معنا نیست که همه چیز را درباره دیانت بهائی فراگرفته و می‌تواند به تنهایی و بدون مساعدت در برابر امتحانات مقاومت نماید. اغلب اوقات فردی فقط به علت احساس عمیق قلبی از شناسائی حضرت بهاءالله بعنوان مظهر ظهور امرالهی برای امروز بهائی می‌شود. افراد تازه تصدیق باید پرورش یابند تا شعله عشقی که در قلوبشان برافروخته گردیده با اولین بادهای مخالف خاموش نشود. لیستی از اقدامات خود برای پرورش افرادی که بوسیله شما حضرت بهاءالله را شناخته‌اند و بمنظور تحکیم و تقویت آنان بعنوان بهائی ثابت در عهد و میثاق که بتوانند به تنهایی قائم بخدمت بوده و قوای خود را صرف تبلیغ امرالله نمایند تهیه نمایید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت بیست و سوم

در کتاب ظهور عدل الهی "حضرت ولی امرالله قطعه‌ای مرقوم فرموده‌اند که اصول اساسی تبلیغ منظم فردی در نهایت فصاحت در آن تشریح شده است. این بیان به بخش‌های کوچکتری در پائین تقسیم شده است. هر یک را بخوانید و قسمت‌های خالی جملات را پر کنید.

"نفسی که بدلالیت وجدان مصمم بر اجابت این نداء و اجراء امر اعزّ اقدس ابهی گردید و به القائنات دوستان و دشمنان که دانسته و ندانسته در مقام ایجاد مشکلات در تحقق این مقصد امنع اعلی بودند توجه نمود، باید با قلبی طافح بمحبّت الله و لسانی ناطق به ذکرالله بجمیع وسائل ممکنه متشبّث شود و طرق مختلفه را بکمال دقّت مورد مطالعه قرار دهد تا بجلب افکار و حفظ علائق و تحکیم و تقویت ایمان نفوسی که دخولشان را در ظلّ امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه اسم اعظم شایق و آرزومند است توفیق یابد و نیز باید عوامل و امکاناتی را که شوون و مقتضیّات محیط در اختیار وی گذاشته رسیدگی و مزایای آن را بررسی نماید و به مدد فکر و حکمت و تمسک به حبل اتقان و استقامت آن عوامل و امکانات را با انتظام کامل برای نیل به مقصود و هدف مطلوب بکار برد." (۲۱)

۱. حضرت ولی امرالله می‌فرماید که باید \_\_\_\_\_ مصمم بر \_\_\_\_\_ این نداء و \_\_\_\_\_ امر اعزّ اقدس ابهی گردیم.
۲. در این صورت نباید بگذاریم که القائنات \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ که \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ در مقام ایجاد مشکلات در تحقق این مقصد امنع اعلی توجه ما را بخود معطوف نماید.
۳. با اطمینان از تصمیم خود، باید با قلبی طافح \_\_\_\_\_ و لسانی \_\_\_\_\_ به ذکرالله بجمیع \_\_\_\_\_ متشبّث شویم و \_\_\_\_\_ مختلفه را بکمال دقّت مورد مطالعه قرار دهیم. تا در این صورت به جلب \_\_\_\_\_ و حفظ \_\_\_\_\_ و تحکیم و تقویت \_\_\_\_\_ نفوسی که دخولشان را در ظلّ امرالله طالب و الحاقشان را به جامعه \_\_\_\_\_ شایق و آرزومندیم، توفیق یابیم.
۴. با اطمینان از تصمیم خود \_\_\_\_\_ مختلفه را \_\_\_\_\_ قرار دهیم تا \_\_\_\_\_ افکار و \_\_\_\_\_ علائق و \_\_\_\_\_ ایمان نفوسی که دخولشان در ظلّ امرالله طالبیم، توفیق یابیم.
۵. ما باید \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ را که شوون و مقتضیّات \_\_\_\_\_ در اختیارمان گذاشته \_\_\_\_\_.
۶. ما باید مزایای عوامل و امکاناتی را که در اختیار داریم \_\_\_\_\_ نمائیم.

۷. بعد از طی این مراحل باید به مدد\_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و تمسک بحبل اتقان واستقامت \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ را با \_\_\_\_\_ کامل برای نیل به مقصود و هدف مطلوب \_\_\_\_\_.

"هم چنین لازم است روشهایی اتخاذ نماید که بموجب آن باب معاشرت را با مجالس و مجامع و معارض و محافل مختلفه مفتوح و در جلسات نطق و خطابه که مواضعی ملایم و موافق با اصول تعالیم امریه مانند اعتدال در امور و تعدیل اخلاق و تأمین رفاه و سعادت اجتماع و تحمّل و شکیبایی در مسائل مذهبی و نژادی و تعاون و تعاضد اقتصادی همچنین حقایق مربوط به دیانت اسلام و مقایسه مذاهب و ادیان مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد مشارکت کند و با انجمنهای علمیّه و ادبیّه و اجتماعیه و امور خیریه و مشروعاتی از این قبیل که در عین محفوظ ماندن شؤون و مقامات امریه طرق و وسائط متنوعه کثیره در برابر دیدگان فرد قائم به خدمت مفتوح نماید مجالست و مصاحبت کند تا بدینوسیله انظار نفوس را به تعالیم الهیه معطوف و آذان را به اصغاء نعمات روحانیّه آشنا سازد و بالمآل آنان را به ورود در ظلّ شجره ربانیّه و حمایت و پشتیبانی از کلمه جامعه رحمانیه نائل و موفق دارد." (۲۲)

۸. همچنین لازم است روشهایی اتخاذ نمائیم که بموجب آن باب معاشرت را با \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ مختلفه مفتوح و در \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ که مواضعی \_\_\_\_\_ با اصول تعالیم امریه شرکت نمائیم.

۹. همچنین در مجامعی که راجع به \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ بحث و تحقیق قرار می‌گیرد مشارکت نمائید و با انجمنهای \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ مشروعاتی از این قبیل که در عین \_\_\_\_\_ شؤون و مقامات امریه شرکت کنیم.

۱۰. تا بدینوسیله \_\_\_\_\_ نفوس را به تعالیم الهیه \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ را به اصغاء نعمات روحانیّه آشنا سازیم و بالمآل آنان را \_\_\_\_\_ در ظلّ شجره ربانیّه و \_\_\_\_\_ از کلمه رحمانیه نائل و موفق داریم.

"حال چون چنین معاشرت و مؤانست بدست آمد و ابواب مؤالفت مفتوح گردید باید پیوسته مصالح عالیّه امریه و اصالت شریعت سماویّه محفوظ و عمومیت و جامعیت احکام و مبادی سامیه ربانیّه اثبات و منافع کثیره حیاتیّه آن خالی از هرگونه خوف و هراس پشتیبانی و حمایت گردد. هر نفسی که قدم در میدان تبلیغ نهاد باید میزان ظرفیت و استعداد شخص سامع را در نظر گیرد و با ملاحظه جوانب و اطراف امر تشخیص دهد که ابلاغ کلمه الهی و اشاعه انوار سبحانی بجه نحوشایسته و مؤدی به مقصود است مستقیم و یا غیر مستقیم تا بدان طریق اهمّیت حیاتی پیام یزدانی را بر متحرّی حقیقت مکشوف و با اقامه دلیل و برهان او را مطمئن و متیقّن سازد که خویشتن را در ظلّ جامعه کلمه ربانیّه وارد و به جمع نفوسی که به انتساب به اسم اعظم الهی مفتخرو متباهی اند ملحق و منضم گرداند." (۲۳)

۱۱. حال چون چنین معاشرت و مجالست بدست آمد و ابواب مؤانست مفتوح گردید باید پیوسته \_\_\_\_\_ عالیّه امریه و اصالت شریعت سماویّه \_\_\_\_\_ و عمومیت و جامعیت \_\_\_\_\_ و سامیه ربّانیّه \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ کثیره حیاتیّه آن خالی از هرگونه خوف و هراس \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ گردد.

۱۲. حضرت ولیّ امرالله به ما می فرمایند ما باید میزان \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ شخص سامع را در نظرگیریم و با ملاحظه \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ امر تشخیص دهیم که ابلاغ کلمه الهی و اشاعه انوار سبحانی بچه نحو شایسته و \_\_\_\_\_ به مقصود است \_\_\_\_\_ یا \_\_\_\_\_.

۱۳. تا بدان طریق \_\_\_\_\_ پیام یزدانی را بر متحرّی حقیقت \_\_\_\_\_ و باقامه \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ او را \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ سازیم که خویشتن را در ظلّ کلمه جامعه ربّانیّه \_\_\_\_\_ و به جمع نفوسی که به انتساب به اسم اعظم الهی مفتخر و متباهی اند ملحق و منضم گرداند.

"در این مقام باید روش و سلوک حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان رحمانی را در مدّ نظر داشت و نصایح مستمرّ آن وجود اقدس را همواره نصب العین خویش قرار داد و به فرموده مبارک چنان طالب حقیقت را در بحر محبت و وداد مستغرق نمود و تعالیم قدسیّه را که القاء و ایجاد آن در روح مستمع منظور و مقصود است در اقوال و اعمال و کردار و رفتار مجسم و ظاهر ساخت که شخص شنونده مسحور گردد و به طیب خاطر و انجذاب تامّ مایل و شایق آن شود که خود را در ظلّ امر عظیمی که چنین مکارم اخلاق تعلیم و چنین اصول و مبادی قیمه ترویج نموده وارد و در حلقه پیروان شریعه الله داخل سازد و نیز باید به این امر دقیق توجه کامل مبذول داشت که در آغاز از تأکید و ابرام نسبت به بعضی از سنن و احکام الهیه که احیاناً از لحاظ معتقدات طالب حقیقت که تازه قدم در عرصه تحقیق گذاشته دشوار و غیر قابل تحمّل باشد خودداری نمود و با صبر و متانت تامّ و تصمیم و استقامت تمام او را از ثنّی بیانات الهی و مائده روحانی پرورش داد و در مدارج صباوت و شباب مترقی ساخت و اعانت و دلالت نمود تا بسر منزل بلوغ رسد و اطاعت و انقیاد بلاشرط خود را نسبت به آنچه شارع این امر اعظم مقرر و تعلیم فرموده اعلام دارد." (۲۴)

۱۴. در مجهودات تبلیغی باید \_\_\_\_\_ حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان رحمانی را در مدّ نظر داشت و نصائح مستمرّ آن وجود اقدس را همواره نصب العین خویش قرار داد و به فرموده مبارک چنان طالب حقیقت را در بحر \_\_\_\_\_ نمود و تعالیم قدسیّه را که \_\_\_\_\_ آن در \_\_\_\_\_ مستمع منظور و مقصود است در اقوال و اعمال و کردار و رفتار \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ ساخت.

۱۵. باید در پیروی از حضرت عبدالبهاء چنان کوشش کنیم که شخص شنونده \_\_\_\_\_ گردد و به طیب خاطر و انجذاب تامّ مایل و شایق آن شود که خود را \_\_\_\_\_ داخل سازد.

۱۶. و نیز باید به این امر دقیق توجه کامل مبذول داشت که در آغاز از \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ نسبت به بعضی از \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ الهیه که احياناً از لحاظ معتقدات طالب حقیقت که تازه قدم در عرصه \_\_\_\_\_ گذاشته \_\_\_\_\_ و غیر قابل تحمّل باشد \_\_\_\_\_ نمود.

۱۷. باید با صبر و متانت تام و تصمیم و استقامت تمام او را از \_\_\_\_\_ بیانات الهی و مائده روحانی \_\_\_\_\_ داد.

۱۸. باید با \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ تمام او را پرورش داد و در مدارج صباوت و شباب مترقی ساخت و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ نمود تا \_\_\_\_\_ و اطاعت و انقیاد بلا شرط خود را نسبت به آنچه حضرت بهاء الله مقرر و تعلیم فرموده \_\_\_\_\_.

"پس از حصول این مقام و وصول بسر منزل ایمان و ایقان باید شخص جدید الاقبال را به جمعیت یاران معرفی نمود تا در اثر همکاری مستمر و اشتراک مساعی در فعالیت‌های امریه آماده و مستعد آن شود که سهم خویش را در اعتلاء حیات و ایفاء وظایف و تقویت مصالح و تطبیق خدمات جامعه محلّیه با مجهودات سائر جوامع بهائی عملاً ادا نماید." (۲۵)

۱۹. پس از حصول این مقام و وصول بسر منزل ایمان و ایقان باید شخص جدید الاقبال را به جمعیت یاران \_\_\_\_\_ نمائیم.

۲۰. از آن لحظه به بعد باید طالب این باشیم تا در \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ در \_\_\_\_\_ آماده و مستعد آن شود که سهم خویش را \_\_\_\_\_ حیات و \_\_\_\_\_ وظایف و \_\_\_\_\_ مصالح و \_\_\_\_\_ خدمات جامعه محلّیه با مجهودات سائر جوامع بهائی عملاً \_\_\_\_\_.

"نفس ابلاغ کننده کلمه الهی باید راضی و قانع نشود و از پای ننشیند تا آنکه روح شوق و اشتیاق در مولود روحانی خویش بدمد و او را چنان مستعد و لائق سازد که به نوبت خود قیام نماید و بنفسه در احیاء نفوس و انتشار اصول و بتّ تعالیمی که به جان و دل قبول نموده سعی بلیغ و جهد جهید بمنصّه ظهور رساند." (۲۶)

۲۱. حضرت ولیّ امرالله به ما می‌فرمایند که ما نباید راضی و قانع شویم تا وقتی که \_\_\_\_\_ در مولود روحانی \_\_\_\_\_ تا او را چنان \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ سازیم که \_\_\_\_\_ قیام نماید و \_\_\_\_\_ و در \_\_\_\_\_

انتشار اصول و تعالیم سعی بلیغ و جهد جهید نماید.



## قسمت بیست و پنجم

با وجود اینکه نقشه‌های تبلیغی فردی لازم و ضروری است ولی به تنهایی برای اقبال تعداد زیاد افراد به امر کافی نیست. بنابراین همانگونه که اغلب در این بخش‌ها یادآوری کرده‌ایم، ما در پروژه‌های تبلیغی طرح شده توسط جوامع محلی و مؤسّسات، چه فردی و یا چه گروهی از صمیم قلب شرکت می‌کنیم. متأسفانه این واقعیت گاه به گاه دیده می‌شود که احبّاً در بعضی نقاط با یکدیگر در مورد ارجحیت نقشه‌های تبلیغی فردی در مقابل مجاهدات تبلیغ دسته جمعی به مباحثه می‌پردازند. حتی گاهی بعضی از آنها تا بحدی پیش می‌روند که می‌گویند نقشه‌ها و فعالیت‌های تبلیغی منظم بویژه آنهایی که برای تسجیل تعداد زیادی طرح ریزی شده، نامطلوب است و چنان معتقدند که تنها راه تبلیغ مؤثر، از طریق اقدامات فردی می‌باشد. چنین مباحثاتی مثمر ثمر نبوده و باعث رکود امر تبلیغ می‌شود. بیاد داشتن اینکه هر دو روش مکمل یکدیگر و برای پیشرفت امر ضروری است به شما کمک می‌کند که همیشه در موقعیت‌هایی جهت ایجاد وحدت افکار در چنین موضوع حیاتی در جامعه خود همکاری نمایید.

چند نصّ ذیل از نصوص متعدّد از توقیعات حضرت ولی‌امرالله است که صریحاً لزوم نقشه‌های منظم تبلیغی را که بوسیله مؤسّسات امری طرح شده ابراز می‌دارند. در اکتبر سال ۱۹۳۵ وقتی که تشکیلات نظم اداری بهائی در آمریکای شمالی بحدّ کافی پیشرفت کرده بود، حضرت ولی‌امرالله این پیام را به احبّای آنجا مخابره فرمودند:

"زمان جدیدی در تاریخ امرمحبوبمان فرا رسیده که مستدعی مجهودات ملی، منظم و مداوم در امر تبلیغ است که نیروها را در مسیری سوق می‌دهد که بر جلال و شکوه امرالله و افتخارات تشکیلات آن بیش از پیش می‌افزاید." (۲۷) (ترجمه)

چند ماه بعد در می ۱۹۳۶ حضرت ولی‌امرالله دوباره به همان احبّاء مرقوم نمودند:

"نقشه منظم، دقیق و کاملی باید ابداع گردد و با اشتیاقی وافر پی‌گیری شود و مستمراً گسترش یابد." (۲۸) (ترجمه)

در مارچ ۱۹۴۵ به آنان فرمودند:

"مهم‌تر از همه پیام جان بخش حضرت بهاءالله باید در آغاز قرن دوم بهائی و توسط مؤسّسات نظم اداری که هم اکنون به درستی عمل نموده و در چهار گوشه نیم کره غربی گسترده شده است، به روشنی و منظمی در ساعات حزن و اندوه و آشفتگی مطمح نظر توده مردم قرار گیرد." (۲۹) (ترجمه)

بیت العدل اعظم الهی اغلب در مورد رابطه اقدامات فردی در تبلیغ و کوشش‌های دسته جمعی تبلیغی توضیحاتی می‌فرمایند. از جمله در پیام نوروز ۱۹۷۹ می‌نویسند:

"خدمات تبلیغی چه از طرف تشکیلات امر ترتیب داده شده باشد و چه ثمره ابتکار فردی باشد باید در نهایت مجاهدت تحقق پذیرد تا عدد مؤمنین هر چه بیشتر شود و کشورهای بیشتری را به مرحله یدخلون فی دین الله افواجاً رهبری نماید و نهایتاً به اقبال دسته جمعی توده‌های مردم تبدیل شود." (۳۰) (ترجمه)

در پیام رضوان ۱۹۹۵ دوباره در مورد اثرات این رابطه اشاره فرمودند که هر فرد مؤمن بهائی باید ضمن ابتکارات فردی تبلیغی، در پروژه‌های دسته جمعی نیز شرکت نماید. محافل روحانی از یکسو باید مشوق اقدامات فردی باشند و از طرف دیگر نقشه‌هایی جهت تبلیغ دسته جمعی طرح ریزی نمایند تا افراد مؤمنین در آن شرکت کنند و استعداد‌های گوناگون خود را به کار برند.

"برای اقدام مؤثر در باره مسائلی فوری که جامعه امر با آنها مواجه است حصول شرائط و عوامل اساسی ذیل که مخصوصاً راجع به افراد و محافل روحانی محلی است ضرورت دارد. از طرفی ابتکار فردی در تبلیغ امرالله و حصول فهم و ادراکی عمیق تر از مقاصد و نیازمندی‌های امرالزام است و در حقیقت از وظایف و فرصت‌های افراد احباء محسوب می‌شود. ولی به موازات ابتکارات فردی در تبلیغ امرالله افراد احباء باید در اقدامات گروهی یعنی برنامه‌ها و مشروعات مختلف جامعه نیز مشارکت نمایند. از طرف دیگر وظیفه محافل روحانی محلی چنان است که ابتکارات افراد احباء را تا حد امکان تشویق و تسهیل نمایند. همچنین از مسؤلیت‌های محافل روحانی است که نقشه‌هایی طرح و اجراء نمایند تا استعداد و قابلیت‌های افراد جامعه به کار گرفته شود و افراد را در اقدامات گروهی مانند طرح‌های تبلیغی و مشروعات مربوط به توسعه و عمران اجتماعی و تشکیل دادن مؤسسات تبلیغی و سایر فعالیت‌های جمعی وارد کنند." (۳۱) (ترجمه)

و در پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم الهی با اشاره به موفقیت‌های سال قبل چنین اظهار می‌فرمایند:

"فعالیت‌های دسته‌جمعی ناشرین نفحات الله که با ترتیبی منظم قیام نمودند و طرح‌های تبلیغی دراز مدت که دارای اهداف مشخص و دقیقی بودند نتایج بسیار به بار آورد و در تعدادی از ممالک بی‌سابقه بود." (۳۲) (ترجمه)

در پرتو عبارات فوق، در چند پاراگراف درک خود را از نیاز به پروژه‌های منظم تبلیغی که بوسیله مؤسسات امری طرح ریزی می‌گردد و اهمیت شرکت در آنها را بیان نمائید:

---

---

---

---

---

---

---

---



## قسمت بیست و ششم

هدف این بخش بررسی چگونگی طرح ریزی پروژه‌های تبلیغی نیست. بلکه منظور این است که به شما کمک کند تا در شرکت خود در چنین پروژه‌هایی که تشکیلات ترتیب می‌دهد، تعمق کنید. با وجود این، لازم می‌آید که در اینجا اندکی تأمل نموده و چند کلمه در مورد کیفیت تلاش‌های تبلیغی منظم دسته جمعی در جوامع خود بیان کنیم.

فرض کنید عضو گروهی هستید که وظیفه‌اش ترتیب دادن یک فعالیت تبلیغی در ناحیه‌ای است که چند جامعه بهائی در آنجا وجود دارد. وقتی که مشورت شما به ثمر رسید، گروه شما همه احباب ساکن ناحیه را به جلسه‌ای دعوت می‌کند تا ضمن ارائه طرح تبلیغی، از آنها بخواهند که در اجرای این طرح شرکت کنند. جلسه در یک جو روحانی تشکیل می‌گردد، چند سخنرانی مهیج در مورد اهمیت امر تبلیغ و نقش فرد در این نقشه‌ها ایراد می‌شود و هیجان

فراوانی در حاضرین ایجاد می‌گردد. هنگامی که سخنرانها و مشاوره به پایان رسید، یکی از اعضای گروه نتایج را اینگونه خلاصه میکند: "پروژه تبلیغی که ما امروز آغاز می‌کنیم، بسیار ساده و روشن است. این طرح از افراد می‌خواهد هر روز دعا کنند که حداقل یک موفقیت تبلیغی داشته باشند، هر فرد حداقل هر روز به یک نفر امر را ابلاغ نماید و هر خانواده حداقل یک بیت تبلیغی هر نوزده روز منعقد کند."

بلا تردید، از آنجا که گروه فرضی ما، مانند همه مؤسسات و تشکیلات بهائی دیگر سعی نموده تا وظایف خود را به بهترین وجهی انجام دهد، اگر افراد احبای ناحیه با خلوص و اشتیاق طرحهای گروه را تعقیب نمایند، میتوان تصور نمود که جوامع شاهد رشد و گسترش از نظر تعداد و استعداد خواهند بود و آنانرا برای انجام تعهدات بزرگتری آماده خواهد کرد. ولی به جهت افزایش درک ما از موضوع، لازم است از خود پرسیم که آیا چنین نقشه‌ای، با تصور و فهم ما از فعالیت‌های منظم دسته جمعی تناسب دارد؟ آیا این نقشه که شامل اقداماتی فراتر از تشویق افراد به تعقیب نقشه‌های فردی تبلیغی خود است، با شور و شوق بیشتر ناشی از مشاهده قیام دیگر یاران تقویت می‌گردد؟ آیا نباید اقدامات دسته جمعی به نحوی طرح شود که استعداد افراد مختلف یکدیگر را تقویت نموده و قوایشان چند برابر گردد؟ آیا نباید اقدام متحد یک گروه از مردم ثمراتی بس بیشتر از کوششهای انفرادی جداگانه آنها داشته باشد؟

بطور کلی نباید تصور کنیم که پروژه‌های تبلیغی یک سری فعالیت‌هایی است که جدا از سایر فعالیت‌ها صورت می‌گیرد. در اکثر مواقع برای موفقیت، یک پروژه تبلیغی باید هدفش جمعیت مشخصی باشد و بر اساس حقیقت فرهنگی و اجتماعی آنان برنامه ریزی شود. روشها و وسایلی که در این طرح‌ها استفاده می‌شود نباید بر حسب ذوق و سلیقه گروه شرکت کننده در آن پروژه باشد. آنها باید ثمره تلاشهای مجدانه در مدت طولانی، مطالعه، مشاوره و تفکر و تأمل در روشها و نتایج اقدامات قبلی که همگی تحت راهنمایی مؤسسات امری بوده، باشد. غیرمنطقی نیست اگر انتظار داشته باشیم در یک کشور خاص طرح ریزی جزئیات یک پروژه تبلیغی برای جمعیتی مستعد، مثل یک منطقه روستائی یک یا دو سال بطول انجامد. در طول این مدت روشها و طرق مختلف، کشف خواهد شد و وسایل لازم برای آن مهیا خواهد گردید. هنگامی که این آمادگی ایجاد شد چند طرح آزمایشی آغاز خواهد گردید؛ سپس تعداد بیشتری از مبلغین آموزش خواهند گرفت و این پروژه از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر گسترش خواهد یافت.

با به خاطر داشتن نکات فوق، می‌توانید بعضی از فعالیتهایی را که ممکن است در ناحیه‌ای که حدود پنجاه نفر از یاران آماده شرکت در اقدام دسته جمعی هستند، ذکر نمائید. تعیین کنید که آنها بطور انفرادی، گروهی و جوامع جداگانه چه فعالیتهایی انجام خواهند داد؟ چه نوع فعالیتهایی بین جوامع محلی صورت خواهد گرفت؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

گروه شما بمنظور ترویج و حمایت از فعالیت‌هایی که در بالا ذکر کردید، چه فعالیت‌هایی انجام خواهد داد؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

### قسمت بیست و هفتم

در دوران زندگی خود بعنوان بهائی، در انواع فعالیت‌های تبلیغی شرکت خواهید کرد. چه آنهایی که برای اعلان پیام حضرت بهاء‌الله و چه آنهایی که برای تبلیغ و تسجیل نفوسی از گروه‌های مختلف جامعه طرح شده است. شرح همه آنها در اینجا ممکن نیست، اما شما حداقل باید با نوع پروژه‌ای که بر جمعیتی بسیار مستعد تمرکز داشته و هدفش تسجیل تعداد نسبتاً زیاد مؤمنین در یک سرعت معقول باشد، آشنا شوید. برای شروع بررسی کیفیت چنین پروژه‌ای قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی را در ذیل مطالعه فرمائید:

"وقتی توده‌های مردم از خواب غفلت بیدار شده امر مبارک را می‌پذیرند مراحل جدیدی به حرکت در آمده و تمدنی جدید آغاز می‌گردد. ملاحظه در ظهور مسیحیت و اسلام نمائید. این توده‌ها از وضع و شریف غرق در سنن گذشته خویش‌اند، اما در عین حال مستعد استماع کلام الهی هستند، که وقتی واقعاً به ندای الهی پاسخ دهند آنقدر تحت تأثیر قرار می‌گیرند که موجب تقلیب کسانی می‌شوند که با آنان در تماس قرار گیرند.

معیارهای الهی متفاوت از معیارهای بشری است. مطابق معیارهای بشری پذیرش هر امری توسط بزرگان قوم، از مشاهیر و مقامات، قدر و عظمت آن را تعیین می‌کند. اما به فرموده حضرت بهاءالله "انذارات و رسالتی که ما آوردیم، بمنظور رساندن و یا استفاده یک کشور و یا مردم خاصی نبوده. جمیع نوع بشر باید قویاً به آنچه که بر ایشان نازل گردیده ناظر باشند." و باز می‌فرمایند: "خداوند استعداد شناسائی آیات خود را در هر فردی بودیعه نهاده است در غیر این صورت چگونه می‌توانست به عهدی که با بشر بسته است وفا نمایند لکن من المتفکرین." در کشورهایی که تبلیغ توده‌های مردم موفقیت آمیز بوده احباء همانقدر در روستاها جد و جهد نموده‌اند که در شهرهای بزرگ و کوچک. نتایج نشان می‌دهد که تأکید بر بخشی از جمعیت کاملاً خلاف حکمت است. بنابراین هر محفل ملی باید طوری منابع خود را متعادل و کوششهای خود را هماهنگ سازد که امر الهی نه تنها به افرادی که با سهولت بیشتری در دسترس قرار دارند ابلاغ شود بلکه به آن بخشهایی از جامعه که بسیار دور از نظرند، واصل گردد.

طبقات ساده و محروم عالم که اکثریت ساکنان جهان را تشکیل می‌دهند همان قدر حق شناسائی امر مبارک را دارند که دیگران محقق هستند. وقتی احبای الهی کلمه الهی را ابلاغ می‌کنند باید مراقب باشند که آن را به همان سادگی که در تعالیم نازل گردیده ارائه نمایند. در ارتباطات خویش باید محبت الله و نیت خالصه از خود ظاهر سازند. قلوب نفوس از طبقات محروم اجتماع بسیار حساس است. هر نشانه‌ای از تعصب از طرف مهاجرین یا مبلغین فوراً احساس می‌شود.

هنگام تبلیغ در میان توده‌های مردم، احباء باید دقت نمایند که جنبه‌های کمک‌های خیریه و خدمات اجتماعی امر را وسیله جلب نفوس قرار ندهند. تجربه نشان داده اگر هنگام تبلیغ تسهیلاتی چون مدرسه، درمانگاه، بیمارستان، یا حتی لباس و غذا عرضه شود مشکلات بعدی پیش خواهد آمد. انگیزه اصلی باید پاسخ انسان به پیام الهی و شناسائی پیامبر الهی باشد. آنان که داوطلب عضویت جامعه می‌شوند باید مجذوب زیبایی تعالیم الهی گردند و محبت حضرت بهاءالله را احساس نمایند. ضرورتی ندارد که این داوطلبان تمام دلائل، تاریخ، احکام و اصول امر مبارک را بدانند، بلکه در جریان عضویت یافتن جامعه بهائی باید علاوه بر اشتعال ایمانی راجع به طلعات مقدسه دیانت بهائی اطلاعات بنیادی داشته باشند، از وجود احکامی که باید پیروی کنند و نظام اداری که باید از آن اطاعت کنند با خبر باشند.

بعد از اظهار ایمان، مؤمنین جدید نباید به خود واگذار شوند. ایشان باید از طریق مکاتبه، اعزام مشوقین، کنفرانسها و دوره‌های آموزشی در کمال شکیبائی تقویت شوند و در کمال محبت یاری شوند تا به بلوغ برسند. حضرت ولی‌محبوب امرالله در اشاره به وظائف محافل روحانی در کمک به تازه‌واردان جامعه می‌فرماید: "اعضای تمام محافل روحانی باید بکوشند با شکیبائی، محبت، تدبیر حکمت، عضو جدید جامعه را در جهت بلوغ روحانی هدایت کنند تا بتدریج به پذیرش بیچون و چرای احکام و تعالیم الهی نائل گردند." (۳۳) (ترجمه)

۱. طبق عبارات فوق وقتی توده‌های افراد بشر از خواب غفلت بیدار شوند و به دین الله وارد گردند چه اتفاقی خواهد افتاد؟

---



---

۲. چه تغییراتی در توده مردم که واقعاً به ندای الهی پاسخ دهند پیش خواهد آمد؟

---



---

۳. متن فوق چگونه یکی از تفاوت‌های میزان الهی و میزان بشری را توضیح می‌دهد؟

---



---



---



---



---

۴. آیا حکیمانه است که کوششهای تبلیغی خود را فقط بر قسمت کوچکی از جامعه که به آسانی به آن دسترسی داریم متمرکز کنیم؟

۵. توصیه بیت العدل اعظم الهی به محافل ملی در مورد توازن منابع انسانی و هم‌آهنگی کوششهای مختلفه چیست؟

---



---



---

۶. آیا پیام حضرت بهاءالله فقط برای روشنفکران است؟ آیا روشنفکر بودن بر حسب دنیای مدرن امروزی، دلالت بر درک و فهم حقیقی دارد؟

۷. عبارت "ابلاغ کلمه با همان سادگی که در تعالیم نازل گردیده" چه معنایی دارد؟ آیا بدین معنی است که باید پیام را "ساده و کم ارزش" نمود؟

---

---

---

۸. در تماس با توده عظیم مردم، چه چیزی را باید از خود ظاهر سازیم؟

۹. آیا در هنگام تبلیغ، باید بر جنبه‌های کمک‌های خیریه و خدمات اجتماعی امر برای جلب نفوس تأکید کنیم؟ چرا نه؟

---

---

---

---

۱۰. محرک اصلی نفوسی که به امر حضرت بهاء‌الله اقبال می‌کنند چه باید باشد؟

---

---

---

۱۱. افرادی که به امر مبارک ایمان می‌آورند باید چه احساساتی نسبت به حضرت بهاء‌الله و تعالیم ایشان داشته باشند؟

---

---

---

۱۲. علاوه بر بارقه ایمان، مقبلین باید از چه چیزی آگاهی داشته باشند؟

---

---

---

۱۳. بر طبق متن پیام فوق، بعد از اقبال گروهی جدید به امرالله، در مناطقی که تعداد نسبتاً زیادی امر مبارک را قبول کرده‌اند چه باید کرد؟

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت بیست و هشتم

از تمامی آنچه که تا بحال گفته شد میتوان نتیجه گرفت که چنین چیزی بنام پروژه تبلیغی نیست که بتوان بعنوان نمونه در سراسر عالم بهائی استفاده نمود. همینطور می‌دانیم برای موفقیت پروژه‌های تبلیغی باید بر جمعیت خاصی تمرکز نمود. بعلاوه زمانی که اهالی بسیار مستعد باشند، هدف می‌تواند تبلیغ گروه زیادی از مردم با حرکتی نسبتاً سریع باشد. حتی چنین طرح‌هایی برای جمعیت مستعد می‌تواند به شکلهای مختلفی براساس خصوصیات آن جمعیت و استعداد بهائیان منطقه که چنین برنامه‌های تبلیغی را طرح و دنبال می‌کنند، صورت پذیرد. اغلب اوقات، امر تبلیغ مستلزم اقدام مشتاقانه دسته جمعی می‌باشد مانند: فعالیتهای بسیار مرتب یک گروه مبلغین تحت هدایت یک هماهنگ کننده، که در روستا یا شهر برای زمان معینی اقامت می‌کنند و به تبلیغ می‌پردازند. یادگیری نکاتی درباره ماهیت چنین فعالیتهایی برای شما مهم است.

فرض کنیم قرار است در پروژه‌ای که دقیقاً بوسیله یکی از تشکیلات امری در ناحیه شما برنامه ریزی شده شرکت کنید. این برنامه دارای خصوصیات زیر است، فرض می‌کنیم که این نقشه به گروه کوچکی بتعداد پنج تا هشت نفر مبلغ نیاز دارد که همه در یک محل اقامت کرده و با یکدیگر در چند شهر کوچک فعالیت می‌کنند و مجموعه‌ای از وظائف مختلفه را به هدف توسعه و تحکیم امر در هر محل و روستاهای اطراف انجام می‌دهند.

مهم‌ترین موضوعی که باید پیوسته در طول پروژه در ذهن داشت این است که موفقیت در چنین اقدامی کاملاً بستگی به وحدت گروه دارد. اگر نقشه طرح شده کامل باشد، اگر مبلغین با تجربه باشند و لکن در گروه اختلاف وجود داشته باشد، ثمره مجاهدات گروه محدود خواهد بود.

زندگی کردن و همکاری با دیگران، باعث ایجاد دشواری‌هایی خواهد گردید. علل عدم توافق‌ها اغلب بسیار جزئی است و به ندرت با انگیزه سؤنیّت می‌باشد. گاهی اوقات این مسائل ناشی از بی‌اعتنایی یک شخص به احساسات دیگران یا اصرار در رأی و یا روش شخصی ایجاد می‌گردد. درمان این درد علو طبع و توانائی در نادیده گرفتن مسائل جزئی، حداقل در طول مدت پروژه می‌باشد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"حال ای احبای الهی وقت کوشش و جوشش است همت بگمارید و سعی کنید. و چون جمال قدم روحی لتراب مقدم احبائه الفداء شب و روز در مشهد فداء بودند، ما نیز سعی کنیم و جانی نثار نمائیم و وصایا و نصایح الهی را بگوش هوش بشنویم و از هستی محدود خود بگذریم و از خیالات باطله کثرات عالم خلق چشم پوشیم و این مقصد جلیل و مقصود عظیم را خدمت کنیم این شجری راکه دست موهبت الهیه نشانده

به اوهمات خود قطع نمائیم و این انوار ساطعه ملکوت ابهی را به غمام تیره اغراض و اوهام مستور نکنیم و امواج بحر کبریا را سدّ حائل نشویم و نفحات قدس ریاض جمال ابهی را حاجز از انتشار نگردیم فیضان نیشان فضل را در این یوم وصل قطع نمائیم و شعاع آفتاب حقیقت را زوال نجوئیم هذا ما وصی الله به فی کتبه و زبره و الواحه المقدّسة النّاطقة بوصایاه علی العباد المخلصین و البهاء علیکم و رحمة الله و برکاته." (۳۴)

حضرت ولیّ امرالله می فرماید:

"توجه به امکانات عظیم، برکات بی شمار و روح تسخیر ناپذیر امر مبارک نمائید که در حال پیشرفت و در کوشش و جوشش است و نگذارید منازعات و اختلافات اجتناب ناپذیر کنونی مانع رؤیت شکوه و جلالی شود که آینده امر مبارک برای حامیان ثابت قدم و شجاع آن ذخیره دارد." (۳۵) (ترجمه)

رعایت احترام هماهنگ کننده و گوش دادن به نظریاتش، به گروه کمک می کند تا از اختلاف پرهیز کنند. هماهنگ کننده های با تجربه، منتظر نمی مانند تا مشکلات بزرگ شود، تا بعد اقدام کنند. در واقع آنها با دانستن اهمیت وحدت، سعی می کنند که گروه بعضی از بحث های کلی را بر این موضوع متمرکز کند. و اجازه نمی دهند که هیچ فردی بطور مستقیم یا غیر مستقیم به فرد دیگر اعتراض نماید. حفظ نمودن نصوصی مانند بیان مبارک ذیل در آغاز پروژه نتایج فوق العاده ای در بر خواهد داشت:

"ان ظهرت کدورة بینکم فانظرونی امام وجوهکم و غصوا البصر عما ظهر خالصاً لوجهی و حباً لامری المشرق المنیر. انا نحبّ ان نریکم فی کلّ الاحیان فی جنة رضائی بالروح و الریحان و نجد منکم عرف الالفة و الوداد و المحبة و الاتحاد کذلک ینصحکم العالم الامین. انا نکون بینکم فی کلّ الاوان اذا وجدنا عرف الوداد نفرح و لا نحبّ ان نجد سواه یشهد بذلک کلّ عارف بصیر." (۳۶)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: اگر کدورتی بین شماها روی داد، بلا درنگ مرا در جلوی چشمانتان مجسم نمائید و من بنگرید، به خاطر رضای من و به خاطر محبتی که به امر من دارید، از آنچه روی داده بگذرید و فراموشش نمائید. دوست داریم شما همیشه با روح و ریحان در بهشت رضا باشید. دوست داریم بوی خوش محبت و وداد و الفت و اتحاد را از شما بیاییم و جز این را هرگز دوست نداریم از شما بینیم. براستی که هر عارف بصیری گواه این امر است.)

یک سرپرست با تجربه همچنین می داند که حفظ اتحاد موقعی آسانتر است که همگی از اهمیت وظیفه و ارزش والای اهداف آگاه باشند. وقتی چنین تفاهمی وجود داشته باشد افراد با اشکال کمتری علائق شخصی خود را کنار می گذارند و با خودگذشتگی برای انجام وظائف اقدام می نمایند. لحظه ای مکث کنید و ببینید: آیا راضی خواهید بود به پروژه تبلیغی که مقدر است سرور شناسائی حضرت بهاء الله را به هزاران نفر از نفوس منتظر برساند به یکی از دلایل ذیل صدمه بزنید؟



\_\_\_\_\_ برای اینکه شما می‌خواهید هر روز به موسیقی دلخواهتان در طول اجرای پروژه تبلیغی گوش کنید؟

\_\_\_\_\_ بخاطر اینکه غذایی را که فراهم می‌شود دوست ندارید؟

\_\_\_\_\_ برای اینکه دوست دارید صبحها تا دیر وقت بخوابید؟

\_\_\_\_\_ برای اینکه به خلوت و تنهایی خود بیش از هر چیز علاقه دارید؟

\_\_\_\_\_ برای اینکه احساس می‌کنید روش دلخواه تبلیغی شما باید انتخاب شود؟

## قسمت بیست و نهم

موضوع دیگری که باید مورد توجه قرارگیرد اینست که چنین پروژه‌های فشرده تبلیغی، فرصتی برای استراحت و تفریح نیست. اجرای آنها نیازمند ساعات کار طولانی سخت ولی در عین حال مسرت بخش می‌باشد.

در جهان امروز تصوّرات غلطی از اینکه خوشگذرانی چیست وجود دارد. بعضی از مردم به نوعی رفتار می‌کنند که گویی تنها هدف زندگی تفریح کردن و خوشگذرانی است و این خوشی اغلب خوشگذرانی بصورت گذران وقت است. اما چگونه میتوان چنین "خوشگذرانی" را با شادی واقعی که محصول رساندن پیام حضرت بهاءالله به دیگران است و دیدار افرادی که با روح ایمان به اهتزاز آمده‌اند و مشاهده رشد روحانی و افزایش تعداد افراد جامعه بهائی مقایسه نمود؟ اگر در پروژه تبلیغی میل به راحتی و آسایش خاطر قوت گیرد، باید با یاد حضرت عبدالبهاء مکل اعلا دیانت بهائی و کوششهای خستگی ناپذیر آن حضرت در اعلاء امرالله بر آن غلبه نمایم. در اینجا بعضی از بیانات ایشان را ملاحظه کنید.

"پیروی عبدالبهاء نمائید و در هر دمی آرزوی جانفشانی در سبیل جمال ابهی کنید چون شمس بدرخشید و چون دریا بجوش و خروش آئید و مانند سحاب حیات به کوه و صحرا بخشید و بمثابة نسیم بهاری اشجار هیاکل انسانی را شکفتگی و تازگی و طراوت و لطافت بخشید." (۳۷)

" یعنی انسان باید بکلی فانی در حقّ شود جمیع شؤنوش را فراموش کند تا بتواند در مقام فدا قیام نماید بقسمیکه اگر بخواب رود بجهت استراحت بدن نباشد بلکه محض اینکه جسم از کسالت درآید تا بهتر نطق کند و خوشتر بیان نماید و بخدمت عبادالرحمن پردازد و اقامه براهین الهی فرماید و اگر بیدار ماند باید هشیاری جوید و بخدمت امر الهی پردازد و جمیع شؤنوش در شؤن حقّ فانی گردد چون باینمقام رسد تأییدات روح القدس احاطه کند و انسان باین قوتّ جمیع من علی الأرض را مقاومت نماید." (۳۸)

"از الطاف حضرت محیی ارواح امیدوارم که آنی سکون نیابی و از حرکت مانند رگ شریان در جسم آفاق باز نمایی همواره روح حیات در قلوب بدمی و نفوس را در اوج ملکوت پرواز دهی." (۳۹)

"این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آرام نبینند و فراغت نجویند در مضجع راحت نیارمند آسوده نشینند آلوده نگردند اوقات را صرف نشر نفاتح الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمة الله وجوهشان مستبشر است و قلوبشان منشرح فؤادشان ملهم است و بنیادشان بر اساس اقوم. در ارجاء عالم منتشر گردند و در بین امم متفرق در هر محفلی درآیند و در هر انجمنی مجمع بیاریند بهر لسانی تکلم نمایند و هر معنی تفهیم کنند اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند چون شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستاره صبحگاهی بر جمیع آفاق بدرخشند نفاتح حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهی آفاق قلوب را معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بهاری هر اقلیمی را مخضر کند." (۴۰)

## قسمت سی ام

موضوع مهم دیگری که در هنگام شرکت در برنامه‌های تبلیغی فشرده باید بخاطر سپرد، احترام به آداب و سنن دیگران است. بعضی از پروژه‌هایی که شما در آن شرکت می‌نمائید در بین نفوسی خواهد بود که آداب و رسومشان شبیه آداب و رسوم شما است. اما باید انتظار داشت که فرصتهای تبلیغی در میان نفوسی که فرهنگ متفاوت دارند نیز بوجود آید. در چنین مواقعی بسیار شایسته است که فرهنگ و آداب مردمی که به ایشان خدمت می‌کنید را تحسین کرده و ابراز احترام خالصانه نمائید.

موضوع فرهنگ، مطلب پیچیده‌ای است و بطور عمیق موشکافی کردن آن از موضوع این بحث خارج است. با وجود این، برای اهداف این بخش باید توجه شما را به دو نکته جلب کنیم.

اولین نکته مهم آنست که عکس العمل فرد در برابر عناصر گوناگون یک فرهنگ چگونه است. هر فرهنگی در دنیا شامل عناصری است که قابل تحسین می‌باشد و عناصری که بهتر است دور ریخته شود. همچنین در کلیه فرهنگها جنبه‌هایی وجود دارد که نه بد است و نه خوب بلکه نشانه طرق متنوعی است که بدان وسیله امور دیده، فهمیده، بیان و انجام می‌شود. برای یک فرد بهائی میزان اینکه چه چیزی صحیح و یا نامطلوب است، تعالیم حضرت بهاء الله است. مثلاً اینکه در بعضی فرهنگها زنان موجودات پائین رتبه‌تر از مردان محسوب می‌گردند، برای یک بهائی تحت نام فرهنگ قابل قبول نیست. این جنبه‌ای از یک فرهنگ خاص است که در ظل تعالیم باید تغییر یابد. از سوی دیگر اگر فرهنگی تأکید شدید بر همکاری و تعاون دارد باید از آن استقبال نموده و تقدیر کرد.

بطور کلی، تشخیص اینکه چه عناصری در یک فرهنگ با تعالیم الهی سازگاری دارد و یا بطور مستقیم مخالف تعالیم است کار دشواری نیست. ولی بعضی مسائل فرهنگی وجود دارد که در هیچکدام از دسته بندی‌های فوق قرار نمی‌گیرد و تشخیص آن مشکل است. مثلاً تنوع موسیقی را که در دنیا وجود دارد، در نظر بگیرید. از آثار مقدسه می‌دانیم، موسیقی سبب ارتقاء روح است، بدیهی است موسیقی که خواهش‌های نفسانی را در انسان بیدار می‌کند مطلوب نیست و شرکت کنندگان در یک برنامه تبلیغی مطمئناً به آنها گوش نخواهند کرد. گذشته از این، انواع

متعدد موسیقی در فرهنگهای گوناگون جهان بوجود آمده و اغلب مردم به آنها دل بستگی فرهنگی دارند. پس در این صورت معیار روشن برای شما احترام به علائق نفوسی است که در بین آنها تبلیغ می‌کنید. هدف برنامه تبلیغی ارائه پیام حضرت بهاءالله به آنان است نه تحمیل سلیقه خود به آنان.

یک عنصر خاص در هر فرهنگ، درک و استنباط معنی ادب و مؤدب بودن است. وقتی که لطافت مؤدب بودن درک نشود به راحتی می‌توان باعث رنجش و یا حتی ندانسته سبب آزار دیگران شد. شوخ طبعی که با ادب رابطه نزدیک دارد، خود مطلب حساسی است. در مورد شوخ طبعی یک قاعده کلی است که اگر به آن دقت شود از بسیاری از رنجش‌ها و آزردها جلوگیری می‌کند. تمام لطیفه‌های خنده دار که به طرق مختلف افراد یک نژاد، قوم، یا ملتی را تحقیر نماید، باید ترک شود و هر اظهار نظری که دلالت بر اختلاف و عدم مساوات بین زن و مرد کند را بکلی کنار گذاشت. هیچ چیز خنده داری در این نوع مزاحها و اظهار نظرها وجود ندارد و بهترین آنها باقیمانده‌های دوران کودکی بشر است که باید بدور انداخته شود.

دومین نکته‌ای که باید در مواقع خدمت در میان مردم دیگر، بخاطر داشته باشید اینست که اگر برخورد شما با آنان با رفتار درست و مناسب صورت بگیرد، مشاهده می‌کنید که روابط متقابل بین فرهنگهای گوناگون در حقیقت تجربه لذت بخشی است. ما همه دوست داریم که موسیقی سایر نواحی را بشنویم و آداب و رسوم را که با آن مانوس نیستیم یاد بگیریم. از طریق معاشرت، فرهنگ زندگی مردم تغییر می‌یابد: فرهنگها، اشیاء موزه‌ها نیست که حفظ شود و در معرض بازدید ناظرین کنجکا و قرار بگیرد.

ارتباط فرهنگها پدیده‌ای است که بطور طبیعی صورت می‌گیرد. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که یک گروه فرهنگ خود را چنان برتر فرض می‌کنند که تصمیم می‌گیرند با سلطه جوئی آنرا ترویج داده و فرهنگهای دیگر را محو نمایند. هنگامی که در بین جماعتی که فرهنگ متفاوتی دارند تبلیغ می‌کنیم، باید متوجه این خطر باشیم و بدانیم که همه مردم می‌توانند مستقیماً بسوی حضرت بهاءالله حرکت کنند و برای این منظور مجبور نیستند که ابتدا فرهنگ ما را بپذیرند. عقاید زیر می‌تواند در این مورد به شما کمک کند.

مردم مختلف دنیا رامیتوان مانند نقطه‌های پراکنده‌ای در سطح خارجی کره‌ای مجسم نمود که حضرت بهاءالله بعنوان مرکز و هسته اصلی آن قرار دارند. قوای در عالم وجود دارد که می‌کوشد همه نقاط را در جهت یک قطب بکشاند و به ادعای خود در یک فرهنگ جهانی گرد هم آورد. اما وقتی این اتفاق می‌افتد این نقاط فقط از یک محل به محل دیگر در سطح کره حرکت می‌کند و فاصله آنها از مرکز و حضرت بهاءالله تغییر نمی‌کند. از جهت دیگر اگر هر یک از این نقاط، که نماینده هر یک از مردمان است اجازه یابند که در مسیر مستقیم خود در جهت حضرت بهاءالله حرکت کنند، طبیعتاً به یکدیگر نزدیکتر خواهند شد. با شرکت در تأسیس وحدت عالم انسانی فرهنگشان عوض شده و غنی تر می‌گردد.

## قسمت سی و یکم

یکی از راههای بررسی خصوصیات نوع پروژه تبلیغی مورد نظر ما در اینجا تقسیم آن به چند واحد زمانی است، که هر کدام به مجموعه خاصی از فعالیتها اختصاص یافته است. در هر یک از این واحدها شرکت کنندگان در پروژه تبلیغی با کمک هم آهنگ کننده روش معینی را که بوسیله تشکیلات امری مسؤول پروژه در نظر گرفته شده، تعقیب می کنند. این روش الزاماً تنها راه موجود برای انجام امور نیست ولی یک شرکت کننده مجرب می داند چگونه از سلیقه ها و عاداتهای خود صرف نظر کند تا اینکه اجازه دهد قوای محکم اقدام گروهی توسعه یابد.

اولین قسمت وقت پروژه، ساعت های اولیه صبح است. معمولاً مردم می توانند در موقع شب بخواب رفته و هر ساعتی که برایشان راحت باشد صبح از خواب برخیزند. علی رغم این موضوع اغلب هماهنگ کنندگان از شرکت کنندگان می خواهند که صبح زود برنامه را شروع کنند، زیرا تجربه نشان داده که این کمک بسزائی در موفقیت برنامه های گروه می کند. تجربه نشان داده که اکثریت مردم دنیا که این نوع پروژه تبلیغی را بعهد گرفته و انجام می دهند، سحرخیز هستند.

بدیهی است که یکی دو ساعت اول روز به انجام کارهای شخصی صرف می گردد. احترام و تفاهمی که اعضای گروه در این زمان نسبت به یکدیگر نشان می دهند تا حدود زیادی چگونگی روابط آنها را در طول روز تعیین می کند. گذشته از زمانی که افراد صرف شستشو، لباس پوشیدن و نظافت محل زندگی خود می کنند، این دو ساعت بهترین اوقات هر فرد برای توجه بسوی خداوند و رازونیز با اوست. این وقتی است برای تأمل و تفکر فردی در مواهب الهی که مستمراً فرد دریافت می کند او را آماده می سازد که سهم روزانه خود را از نعمای بی شمار الهی دریافت دارد. این زمان فرصتی است که فرد بگوشه ای رفته و به دعا و تفکر پرداخته و در کمال تضرع و ابتهاج از خدا بخواهد که کوششهای او را هر چند جزئی در آستان مقدس خویش بپذیرد و به تأییدات ربانی مؤید گرداند. چه با ارزش است یادآوری ادعیه ای که در صبحگاهان تلاوت شود:

"رَبِّ اَنْ طَيْرًا كَلِيلَ الْجَنَاحِ ارَادَ اَنْ يَطِيرَ فِى هَذَا الْفَضَاءِ الَّذِى لَا يَتَنَاهَى فَكَيْفَ يُمْكِنُ هَذَا اِلَّا بِعَوْنِكَ وَ عِنَايَتِكَ وَ تَأْيِيدِكَ وَ تَوْفِيقِكَ." (٤١)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: این طیربال و پرشکسته اراده آن دارد در این فضای لایتناهی پرواز کند ولی این کار بدون استعانت، عنایت و تأیید تو میسر نیست.)

"اَسْئَلُكَ بِمَصْدَرِ وَحْيِكَ وَ مَطْلَعِ آيَاتِكَ بَانَ تَجْعَلَ قَلْبِي اِنَاءَ حَبِّكَ وَ ذِكْرَكَ ثُمَّ اجْعَلْهُ مَتَّصِلًا بِحَرَكَةِ الْعَظْمِ لِيَجْرِيَ مِنْهُ فِرَاتٌ حَكْمَتِكَ وَ اَنْهَارٌ ذِكْرَكَ وَ ثَنَائِكَ." (٤٢)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: از مصدر وحی و مطلع آیات منجمله حجت و ذکر و ثناء تو را میگویم که قلب من را در آن جریان سرچشمه حب و ذکر گردانی و آنرا به دریای عظمت که فرات حکمت و انهار ذکر و ثناء تو در آن جریان دارد متصل کنی.)

"اسئلك يا مالک الوجود و المهیمن علی الغیب و الشهود ان تجعل من قام علی خدمة امرک بحراً موجاً  
بارادتک و مشتعلاً بنار سدرتک و مشرقاً من افق سماء مشیتک." (۴۳)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای خداوند مالک هستی و دارنده دیده و نادیده، نفسی که به خدمت امرت برخیزد چون دریائی که به فرمان تو موج میزند و از آتش سدره تو شعله‌ور است و از افق مشیت تو میدرخشد، بگردان.)

"ربّ وفق عبدک هذا علی اعلاء الکلمه و ادحاض الباطل و احقاق الحقّ و نشر الآثار و ظهور الانوار و طلوع  
الاصباح فی قلوب الابرار." (۴۴)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: پروردگارا بندگان را به اعلاء کلمات و ردّ باطل و احقاق حقّ و انتشار آثار و همچنین ظهور روشنائی و طلوع صبحگاهی در دل دوستان راستان موفّق فرما.)

"الهی تری ضعیفی و ذلیّ و هوانی بین خلقک مع ذلک توکلّت علیک و قمتُ علی ترویج تعالیمک  
بین عبادک الاقویاء معتمداً علی حولک و قوتک." (۴۵)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: خدایا تو شاهد ناتوانی و پستی من هستی با وجود این با توکل بر تو و اعتماد به کمک و توانائی تو به ترویج تعالیمت بین بندگان مقتدرت برخاسته‌ام.)

"الهی الهی ترانی مع ذلّی و عدم استعدادی و اقتداری مهتماً بعظائم الامور قاصداً لاعلاء کلمتک بین  
الجمهور نادياً لنشر تعالیمک بین العموم و ائی اتوفّق بهذا الا ان یؤیدنی نفثات روح القدس و ی نصرنی جنود  
ملکوتک الاعلی و تحیط بی توفیقاتک الّتی تجعل الذباب عقاباً و القطرة بحوراً و انهاراً و الدّرات شمساً و  
انواراً." (۴۶)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: پروردگارا با ناتوانی و عدم استعداد به امور عظیم همت گماشته‌ام و قصد آن دارم که کلمات را بین مردمان اعتلاء بخشم و تعالیمت را بین جمهور ناس نشر دهم البتّه به این امر موفّق می‌شوم اگر به نفثات روح القدس مؤید گردانی و با لشکریان ملکوت کمک فرمائی و توفیق و تأییدت را که پشه ناتوان را قدرت عقاب می‌بخشد و قطره را به رود و دریا بدل می‌کند و ذره ناچیز را روشنائی آفتاب عنایت میکند، شامل گردانی.)

"ربّ ائی ضعیف قوئی بقدرتک و سلطانک و کلّیل اللسان انطقنی بذکرک و ثنائک و ذلیل عزّزنی بالدخول  
فی ملکوتک و بعید قرّنی بعقبه رحمانیتک." (۴۷)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: خدایا ناتوانم توانا فرما، زبان بسته‌ام به ذکر و ثنایت گویا کن و بنده ناچیزم به ورود در ملکوت عزیز نما و از تو دورم به بارگاه رحمانیتت نزدیک فرما.)

" رَبِّ لَوْ تَوَيَّدُ بِنَفْثَاتِ الرَّوْحِ اعْجَزَ الْوَرَى لَبَلَغَ الْمُنَى وَتَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ." (٤٨)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: پروردگارا اگر ناتوان‌ترین بندگانت را به الهامات روحانی مؤید سازی به آنچه آرزو کند برسد و آنچه را که بخواهد بدست آرد.)

" رَبِّ ابْعَثْ فِي بِلَادِكْ نَفُوساً خَاضِعَةً خَاشِعَةً مُنَوَّرَةً الْوَجُوهِ بَانُورِ الْهُدَى مُنْقَطِعَةً عَنِ الدُّنْيَا نَاطِقَةً بِالذِّكْرِ وَ الثَّنَاءِ نَاشِرَةً لِنَفْحَاتِ قُدْسِكِ بَيْنَ الْوَرَى." (٤٩)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: پروردگارا نفوس فروتنی را که به انوار هدایت روشنند و از امور دنیوی به دور و به ذکر و ثنای تو مشغول برای نشر نفحات قدست بین مردمان برانگیز.)

" رَبِّ رَبِّ اَيِّدْ عِبَادَكَ الْاَصْفِيَاءَ عَلَي الْحَبِّ وَ الْوَلَاءِ بَيْنَ الْوَرَى وَ وَفَّقْهُمْ عَلَي نَشْرِ الْهُدَى مِنَ الْمَلَأِ الْاَعْلَى بَيْنِ اَهْلِ الْاَرْضِ كُلِّهَا." (٥٠)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: پروردگارا بندگان برگزیده‌ات را به حبّ و دوستی بین مردمان مؤید دار و به انتشار نور هدایت در میان همه اهل ارض موفق فرما.)

" رَبِّ اَنْهَمْ ظَمَاءً اُورِدْهُمْ عَلَي مَنَاهِلِ الْفَضْلِ وَ الْاِحْسَانِ وَ اَنْهَمْ جِيَاعَ اَنْزِلْ عَلَيْهِمْ مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ وَ اَنْهَمْ عُرَاةَ الْبِسْهَمِ حَلَلِ الْعِلْمِ وَ الْعِرْفَانِ." (٥١)

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: پروردگارا آنان تشنه لبند به چشمه فضل و احسانت وارد کن، گرسنه‌اند مائده آسمانی بفرست، عریانند لباس علم و عرفان بر آنان بپوش.)

" اَيُّ خِدَاوَنَدِ بِيَهْمَتَا اَيُّ رَبِّ الْمَلَكُوتِ اَيْنِ نَفُوسِ سِبَاةِ اَسْمَانِي تَوَانَدِ اَمْدَادَ فَرْمَا وَ بَه جُنُودِ مَلَأِ اَعْلَى نَصْرَتِ كُنْ تَا هَرِيكْ نَظِيرِ اَرْدُوئي شُونَدِ وَ اَن مَمَالِكْ رَا بَه مَحَبَّتِ اللّهِ وَ نَوْرَانِيَّتِ تَعَالِيمِ الْهِي فَتَحْ كُنُنَد." (٥٢)

علاوه بر تلاوت دعا و مناجات بطور انفرادی، هماهنگ کننده جلسه دعا برای همه اعضای گروه ترتیب می دهد. طبعاً بعضی از اعضای گروه وظیفه تهیه صبحانه و پذیرائی از همه افراد گروه را بعهدہ دارند. این وظیفه‌ای است که باید با صمیمیت تمام از طرف همه اعضای گروه بعهدہ گرفته شده و انجام شود. زیرا محبت الهی باید به صورت خدمت به بندگان نمایان گردد. اعمال کوچک محبت‌آمیز، دارای قوای فوق‌العاده‌ای است که قادر به ایجاد قوای محرکه در بین نفوس از خود گذشته‌ای است که مصمم هستند با اتحاد با یکدیگر همکاری نمایند.

## قسمت سی و دوم

دومین واحد زمان اختصاص به تزئید معلومات افراد گروه دارد. این فعالیت بسیار حیاتی است، بی توجهی به آن از تأثیر پروژه می‌کاهد. مبلغ باید با نیروهای روحانی که سبب تقلیب قلوب است، رابطه داشته باشد. برای نیل به این هدف، لازم است که قلب و روح مبلغ با قوه کلمه الهی دمساز باشد. هماهنگ کننده با تجربه همیشه نصوصی را که متناسب با کار روزانه گروه است تهیه نموده و در اوقات مناسب آنها را تلاوت کرده توجه گروه را به آنها جلب نماید. حفظ کردن این نصوص البته مانند مائده آسمانی است که شرکت کنندگان را تغذیه و فضای روحانی پروژه را حفظ می‌کند. بعنوان تمرین شاید مایل باشید قسمتهائی از آثار مبارکه را که مناسب تزئید معلومات گروه در یک پروژه فشرده تبلیغی است جمع آوری کنید.

## قسمت سی و سوم

سومین واحد از زمان اختصاص به فعالیت‌های گروه دارد. همان‌طور که مکرراً بیان کرده‌ایم، این قسمت بر طبق کیفیت هر پروژه متفاوت خواهد بود. ولی بهرحال این قسمت در همه پروژه‌ها، یک اقدام مداوم، متمرکز و پابرجاست. معمولاً در پایان جلسه تزئید معلومات، گروه به کمک هماهنگ کننده در باره وظائف و اشکالات روزانه مشورت می‌کنند. پس این قسمتی از برنامه روز است که هر عضو گروه تأییدات الهی را به مدد طلبیده و کلیه افکار و اقدام خود راوقف رساندن پیام حیات بخش حضرت بهاءالله به نفوس منتظر می‌نماید.

باید بیاد داشت که هدف چنین پروژه‌های تبلیغی فقط تسجیل تعداد زیادی از افراد نیست. فعالیت‌های گوناگون مرتبطی وجود دارد که باید اجرا گردد. افراد مستعد را باید جستجو نمود. آنها باید ضمن گفتگوئی مفید و پرمثمر کمک شوند تا حضرت بهاءالله را به عنوان مظهر ظهور الهی برای این یوم بشناسند و در حصن حصین میثاق او در آیند. بهائیان تازه تصدیق و همچنین سایر احبای محل را باید در منازلشان ملاقات و یک سری مطالب تزئید معلوماتی را با آنان در میان گذاشت. از هیچ کوششی برای ایجاد ذوق و شوق لازم در اعضای جامعه بهائی برای تبلیغ و اختلاط آنان در فعالیت‌های تبلیغی پروژه دریغ ننمود. اغلب می‌باید توجه خاصی به کودکان مبذول داشت و کلاس‌های درس اخلاق روزانه برای آنان تدارک دید. بعلاوه باید با افرادی که سمت رهبری دارند ملاقات نمود و آنها را با اهداف و مقاصد دیانت بهائی آشنا کرد.

روش‌های عملی تبلیغ می‌تواند دارای سطوح مختلف رسمی باشد. برای مثال ممکن است عمل تبلیغ کاملاً بعهدۀ هر مبلغ گذاشته شود و او تصمیم بگیرد چگونه به ملاقات افراد رفته، امر الهی را معرفی کند و اصول تعالیم بهائی را برای آنان تشریح نماید. بهمین گونه ممکن است که نحوه کار در یک برنامه دیگر، رسمی تر صورت پذیرد. برای مثال، ترتیب دهندگان یک برنامه تبلیغی، روش ثبت نام افراد در یک سری کلاسهای چند ساعته که طی ۵ روز اداره می‌شود را انتخاب کرده‌اند مواضع انتخابی برای این کلاسها عبارت است از: طبیعت انسان و حیات روح در روز

اول، قدرت دعا و مناجات در روز دوم، خداوند و مظاهر ظهورش در روز سوم، عهد و میثاق حضرت بهاءالله در روز چهارم، جامعه بهائی در روز پنجم. روز ششم ضیافت مشترک تشکیل می‌گردد. در این موقع اغلب کسانی که در کلاسها شرکت کرده‌اند، تحت تأثیر قرار گرفته و ایمان خود را به حضرت بهاءالله اعلام نموده و عضو جامعه بهائی خواهند شد.

گرچه فعالیت‌های این قسمت از برنامه باید با سرعت و فوریت انجام گیرد ولی باید بخاطر داشت که تبلیغ افراد مستعد نباید با شتاب‌زدگی و بطور سطحی صورت گیرد. حتی موقعی که افراد دیانت بهائی را بسرعت می‌پذیرند، باز نیازمند توجه و چندین ملاقات در حین پروژه هستند تا اینکه مبنای مستحکمی برای پیشرفت‌های آینده‌شان به عنوان بهائی ساخته شود. سری که هر مبلغ با تجربه در رابطه با این موضوع فراگرفته این است که چه مؤمنین جدید و چه اعضای سابق جامعه وقتی ایمانشان مستحکم تر و عمیق تر می‌شود که خود در تبلیغ دوستان و اعضای خانواده مقدمتاً با کمک مبلغ سیار و بتدریج به تنهایی شرکت نمایند. ثابت شده مؤثرترین راه این است، از کسانی که ایمان می‌آورند اسامی اعضای دیگر خانواده‌شان که شاید مایل باشند بشارت ظهور موعود کلّ امم را دریافت کنند، پرسیده و ترتیبی برای ملاقاتشان داده شود.

## قسمت سی و چهارم

قسمت آخر برنامه، ساعات شب است. هر هم‌آهنگ کننده با تجربه می‌داند که شب‌ها در یک برنامه تبلیغی بسیار پرثمر است و باید کاملاً مورد استفاده قرار گیرد. گاهی اوقات جلسات بزرگ برای تمام اهل روستا یا شهر در این وقت تشکیل می‌شود. در این جلسات سخنرانیهای مدوّن، موسیقی، قطعات فکاهی و نمایش اجرا می‌شود. کوشش دسته جمعی برای ایجاد حسّ وحدت جامعه و ذوق و شوق در افراد صورت می‌گیرد. در موارد دیگر، این اهداف از طریق جلسات کوچکتر و کلاسهای رسمی به همین نتایج می‌رسد.

مهم است که شرکت کنندگان در پروژه تبلیغی اهمیت شرکت فعالانه در برنامه‌های شب را درک کنند. این زمان برای استراحت و یا صحبت با دوستان در نظر گرفته نشده است. باید آماده بود و در نهایت میهمان نوازی مطمئن شد که همه از کوچک و بزرگ احساس راحتی نموده، مورد توجه قرار گیرند و به سؤالات همه جواب داده شود.

با چنین جلسه‌ای کار روز به پایان می‌رسد. اما پیش از ختم کامل برنامه روز و استراحت، برنامه دیگری هم باید انجام شود. آخرین جلسه برای خود گروه لازم است تا تجارب روز را بحث کنند. باید بیاد داشته باشیم که موفقیت مستمر در تبلیغ بستگی به میزان توجه ما به آن با روش و روحیه یادگیری است. بنابراین بحث و صحبت در این جلسه آخر باید خالی از هرگونه ابراز شکسته‌نفسی کاذب و یا خودستایی باشد. وظیفه ما ذکر درسهایی است که در طی روز فراگرفته‌ایم و این عمل باید با خضوع توأم باشکرگزاری انجام یابد.



## قسمت سی و پنجم

این توضیح کوتاه از یک نوع پروژه که اغلب در میان جمعیت‌های بسیار مستعد انجام می‌گیرد، بررسی وظائف افراد را در زمینه تبلیغ چه از جنبه فردی و چه از جنبه دسته جمعی به پایان می‌رساند. در تفکر راجع به این دونه، شما باید بدانید اصول روحانی که در هر دو وجود دارد یکی است. ولی مراحل تسجیل چند نفر در جامعه بهائی با اقبال دسته جمعی هزاران نفر از اهالی یک ناحیه به امر متفاوت است. مثال ساده زیر به روشن شدن مسئله کمک می‌کند. اصول پرورش و رشد گیاهان در یک محوطه کوچک و یا در یک مزرعه بزرگ با مساحت صدها هکتار یکسانست. با وجود این، مراقبت از چند گیاه در باغ شخصی با پرورش گیاهان در زمین کشاورزی وسیع بسیار متفاوت است.

هنگامی که چند نفر از دوستان شما تسجیل می‌شوند شما به مراقبت و تغذیه روحانی آنان ادامه می‌دهید و این عمل جزئی از نقشه فردی تبلیغی شماست، با آنان وقت صرف کرده به ازدیاد معلومات آنها توجه می‌کنید تا اینکه حامیان وفادار امر شده و در ترویج امرالله فعال شوند. بهمین منوال، وقتی که تشکیلات بهائی یک پروژه تبلیغی برای جمعیت مستعدی تدارک می‌بیند اگر پیام الهی با شوق و شور و به روشنی ارائه شود در صد زیادی از آنان حضرت بهاءالله را به آسانی خواهند پذیرفت، باید نقشه‌هایی برای تزئید معلومات این مقبلین جدید آماده شود. اما انجام این نقشه‌ها برای ازدیاد معلومات صدها نفر، از عهده چند مبلغ خارج است و یاران لایق باید از بین همین افراد آموزش یابند و این امر مهم و وظایف دیگر را در رابطه با گسترش سریع جوامع بعهد بگیرند. در قلب چنین نقشه‌هایی، مؤسسه آموزشی قرار دارد. بیت‌العدل اعظم در این مورد فرموده‌اند:

"با افزایش تعداد یاران تازه تصدیق روشن شده است که این برنامه‌های تزئیدمعلوماتی که گاه بگاه ترتیب داده می‌شود و سایر فعالیت‌های غیر رسمی برای فعال ساختن جامعه گرچه مهم است ولی برای تربیت نیروی انسانی کافی نیست زیرا در نتیجه این فعالیت‌ها گروه بالنسبه کوچکی از خادمین امر بوجود آمده است. این یاران هر قدر خود را وقف خدمت کنند و هر قدر بخواهند فداکاری نمایند باز نمیتوانند به نیاز صدها بلکه هزاران جامعه نو پا پاسخ گویند. برای آموزش تعداد قابل ملاحظه‌ای از یاران و کمک به آنان که از استعدادهای خدادادیشان در خدمت به امر استفاده کنند باید مؤسسات امری توجهی اساسی و مداوم مبدول دارند.

"تربیت نیروی انسانی به میزان گسترده مستلزم آن است که از دیدگاه جدیدی به تأسیس این مؤسسات بنگریم. در بسیاری از نواحی لازم شده است مؤسساتی با تشکیلات دائمی به وجود آید که به آموزشهای مداوم و منظم پردازند. هدف از این آموزش‌ها این است که تعداد دائم‌التزاید گروههای مؤمنین را به دانش و بینش روحانی و مهارتهای لازمی مجهز نماید که برای انجام انواع وظایف مورد نیاز توسعه و تحکیم جوامع آماده شوند، یعنی وظایفی که تبلیغ و تزئیدمعلومات جمعیت‌های بزرگی از بزرگسالان و جوانان و کودکان را

شامل می‌شود. حصول این منظور به بهترین وجه از راه ایجاد برنامه‌های درسی رسمی و مشخصی که به نحوی منظم دنبال شوند امکان پذیر است." (۵۳) (ترجمه)

بنابراین روشن است که شرکت در دوره‌های مؤسسه چه بعنوان دانشجو و چه بعنوان معلم دارای اهمیت حیاتی است. بیت العدل اعظم الهی در پیامی که خطاب به پیروان امرالله در آمریکای جنوبی و جزایر کارائیب ارسال داشته‌اند چنین می‌فرمایند:

"نقشه‌هایی که در این مناطق سریع‌الانتشار امر تمرکز می‌کند لازم است تعداد قابل ملاحظه‌ای از مؤمنین هر جامعه را آماده کند تا نه فقط در جامعه محلی خود جهد کنند بلکه در سایر مناطق نیز بعنوان مهاجرین و مبلغین کوتاه و یا طویل‌المدت خدمت کنند. برنامه‌های تعلیمی که خیلی از جوامع شما در آن تجربه بسزائی دارند بهترین وسیله است برای تعلیم این نفوس. از شما تقاضا می‌شود که برنامه مؤسسات کشورتان را حمایت کنید. نفوسی که بین شما تجربه بیشتری دارند می‌توانند وقت زیادتری ارائه کنند و این دوره‌ها را در مناطق مختلفه کشور تدریس کنند تا بطور مرتب این برنامه‌ها در کلیه مناطق اجرا شود. در عین حال که در این برنامه شما مهارت و علم جدید می‌آموزید، می‌توانید هر آنچه را که فراگرفته‌اید با شوق و شور بکار بسته و بدین ترتیب به مسؤولیت‌های عظیمه توسعه و تحکیم قائم به خدمت شوید." (۵۴) (ترجمه)

دانستن این مطلب که با شرکت در دوره‌های مؤسسات آموزشی شما به ندای بیت العدل اعظم الهی پاسخ می‌دهید، مطمئناً سبب سرور و فرح شما می‌گردد. بهمین گونه از اینکه بدانید کتاب بعدی مؤسسه روحی به تعلیم مربیان کتاب اول تا ششم اختصاص داده شده، خوشحال خواهید شد. زمانی که آنرا مطالعه نمائید، قابلیت شما در تشکیل گروه‌های مطالعه نه فقط در روستا و یا شهر خود بلکه در مناطق مجاور نیز زیادتر خواهد شد. اما فعلاً وظیفه فوری شما عمل به مطالبی است که در این کتاب یادگرفته‌اید و این نتیجه با داوطلب شدن برای شرکت در پروژه‌های ملی، ناحیه‌ای یا محلی و اجرای نقشه تبلیغی فردی خودتان، ممکن می‌گردد.

## منابع

۱. پیام نوروز ۱۹۷۴ بیت العدل اعظم الهی در آهنگ بدیع سال ۲۹ شماره ۳۲۵
۲. ظهور عدل الهی صص ۱۰۱-۱۰۲ (چاپ امریکا)
۳. حضرت بهاءالله کتاب مستطاب اقدس آیه ۳ ص ۴ (مرکز جهانی بهائی)
۴. پیامهای بیت العدل اعظم الهی ۱۹۶۸-۱۹۶۳ (انگلیسی، چاپ امریکا)
۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۲۰ ص ۱۶۴ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۶. حضرت بهاءالله کلمات مکنونه عربی شماره ۴ ص ۱۳۳ (چاپ استرالیا)
۷. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۴ ص ۱۲ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۸. کتاب بهاگاواد گیتا ۸-۷ : ۴
۹. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۲ - ۱۹۱۱
۱۰. ادعیه محبوب ص ۱۹۶ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۴۵ ص ۷۱ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۱۲. ستایش و نیایش (مؤسسه معارف بهائی، کانادا)
۱۳. مرجع سابق
۱۴. حضرت بهاءالله کتاب مستطاب اقدس شماره ۴ ص ۵ (مرکز جهانی بهائی)
۱۵. نفعات فضل شماره ۱ ص ۹ (مؤسسه معارف بهائی، کانادا)
۱۶. کلمات مکنونه فارسی شماره ۴۴ ص ۱۸ (چاپ استرالیا)
۱۷. کلمات مکنونه عربی شماره ۱۳ ص ۳۵ (چاپ استرالیا)
۱۸. مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول ص ۳۳۵
۱۹. مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء ص ۳۹ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۲۰. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۲۹ ص ۱۷۹ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)

۲۱. ظهور عدل الهی ص ۱۰۷ ( چاپ امریکا)
۲۲. مرجع سابق ص ۱۰۸
۲۳. مرجع سابق ص ۱۰۹
۲۴. مرجع سابق ص ۱۰۹
۲۵. مرجع سابق ص ۱۱۰
۲۶. مرجع سابق ص ۱۱۰-۱۱۱
۲۷. حضرت ولی امرالله توفیعات منتخبه خطاب به احبای امریکا ۱۹۴۶-۱۹۳۳ (انگلیسی، صص ۵-۶)
۲۸. مرجع سابق ص ۷
۲۹. مرجع سابق ص ۷۹
۳۰. استخراج از پیام نوروزی بیت العدل اعظم الهی به بهائیان جهان منتشره در مراحل دخول افواج مؤمنین (انگلیسی، ص ۳۴، چاپ امریکا)
۳۱. پیام رضوان ۱۹۹۵ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان
۳۲. پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان
۳۳. پیامهای بیت العدل اعظم الهی Wellspring of Guidance ۱۹۶۸-۱۹۶۳ (انگلیسی، چاپ امریکا)
۳۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۰۷ ص ۲۵۴ (چاپ امریکا)
۳۵. توفیق صادره از حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبای مورخ ۹ می ۱۹۳۳
۳۶. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۱۴۶ ص ۲۰۲ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۳۷. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۰۰ ص ۲۳۷ (چاپ امریکا)
۳۸. الواح حضرت عبدالبهاء (کپی واصله از مرکز جهانی)
۳۹. مرجع سابق
۴۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۰۴ ص ۲۴۳ (چاپ امریکا)

۴۱. مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد سوم ص ۶۲
۴۲. حضرت بهاءالله مناجاة شماره ۴۰ ص ۴۳ (چاپ برزیل)
۴۳. طرازات، مجموعه الواح جمال اقدس ابھی بعد از کتاب مستطاب اقدس ص ۱۷ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۴۴. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول ش ۲۰۳ ص ۲۴۲ (چاپ امریکا)
۴۵. مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد سوم ص ۶۲
۴۶. مرجع سابق ص ۴۲
۴۷. مرجع سابق ص ۴۸
۴۸. مرجع سابق ص ۶۳
۴۹. مرجع سابق ص ۳۴
۵۰. مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء ص ۸۱ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۵۱. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱ ش ۱۹۰ ص ۲۱۸ (چاپ امریکا)
۵۲. مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء شماره ۷۱ ص ۷۸ (لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
۵۳. پیام بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس مشاورین قاره ای مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۹۶
۵۴. پیام رضوان ۱۹۹۶ خطاب به احبای آمریکای جنوبی و جزائر کارائیب

# Teaching the Cause

Ruhi Institute

Copyright © 2004 by the Ruhi Foundation, Colombia  
All rights reserved. Second Persian Edition published 2006  
ISBN 978-1-890101-55-8 (USA)

Originally published in Spanish as *Enseñemos la Causa*  
Copyright © 1998 by Ruhi Foundation, Colombia  
ISBN 978-958-8057-49-1 (Colombia)

Palabra Publications  
7369 Westport Place  
West Palm Beach, Florida 33413  
U.S.A.  
1-561-697-9823  
1-561-697-9815 (fax)  
books@palabrapublications.info  
www.palabrapublications.info